بسم الله الرّحمن الرّحیم

عربی (۱)

سال اوّل دبیرستان

۱۳۹۱

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : **دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی**

نام کتاب : **عربی (۱) سال اوّل دبیرستان ـ ۲۰۴/۱**

مؤلّفان : **حمیدرضا میرحاجی، عیسی متقی‌زاده، مجید صالح‌بک، علی چراغی و عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی**

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : **ادارهٔ کلّ چاپ و توزیع کتاب‌های درسی**

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،

وب‌سایت: **www.chap.sch.ir**

نقّاش : **محمّدحسین تهرانی، مانا نبوی فرهمند**

صفحه‌آرا : **علی نجمی**

طراح جلد : **محمّدحسن معماری**

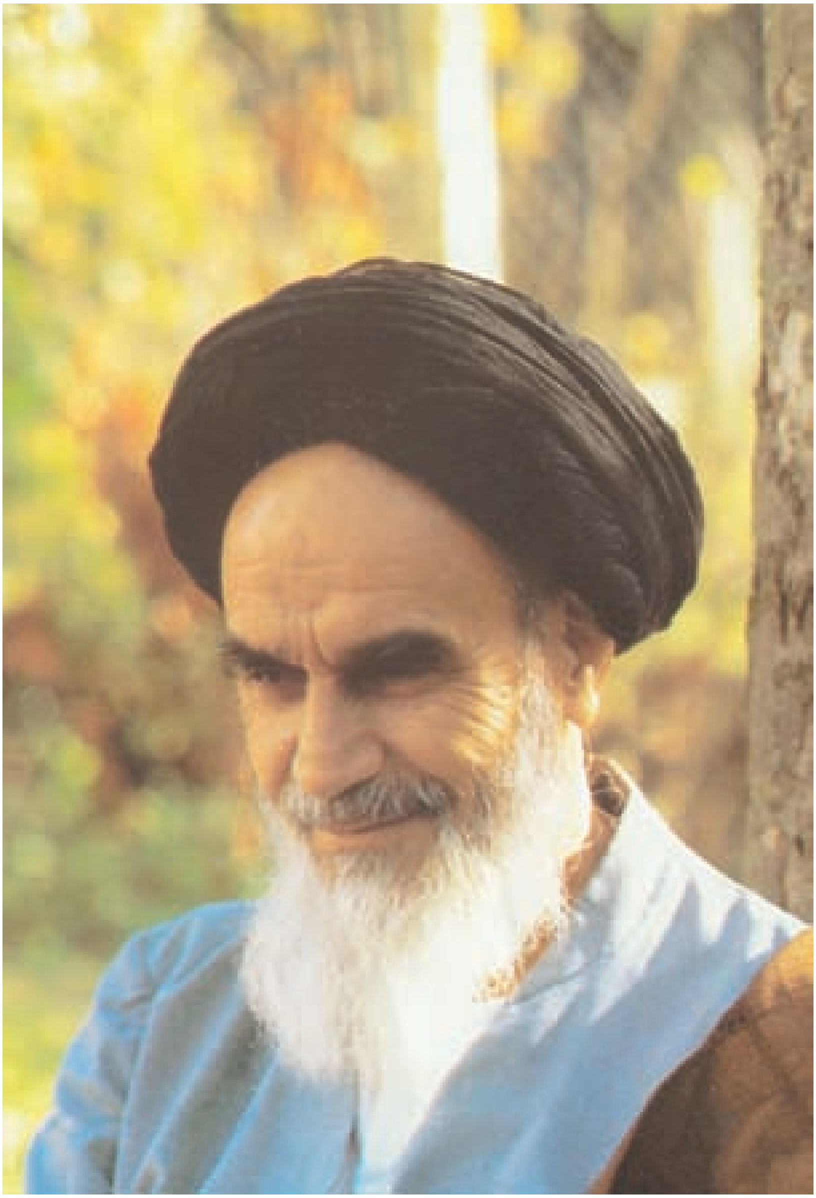
ناشر : **شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران ـ کیلومتر۱۷جادّهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (داروپخش)**

تلفن: ۵ ـ ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹ــ۳۷۵۱۵

چاپخانه : **شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»**

سال انتشار و نوبت چاپ : **چاپ سیزدهم ۱۳۹۱**

شابک ۱-۰۷۱۲-۰۵-۹۶۴ ISBN 964-05-0712-1



نگویید که لغت عربی هم از ما نیست ؛ لغت عربی از ماست ؛
لغت عربی لغت اسلام است و اسلام از همه است.

امام خمینی

معلمان محترم، صاحب‌نظران، دانش‌آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره‌ی مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران ـ صندوق پستی ۳۶۳ ـ ۱۵۸۵۵ ـ گروه درسی مربوط و یا پیام‌نگار (Email) talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

فهرس الکتاب

مقدمه

ذات اقدس باری‌تعالی را سپاسگزاریم که توفیق خدمت به زبان قرآن را به ما عنایت فرمود تا حلقه‌ی ارتباط آشنایی نوباوگان ایران اسلامی با زبان وحی باشیم. احساس خدمت به زبان قرآن و معارف نورانی اسلام خود به تنهایی بسیار لذت‌بخش است. اما پس از فراغت از مرحله‌ی «تألیف کتاب‌های عربی دوره‌ی راهنمایی» و مورد استقبال قرار گرفتن آن‌ها از سوی دبیران و دانش‌آموزان، احساس اطمینان نسبت به درستی راهی که در پیش رو داریم، نیز بر آن افزوده گشت، و باعث شد در ادامه‌دادن راهی که از حدود یک دهه‌ی پیش، طبق برنامه‌ریزی دقیق زمانی و موضوعی به منظور متحول‌ساختن روش آموزش زبان قرآن یعنی زبان «عربی فصیح» در مدارس کشور اسلامی‌مان آغاز کرده‌ایم، مصرتر گردیم!

آموزش مرحله‌ای

آموزش زبان، با هر هدفی که باشد، به صورت مرحله‌ای انجام می‌گیرد و از مرحله‌ی مقدماتی آغاز می‌شود تا به مرحله‌ی پیشرفته برسد. گرچه دانش‌آموزان ما زبان عربی را به‌دلیل ریشه‌های عمیقی که در زبان، فرهنگ و باورهای دینی و مذهبی ما دارد، به‌عنوان زبان دوم نمی‌خوانند، بلکه آن را به‌عنوان یک مکمّل، در کنار زبان فارسی فرا می‌گیرند، با وجود این در آموزش آن ناگزیر باید آموزش مرحله‌ای را در پیش گرفت. براساس همین نگرش، مباحث مقدماتی آموزش زبان عربی در کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی گنجانده شده و در حقیقت مقطع راهنمایی، پایان مرحله‌ی ابتدایی آموزش زبان قرآن بود و با تألیف این کتاب، «مرحله‌ی دوم» آغاز می‌شود، که این مرحله در دو شاخه‌ی عمومی و اختصاصی (برای علوم انسانی) ادامه خواهد یافت. إن‌شاءالله تعالی!

ویژگی‌های این کتاب

کتاب حاضر از سه بخش اساسی تشکیل شده است :

۱ــ متون

متون کتاب به شکل قصه و گفت‌وگو تهیه شده است تا ضمن برخورداری از جذابیت و زیبایی، بهتر بتواند دانش‌آموزان را در فهم و درک متون عربی و ترجمه‌ی آن‌ها یاری کند. محتوای این متون اغلب برگرفته از داستان‌های قرآنی، روایی و اخلاقی است. واژه‌های به کار گرفته شده در تهیّه‌ی این متون، غالباً واژگان قرآنی و روایی هستند و دانش‌آموز با یادگیری آن‌ها،

عملاً متوجه خواهد شد ریشه ی اغلب لغات و اصطلاحات «عربی فصیح» همان لغات و اصطلاحات قرآنی است و نمی تواند از کلام الهی دور باشد!

برای اجتناب از طولانی شدن متون داستان‌ها، با بهره گیری از تصویر، علاوه بر جذّاب شدن کتاب، بار معنایی فراوانی بر عهده ی این تصاویر گذاشته شده است.

۲ــ قواعد

در شیوهٔ سازماندهی محتوای قواعد سعی شده است که میان قواعد درس و عینیت بخشیدن آن در طبیعت پیوند داده شود، تا دانش‌آموز احساس کند که عالم زبان و کلمه بیگانه از عالم طبیعت و آفرینش نیست. پس از ایجاد این ارتباط، با به‌کارگیری نمودار، جدول و کادرهای مختلف، سعی شده که دانش‌آموز با به‌کارگیری روش اکتشافی، خود در فرآیند یادگیری شرکت کند و سنگینی آموزش قواعد با به‌کارگیری این روش حتی‌الامکان تسهیل شود.

اهمیّت استفاده از حضور فعّال دانش‌آموز در فرآیند یادگیری و بهره‌مندی از روش پرسش و پاسخ، از نکاتی است که نباید نادیده گرفته شود!

مطالب کادرهای سمت چپ و راست صفحات قواعد نیز می‌تواند به‌عنوان یک «چاشنی»، امر یادگیری را تسهیل و جذاب کند.

۳ــ تمرین

در شیوه ی ارایه ی تمرین‌ها سعی شده که این تمرینات ضمن تحقق‌بخشیدن به اهداف موردنظر در هر درس، از جذابیت و تنوع برخوردار باشد تا بتواند مورد توجه دانش‌آموزان قرار گیرد.

در این کتاب، بخش «تجزیه و ترکیب» نیز تحت عنوان «الإعراب و التّحلیل الصرفيّ» آمده که با درنظرگرفتن این‌که «شجره» ی آموزشِ قواعد هر زبان، وقتی به‌بار خواهد نشست که این قواعد را بتوان بر کلمات و جمله‌ها تطبیق داد تا وسیله‌ای شود برای درست‌خواندن و درست‌درک‌کردن مطالب، اهمیت بسیار زیاد این بخش بر اهل فن پوشیده نیست و نباید از آن غافل بود!

در کنار این سه بخش اصلی، بخش‌های دیگری در نظر گرفته شده که همگی با هدف تسهیل فراگیری سه بخش اول سازماندهی شده‌اند. این بخش‌ها عبارتند از :

۱ ــ اضواء قرآنیة

در کتاب‌های عربی دوره ی سه ساله ی راهنمایی صفحه‌ای با عنوان «الدراسات القرآنیة» گنجانده شده تا دانش‌آموزان رد پای آموخته‌های خود را در قرآن کریم جستجو کنند و به آن‌ها یادآوری شود که چگونه می‌توانند آموخته‌های خویش را مورد استفاده و بررسی قرار دهند.

توصیه‌هایی که در این بخش از کتاب حاضر می‌تواند مفید واقع شود، همان مواردی هستند که در کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی مطرح شده‌اند.

۲ــ في رحاب نهج‌البلاغة

در سه درس از کتاب حاضر تحت عنوان «في رحاب نهج‌البلاغة» سعی شده است تا با فراهم‌ساختن زمینه‌ی آشنایی دانش‌آموزان،هرچند بسیار مختصر، با مطالب ارزشمند «نهج‌البلاغة» عملاً به آنان نشان داده شود کلمات و عبارات زبان «عربی فصیح» همگی از یک «اصل» منشعب شده‌اند، و آن همان کلام الهی یعنی قرآن کریم است!

۳ــ کارگاه ترجمه

این صفحه قصد دارد به‌منظور تقویت قوه‌ی درک و فهم عبارات که از اهداف غایی آموزش زبان عربی است، دانش‌آموز را با نکات و اصول ترجمه‌ی صحیح آشنا کند. تأکید روی این زمینه در تمامی متون و عبارات و تمرینات، موردنظر است تا به‌تدریج امر پرداختن به تقویت فهم متون و عبارات جایگاه شایسته‌ی خود را باز یابد!

۴ــ اِصنع و اعمل

ساخت و استفاده از ابزارهای آموزشی در فرآیند تعلیم و تربیت، امری غیرقابل انکار است. در ادامه‌ی سال سوم راهنمایی، این صفحه نیز وسیله‌ی تسهیل کار معلمان و دانش‌آموزان هنرمند را فراهم می‌کند و زمینه‌ای برای استفاده هر چه بیشتر از ابزارهای آموزشی در سال‌های آتی می‌گردد. این صفحه هر چند جزءِ اهداف و تکالیف اصلی دانش‌آموزان نیست، اما استفاده کردن از آن سبب پربارترکردن آموزش زبان می‌گردد!

۵ــ کارهای فوق برنامه

در پایان هر درس، صفحه‌ای در نظر گرفته شده که زمینه‌ی کار فوق برنامه‌ی دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. کارهای مطرح شده در این صفحه نیز گرچه جزء اهداف کتاب نیست، اما در ارتقای سطح علمی دانش‌آموزان و بسترسازی مناسب برای یادگیری زبان قرآن، بسیار حائز اهمیت است.

۶ــ توجه به کاربرد عربی در فارسی

از آنجا که فهم متون فرهنگ اسلامی و نیز دریافت لطایف و حلاوت زبان فارسی جز با یادگیری زبان عربی امکان‌پذیر نیست، لذا در این کتاب نیز چون کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی، تا حد امکان به این مهم پرداخته شده و در جای جای کتاب علاوه بر استفاده از لغات و عبارات و متون اسلامی، سعی شده که از عبارات و لغات عربی مورد استفاده در زبان فارسی استفاده شود.

در پایان و با امید این‌که تلاش مسؤولان، برنامه‌ریزان، کارشناسان و مؤلفان این کتاب بتواند

نقش سازنده‌ای در آموزش زبان قرآن داشته باشد، توجه دبیران ارجمند را به چند نکته‌ی زیر نیز جلب می‌نماید :

نکته‌ها

۱ــ در زمینه‌ی ترجمه، همان‌طور که قبلًا نیز اشاره شده، کار اصلی بر عهده‌ی دانش‌آموزان است و معلم می‌بایست نقش راهنمایی و ارشاد داشته باشد.

۲ــ در زمینه‌ی قواعد، تلاش شود که از روش اکتشافی بهره گرفته شود و دانش‌آموز در جریان یادگیری، مستقیماً دخالت کند.

استفاده از کادرها و جدول‌ها در فرآیند یادگیری، بسیار مفید و لازم است. برگزاری مسابقات علمی در هنگام آموزش قواعد، می‌تواند به نشاط و تحرک بیشتر دانش‌آموزان کمک کند.

در زمینه‌ی قواعد به هیچ‌وجه مطالب خارج از کتاب، آموزش داده‌نشود. و اطمینان داشته باشیم که تمامی مطالب مورد نیاز به‌تدریج آموزش داده خواهد شد.

۳ــ سعی شود که پاره‌ای از جمله‌های ساده به هنگام ورود به کلاس و خروج از کلاس، بازکردن کتاب، حل تمرین‌ها و ... به زبان عربی بیان شود تا دانش‌آموز احساس کند در حال فراگیری زبانی زنده و پویا است و می‌تواند از کلمات و عبارات قرآن کریم در گفت‌وگوها و ... استفاده کند.

۴ــ توجه بیشتر به زبان قرآن و ایجاد انگیزه‌ی لازم در مخاطبان، منوط به استفاده از روش‌های جدید آموزشی است. امید است همکاران فاضل ضمن توجه به ارتقای سطح علمی خود، در زمینه‌ی بهبود روش‌های تدریس نیز توجه کافی بنمایند تا بتوان اُفق آینده‌ی «تعلیم و تعلّم» زبان قرآن را هرچه بیشتر نورانی‌تر و روشن‌تر مشاهده کرد.

۵ــ در ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، فقط از آن دسته از لغات و کلمات و عبارات به‌کار رفته در «اضواء قرآنية» و «في رحاب نهج‌البلاغة» و «کارگاه ترجمه» می‌توان استفاده کرد که به‌نحوی در متن دروس نیز به‌کار رفته باشد.

«و مِن اللّهِ التّوفيقُ»

گروه عربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

سایت گروه عربی

www.arabic-dept.talif.sch.ir

يارَبِّ ...!

﴿... هَبْ* لي حُكْماً* وَ أَلْحِقْني* بالصَّالِحينَ﴾

يارَبِّ

قَوِّ* عَلَى خدمتكَ جَوارِحي!

و ٱشْدُدْ* على العَزيمةِ* جَوانِحي*!

فإليكَ* يا ربِّ

نَصَبْتُ* وَجْهي.

و إليكَ يا ربِّ

مَدَدْتُ يَدي.

يا سابغَ* النِّعَمِ! يا دافِعَ النِّقَمِ*!

صَلِّ على مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ و

ٱفْعَلْ بي ما أنْتَ أهْلُه*.



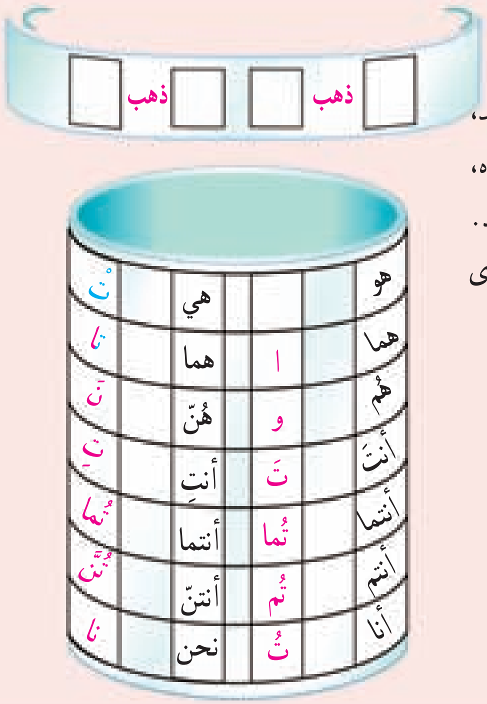
منهج



تصویر فوق خلاصه‌ی مطالبی است که در دوره‌ی راهنمایی خوانده‌ایم. اکنون به‌کمک وسایل کمک آموزشی و انجام چند مسابقه، نکات و موضوعات خوانده شده را به یاد می‌آوریم.

فعل ماضی

اگر به «استوانه‌ی ماضی» توجه کنید، می‌بینید که فعل ماضی از یک « ریشه » (مادّه، بُن) به‌علاوه تعدادی « ضمیر » ساخته می‌شود. با بالا و پایین آوردن نوار مقوایی صیغه‌های مختلف فعل ماضی ساخته می‌شود.



مطالب دوره‌ی راهنمایی پایه و اساس آموزش دوره‌ی دبیرستان است.

یادگیری «فعل» را دست‌کم نگیریم!
صیغه‌های فعل را طوطی‌وار حفظ نکنیم!

فعل مضارع

فعل مضارع نیز علاوه بر ریشه و ضمیر، تعدادی علامت دیگر هم دارد.

با دقت کردن به تمام حروف مضارع در تابلو و تکرار و تمرین، متوجه می‌شویم که چگونه با تغییر حرکت نوار روی صفحه، صیغه‌های مختلف ساخته می‌شود.

		ذهب	
هو	يـ		ـُ
هُما	يـ		ان
هُم	يـ		ون
أنتَ	تـ		ـُ
أنتما	تـ		ان
أنتم	تـ		ون
أنا	أ		ـُ

		ذهب	
هي	تـ		ـُ
هُما	تـ		ان
هُنّ	يـ		ن
أنتِ	تـ		يـن
أنتما	تـ		ان
أنتنَّ	تـ		ن
نحن	نـ		ـُ

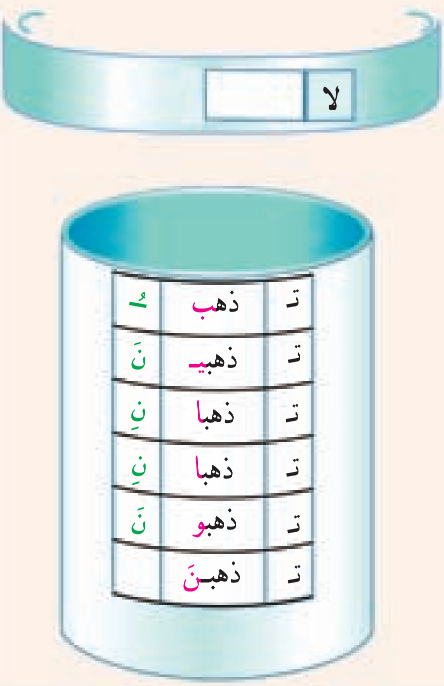
فعل امر

اگر به استوانه‌ی زیر توجه کنیم، درمی‌یابیم که نوار صورتی رنگ روی هر فعلی که قرار می‌گیرد، حروف مضارع را می‌پوشاند و به جای آن یک حرف «اِ» می‌گذارد و حرف «ن» نیز محو می‌شود ؛ جز صیغه‌ی...!



نهی

در استوانه‌ی زیر می‌بینیم که هرگاه حرف «لا» مقابل فعل‌های مضارع مخاطب قرار می‌گیرد، تنها در پی تغییر دادن آخر فعل است، جز ...



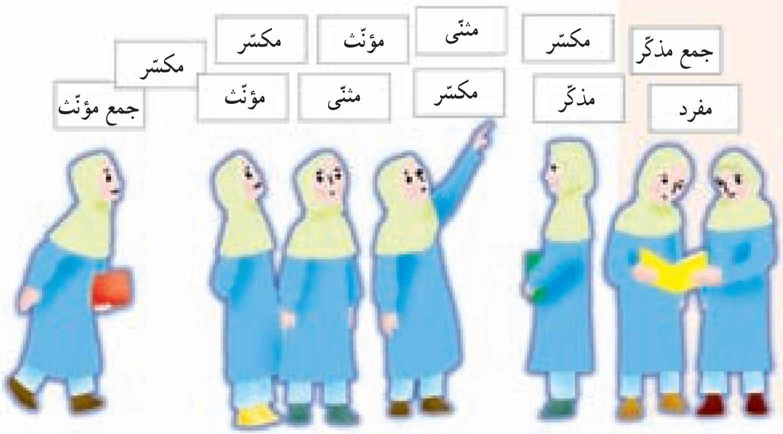
اسم

مسابقه‌ی دقت و سرعت

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در این‌جا ۸ تصویر کشیده شده و دو گروه از بچه‌ها باید تلاش کنند علامت‌هایی را که در دست دارند، زیر هر یک از تصاویر قرار دهند. آیا شما می‌توانید به آن‌ها کمک کنید؟!







آیا به این نتیجه رسیدیم که چقدر نکته و مطلب در دوره‌ی راهنمایی خوانده‌ایم؟!

مسابقه علاوه‌بر تقویت یادگیری و تثبیت آن، به ایجاد نشاط و تحرک در کلاس کمک می‌کند!

إعراب

مسابقه‌ای دیگر

کلاس به دو گروه تقسیم شده است. مسابقه از این قرار است که در مرحله‌ی اول جملاتی از سوی معلم نشان داده می‌شود :

ذَهَبَ الطّالِب. ، شَرِبَ الطِّفْل الْماء. ، اَلْعِلْمُ مُفید.



سپس روی کلماتی اشاره می‌کند. هر گروه به تناسبِ کلمه‌ای که به آن اشاره می‌شود، می‌بایست یکی از گزینه‌های زیر را بگوید :

«مفعول» همیشه «منصوب»

«فاعل» همیشه «مرفوع»
«مبتدا» همیشه «مرفوع»
«خبر» همیشه «مرفوع»

در مرحله‌ی بعد معلم جملات را نشان می‌دهد و اعراب کلمات را می‌خواهد :

ذَهَبَ الطِّفل. ، قرأت الطّالبة القرآن. ، فَتَحَ الْمعلّم الْکتاب في الصَّفّ.

و در مرحله‌ی سوم معلم جملاتی را گاه صحیح و گاه غلط نشان می‌دهد و از دو گروه جواب موردنظر را می‌خواهد!

در دنیای اطراف خودمان، همه چیز را با علامت‌ها می‌شناسیم.

«رفع» و «نصب» و «جرّ» را فراموش نکرده‌ایم؟! با کدام حرکات نشان داده می‌شوند؟

ضمیر ــ اسم اشاره

مسابقه‌ی حضور ذهن

دو گروه مسابقه‌دهنده ابتدا به دو تابلوی زیر توجّه می‌کنند :





سپس در مرحله‌ی اول قسمت «ضمیر» پوشانده می‌شود و هر گروه با دیدن هر تصویر می‌بایست ضمیر مناسب را ذکر کند.

عکس این عمل در مرحله‌ی دوم انجام می‌گیرد.

در مرحله‌ی آخر دو تابلو به کناری گذاشته می‌شود و معلم با ذکر ضمایر و یا أسماء، از دو گروه می‌خواهد که عبارت او را تکمیل کنند!

حال برای اسم‌های اشاره دو نفر از میان دو گروه انتخاب می‌شوند و معلم به هر نفر ۸ کارت که اسم‌های اشاره روی آن‌ها نوشته شده، می‌دهد و سپس از آن‌ها می‌خواهد که در کنار هر تصویر اسم اشاره‌ی مناسب را بگذارند.

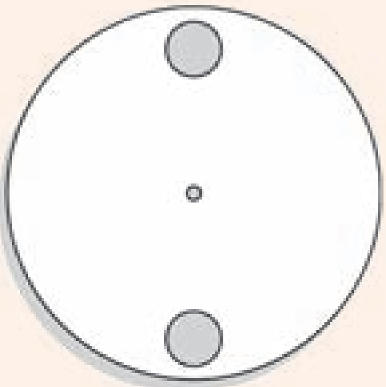
وزن کلمات

دایره‌ی وزن‌ساز

روی دایره‌ی اول کلمات و وزن‌های مختلفی نوشته شده است. حال اگر دایره‌ی دوم را روی دایره‌ی اول حرکت دهیم، خواهیم دید که هر کلمه مقابل وزن آن قرارمی‌گیرد. با تکرار و تمرین و انجام مسابقاتِ «وزن‌سازی»، موضوعِ «وزن کلمه» برای ما ملکه می‌شود.



دایره‌ی اول


دایره‌ی دوم

فعل و ضمیر را اگر خوب یاد بگیریم، بسیاری از مشکلات ما در فهم و ترجمه‌ی عبارت‌ها برطرف می‌شود!

باید به‌گونه‌ای وزن کلمات را یاد بگیریم که به‌راحتی وزن هر کلمه را به‌سرعت بیان کنیم! تمرین و تمرین و تمرین! فراموش نشود!

تمارين

التمرين الأول

أَكمِل الْجدولَ التّاليَ ثمّ ٱكْتُب الرَّمزَ في الْمكانِ المناسِب:

ستون رمز

			ف	
			ل	
			م	

١ـ كليد

٢ـ عبادت كن! (للمؤنّث)

٣ـ جمع «عليم»

٤ـ فرمان مى دهند (للغائبات)

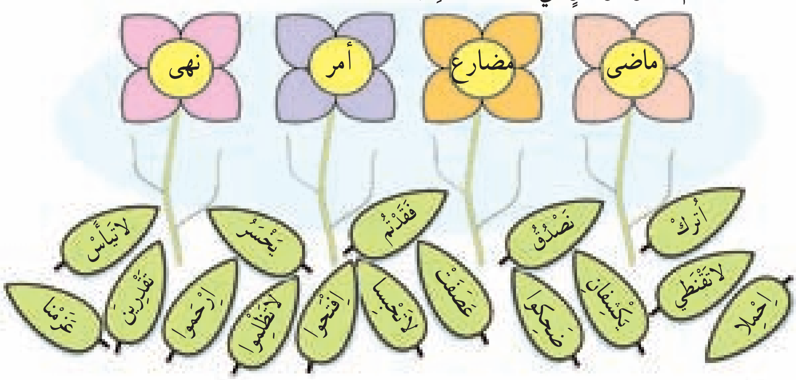
٥ـ زن

٦ ـ جمع «رُكْن»

رمز را اين جا بنويسيد :

التمرين الثاني

تَرجِمِ الأفعالَ التّاليةَ ثُمَّ ٱجْعَل كُلَّ فعلٍ في مكانه المناسِب:



التمرين الثالث

اِجْعل في الْفراغ فعلاً مضارعاً لِلنَّهي:

١ـ ﴿ ... الْحقَّ بِالْباطِلِ﴾ (تَلبِسونَ)

٢ـ ﴿ ...، إنَّ اللّهَ مَعَنا﴾ (تَحْزَنُ)

٣ـ ﴿ ... هذه الشَّجَرةَ﴾ (تَقْرَبانِ)

التمرين الرابع

أكْمِلِ الْجدولَ التّاليَ:

چه تغییری ایجاد شد؟

آیا تغییری مشاهده می کنید؟

ماضی	منفی (ماضی)	مضارع	منفی (مضارع)	نهی (از مضارع مخاطب)
تَعِبَ ـَ (خسته شد)		يَتْعَبُ		
	ماشَرِبْتَ (...)	ـَ		
		يَصْرُخْنَ (...)		

چه علامتی آمد؟

چه تغییری می‌بینید؟

التمرين الخامس

أُكْتُبْ كُلَّ كلمةٍ في مكانها الْمناسبِ مِن الْجدول ثمَّ اْذكُرمفردَها:

والدَيْنِ، أيّام، مسؤولينَ، جَنَّتانِ، عالمات، صادقينَ، صالحات، بحرَيْنِ، علوم، خاشعونَ، فَراشات، عِباد.

المثنّى	المفرد	الجمع السالم	المفرد	جمع التكسير	المفرد

التمرين السادس

اِجْعل في الْفراغِ ضميراً مناسباً:

- ﴿و ... مُسْتكبِرونَ﴾ (هُنّ، هُم / أنتنَّ، هما)
- «اَللّهمَّ ... القائلُ، و قولُك حقٌّ» (أنتَ، أنتِ / هم، هُنّ)
- ﴿فَاللّهُ خيرٌ حافظاً و ... أرْحَمُ الرّاحِمينَ﴾ (هو، هي / نحن، هما)

التمرين السابع

عَيِّنْ إعرابَ الْكلماتِ الّتي أُشيرَ* إلَيْها بخطٍّ :

اَللّهُمَّ! ... قولك حقٌّ و وعْدُكَ صِدق .

﴿و يَضربُ اللّه الأمثال لِلنّاس﴾

مبتدأ	خبر	فاعل	مفعول	مجرور بحرف الجر
...	...	...	...	...
...	...			

التمرين الثامن

عيِّن التّرجَمَةَ الصّحيحةَ:

١ــ لاتَبْحَثوا عن عُيوبِ النّاسِ.

در مورد عیب‌های مردم بحث نکنید. ○

در جست‌وجوی عیب‌های مردم مباشید. ○

٢ــ ﴿اَللّهُ يَعْلَمُ و أنتم لاتَعْلَمونَ﴾

خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید. ○

خداوند می‌داند و آن‌ها نمی‌دانند. ○

٣ــ ﴿اِرْكَعوا و اسْجُدوا و اعبُدوا ربَّكم﴾

رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید. ○

رکوع و سجود کردند و پروردگارشان را پرستیدند. ○



کارگاه ترجمه

در ترجمه، توجه به نکات زیرـ که در سال‌های قبل خوانده‌ایم ـ ضروری است.

۱ـ اسمیه یا فعلیه بودن جمله

۲ـ فعل و صیغه‌ی آن (ماضی، مضارع، امر، غایب، مخاطب، متکلّم)

۳ـ ضمایر

۴ـ اسم‌های اشاره

۵ـ سؤالی و یا منفی بودن جمله

۶ـ تشخیص فاعل و مفعول

۷ـ تشخیص مفرد یا مثنی و یا جمع بودن اسم‌ها

با توجه به مطالب گفته شده، غلط‌های ترجمه‌های زیر را پیدا کنید و صحیح آن‌ها را بنویسید :

۱ـ ﴿أُكْتُبْ لنا في هذه الدُّنيا حَسَنَةً و في الآخِرَةِ﴾

برای ما در آن دنیا و آخرت نیکی را می‌نویسم.

۲ـ ﴿اِرْجِعي إلى ربِّكِ﴾

به‌سوی پروردگارتان باز گردید.

۳ـ ﴿سَيَجْعَلُ اللّهُ بعدَ عُسْرٍ يُسْراً﴾

خداوند پس از سختی آسانی قرار داد.

۴ـ يَسْمَعُ اللّهُ نداءَ الْمظلومينَ.

صدای مظلومان پیام خدا را می‌شنود.

۵ـ ﴿لاتَعْبُدوا إلّا اللّهَ﴾

عبادت نمی‌کنید مگر خدا را!

صفحه‌ی «کارگاه ترجمه» به منظور توجه و اهتمام بیشتر به موضوع تقویت قوه‌ی درک و فهم متون عربی فراهم شده است.

نکاتی که در این زمینه مطرح خواهد شد، با مطالب خوانده شده‌ی هر درس ارتباط دارد.

صفحه‌ی «کارگاه ترجمه» قصد دارد در پایان هر درس شما را با اصول ترجمه و نکته‌های مهم آن آشنا کند!

در ترجمه‌ی عبارت‌های متن درس و نیز تمرینات، نکات «کارگاه ترجمه» را مدّنظر قرار دهیم.

أضواء قرآنية

الف

با توجه به زمان و صیغه‌ی فعل‌های مشخص شده، جاهای خالی را پر کنید :

۱ــ قَالَ : ﴿ اُخْرُجْ منها فإنَّك رَجيمٌ ﴾. (حِجْر / ۳۴) — گفت : از این [مقام] ... که تو رانده شده‌ای.

۲ــ ﴿ يَخْرُجُ مِنْهُما اللُّؤْلُؤُ و الْمَرْجانُ ﴾. (رحمن / ۲۲) — از هر دو [دریا] مروارید و مرجان ... .

۳ــ ﴿ لاتَكونوا كالَّذينَ خَرَجوا مِنْ ديارِهم بَطَراً ﴾. (انفال / ۴۷) — مانند کسانی مباشید که از خانه‌هایشان با حالت سرمستی ... .

***

ب

حرکت آخر (اعراب) کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده، مشخص کنید :

۱ــ ﴿ جاء الْحَقّ و زَهَق الْباطل ﴾ (إسراء / ۸۱) — حق آمد و باطل از میان رفت

۲ــ ﴿ أنْزَلَ اللّه سَكينته على رسوله و... ﴾ (توبة / ۲۶) — خدا آرامش خویش را بر پیامبرش و ... فرو فرستاد.

۳ــ ﴿ اَللّه عليم بِالظّالمينَ ﴾ (بقرة / ۹۵) — خداوند بر (حال) ستمکاران آگاه است.

في رِحاب[1] نهج البلاغة

«اَلعلمُ»

یا کُمَیْلُ!

اَلعلم خَیْرٌ مِنَ ٱلمال.

اَلعلمُ یَحْرُسُكَ[2] وَ أَنْتَ تَحْرُسُ المالَ. «حِکَم ۱۴۷»

● تَرْجِمِ العباراتِ إلَی الفارسیّةِ ثُمَّ عَیِّنِ الْمبتدأَ وَ ٱلْخَبَرَ.

***

عربی را با استفاده از ابزارهای کمک‌آموزشی بیاموزیم!

نمایشگاهی از وسایل کمک‌آموزشی بر پا کنیم!

روزهای فعالیت جنبی درس عربی و برگزاری نمایشگاه‌ها و ... را از روزهای شیرین مدرسه قرار دهیم!

در آغاز سال تحصیلی فعالیت و نشاط دانش‌آموزان کلاس عربی را با ایجاد نمایشگاه وسایل کمک‌آموزشی نشان دهیم!

۱ــ وسایلی را که برای درس اول ساخته‌ایم، در معرض دید دانش‌آموزان کلاس‌های دیگر قرار دهیم.

۲ــ آیا علاوه بر وسایل گفته شده، می‌توانیم وسایل دیگری را طراحی کنیم؟

۳ــ در ساعت‌های فوق برنامه، کارگاه ساخت وسایل کمک‌آموزشی ایجاد کنیم.

۴ــ طریقه‌ی ساخت وسایل کمک‌آموزشی را درکنار هر وسیله نمایش دهیم.

۵ــ از معلمان و دانش‌آموزان مدارس دیگر برای بازدید از نمایشگاه دعوت کنیم.

۶ــ برای درس‌های دیگر نیز به فکر ساخت وسایل کمک‌آموزشی باشیم!

۷ــ از برگزارکنندگان نمایشگاه و فعالان و طراحان وسایل به نحو مقتضی تقدیر شود.

۱ــ الرحاب : ج رَحْب : گُستره — ۲ــ يَحرُسك : تو را حفظ می‌کند.

زيارةُ الحبيبِ*

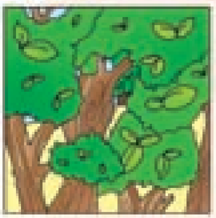



فَقَرُبَ «أُويسٌ» مِنْ مدينةِ النَّبيِّ (ص)
يا لَلسَّعادةِ*!
و في الْمدينةِ
ـ سيِّدي! أين بَيْتُ النَّبيِّ (ص) ؟!
ـ هُناكَ.
آه. وَصَلْتُ نِهايةُ الفِراقِ.
طَرَقَ* بابَ الْبَيْتِ.
ـ عفواً، حبيبي، أطْلُبُ زيارةَ حَبيبي رَسولِ اللّٰهِ (ص).
ـ أهلاً وسهْلاً، تَفَضَّلْ*.


ـ لا ... لا ... أينَ ... أينَ؟
ـ هو سافَرَ إلى مكانٍ قَريبٍ، يَرجِعُ بَعْدَ قليلٍ* إنْ شاءَاللّهُ.
ـ قَطَعْتُ هذه الْمسافةَ البعيدةَ لِزيارةِ حَبيبي.
والِدَتي؟!
فَجَلَس على الأرضِ قَلِقاً* ... نَظرَ إلى السَّماءِ،
يُفَتِّشُ* عَنْ مَوضِعِ الشَّمسِ...
اَلْوفاءُ بِاْلعَهْدِ؟!
نَهَضَ* أُويسٌ مِنْ مكانِهِ حزيناً و قالَ لِلصَّحابيِّ :
لا أقْدِرُ* أكثَرَ مِنْ هذا! والِدَتي بِاْنتظاري... بلِّغْ سَلامي إلى حَبيبي.
و تَرَكَ الْمدينةَ.
رَجَع النَّبيُّ (ص) مِنْ سَفَرِه...
إنِّي لَأَجِدُ نَفَسَ الرَّحمانِ مِن جانبِ الْيَمَنِ!
تَفوحُ* رائحةُ الْجَنَّةِ مِن قِبَلِ* «قرَن»*!
وَ بَعْدَ سِنينَ* ... جاهَدَ أُوَيْسٌ في معركةِ صِفِّينَ و هو يُدافِعُ عن حبيبِ حَبيبِه، فَوَقَعَ عَلَى الأرضِ شهيداً. هَنيئاً* لكَ الشَّهادةُ يا أويسُ!







منجم

آیا تا به حال فکر کرده‌اید که اصل و اساس و ریشه‌ی هر موجودی به یک امر ساده و غیر مرکب و بسیط ختم می‌شود؟
به‌عبارت دیگر همه‌ی درختان و نباتات و حیوانات و انسان‌ها در ابتدا یک شیءِساده بوده‌اند؟!
عالم کلمات هم جدای از عالم مخلوقات نیست. در این‌جا هم کلمه‌ها در آغاز ساده‌تر بودند، سپس به‌تدریج با اضافه شدن حروفی به آن‌ها، کلمات جدیدتری ساخته شدند.

یک سؤال

فعل‌ها چگونه از حالت ساده (صیغه‌ی اول ماضی سه حرفی) به حالت‌های پیچیده‌تر می‌رسند؟

ح	ع	ک
س	ل	ت
ن	م	ب

حَسُنَ — کَتَب — عَلِمَ

أحْسَنَ — کاتَبَ — عَلّمَ

به آیات زیر توجه کنید:

۱ـ ﴿أمَر ربّي بالْقِسْطِ﴾
۲ـ ﴿اَلنَّجمُ والشَّجرُ یَسْجُدانِ﴾
۳ـ ﴿إنّا فَتَحْنا لك فتْحاً مُبيناً﴾

کلمات هم عالَمی دارند!

باز هم بحثِ فعل!
مگر نگفتیم که «فعل» اصل و اساس است؟!
آن‌را یاد بگیریم و تمرین کنیم!

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱ـ چه تفاوتی از لحاظ تعداد حروف در این افعال مشاهده می‌کنید؟

۲ـ کدام فعل کم‌ترین تعداد حروف را دارد؟

کدام فعل بیش‌ترین تعداد حروف را دارد؟

۳ـ صیغه‌ی اول ماضی این فعل‌ها کدام است؟

نتیجه

فعل‌هایی مانند «أَمَرَ»، «یَسْجُدانِ»، «فَتَحْنا» که صیغه‌ی اول فعل ماضی آن‌ها از سه حرف تشکیل می‌شود، «ثلاثی مجرد» نام دارد.

یک سؤال اساسی

آیا فکر می‌کنید همه‌ی نیازهای ما در گفتن و نوشتن با فعل‌های سه حرفی برطرف می‌شود؟!

برای یافتن پاسخ سؤال فوق به تابلوی زیر توجه کنید :

۱ـ ﴿ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ ﴾

۲ـ ﴿ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ ﴾

۳ـ ﴿ وَالَّذینَ هاجَروا و جاهَدوا... ﴾

ـ آیا می‌توانید فعل‌های آیات فوق را پیدا کنید؟

ـ آیا می‌توانید صیغه‌های اول ماضی این افعال را پیدا کنید؟

ـ صیغه‌ی اول ماضی این افعال دارای چند حرف است؟

فریب ظاهر فعل را نخوریم!
ملاک صیغه‌ی اول است!

ثلاثی : سه حرفی
مجرّد : تنها
ثلاثی مجرد : ... ؟

نتیجه

فعل‌هایی مانند : «تُكَذِّبانِ»، «أَرْسَلْنا»، «هاجَروا»، « جاهَدوا . . .» كه صیغه‌ی اول ماضی آن‌ها بیش از سه حرف دارد، «ثلاثی مزید» نامیده می‌شود.

حال از خود سؤال کنید:



۱ــ ملاک تشخیص مجرد یا مزید بودن فعل، کدام صیغه است؟
۲ــ فعل «ثلاثی مجرد» با «ثلاثی مزید» از لحاظ ظاهری چه تفاوتی دارند؟
۳ــ برای یافتن صیغه‌ی اول ماضی چه کارهایی انجام می‌دهیم؟

سؤال کلیدی

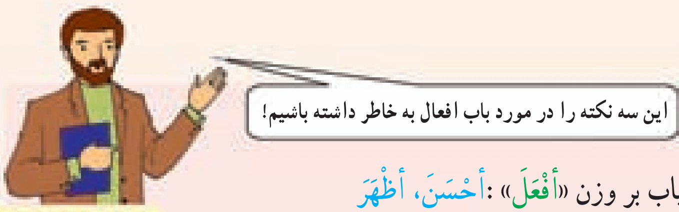
فعل‌های مزید را چگونه تشخیص دهیم؟

جواب

فعل‌های مزید قالب‌های مشخصی دارند!

ما در این درس با سه وزن از فعل‌های مزید آشنا می‌شویم :

معرفی باب افعال



۱ــ ماضی این باب بر وزن «أَفْعَلَ» : أَحْسَنَ، أَظْهَرَ

۲ــ مضارع این باب بر وزن «یُفْعِلُ» : یُحْسِنُ، یُظْهِرُ

۳ــ مصدر این باب بر وزن «إِفْعال» : إِحسان، إِظْهار

در اینجا هم «حرکات» مهم است! با تغییر حرکت، معانی عوض می‌شود! زبان قرآن زبان «حرکت» است.

هرچه قالبی باشد، یادگرفتنش راحت‌تر است! مانند فعل‌های مزید! مگر نه؟!

نکته همه‌ی فعل‌ها ــ چه مجرد و چه مزید ــ «مصدر» دارند.



نتیجه

«مصدر» را به‌عنوان پایه و اساس برای فعل قرار دهیم.

مصادر فعل‌های مجرد اوزان معینی ندارند، بلکه سماعی هستند!

امّا

مصادر فعل‌های مزید وزن معینی دارند. به عبارت دیگر «قیاسی» هستند.

مصادر قیاسی

۱ــ ماضی و مضارع و مصدر فعل «کَرُمَ» در باب إفعال کدام است؟

۲ــ صیغه‌ی اول ماضی از باب إفعال چند حرف دارد؟

۳ــ در فعل ماضی باب إفعال کدام حرف زاید است؟

۴ــ ملاک تشخیص اصلی یا زاید بودن حروف یک کلمه چیست؟

۵ــ جاهای خالی را پر کنید :

ــ هي... . (أَثْبَتَ)

ــ أنتم ... . (يُثْبِتُ)

معرفی باب تفعیل

همه برای خود ریشه‌ای دارند، آدم بی‌ریشه، بی‌هویّت است!

این سه نکته را در مورد باب تفعیل به خاطر داشته باشیم!



۱ــ ماضی این باب بر وزن فَعَّلَ : عَلَّمَ، قَدَّمَ

۲ــ مضارع این باب بر وزن يُفَعِّلُ : يُعَلِّمُ، يُقَدِّمُ

۳ــ مصدر این باب بر وزن تَفْعيل : تَعْليم، تقديم

مصادر فعل‌های مجرد قالب مشخصی ندارند! پس باید آن‌ها را با تکرار و تمرین به‌خاطر سپرد!

حال به این چند سؤال پاسخ دهید :

۱ــ ماضی و مضارع و مصدر فعل «صَدَق» از باب تفعیل را بنویسید.
۲ــ صیغه‌ی اول ماضی در باب تفعیل چند حرف زاید دارد؟
۳ــ آیا تعداد حروف زاید باب افعال و تفعیل با هم‌دیگر فرق می کند؟
۴ــ چرا فعل «قدَّم» ثلاثی مزید است؟
۵ــ جاهای خالی را پر کنید :
ــ هما ... . (دبَّرَ)
ــ أنتَ ... . (یُدَبِّرُ)

معرفی باب مفاعله



۱ــ ماضی این باب بر وزن «فاعَلَ» : جاهَدَ، دافَعَ، خالَفَ

۲ــ مضارع این باب بر وزن «یُفاعِلُ» : یُجاهِدُ، یُدافِعُ، یُخالِفُ

۳ــ مصدر این باب بر وزن «مُفاعَلَة» و گاهی «فِعال» : مُجاهَدَة، مُدافَعَة، مُخالَفَة، جِهاد، دِفاع، خِلاف

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱ــ ماضی و مضارع و مصدر فعل «نَصَرَ» از باب «مفاعلة» را بنویسید.
۲ــ صیغه‌ی اول ماضی در باب «مفاعلة» چند حرف زاید دارد؟
۳ــ آیا تعداد حروف زاید باب مفاعلة و إفعال و تفعیل با هم‌دیگر فرق می کند؟
۴ــ چرا فعل «صادَقَ» ثلاثی مزید است؟
۵ــ جاهای خالی را پر کنید :
ــ هم ... . (دافَعَ)
ــ أنتم ... . (یدافِعُ)

اگر طریقه‌ی تشخیص وزن کلمات را ندانیم، آیا می توانیم فعل های مجرّد و مزید را از یکدیگر تشخیص دهیم؟

فعل های مزید نیز مانند فعل های ثلاثی مجرد صرف می‌شوند : یُعَلِّمون، أَکْرَمْنا و ...

نکته‌ی اول

قبلاً آموختیم که برای ساختن فعل امر حرف مضارع «تـ» حذف می‌شود و به‌جای آن یک همزه با حرکت کسره ـِ و یا ضمه ـُ آورده می‌شود ؛ مانند :اِذْهَبْ، اُخْرُجْ

اکنون می‌آموزیم که

همزه‌ی باب إفعال در فعل امر همیشه مفتوح است :

تُکْرِمُ ⟵ أَکْرِمْ　　　تُحْسِنُ ⟵ أَحْسِنْ

نکته‌ی دوم

آیا تا کنون پیش خودتان فکر کرده‌اید که برای ساختن فعل امر چه نیازی به همزه داریم؟! برای یافتن پاسخ، یک‌بار دیگر به نحوه‌ی ساخت فعل امر توجه می‌کنیم :

تَخْرُجُ ⟵ (حذف «تـ» از اول / حذف حرکت آخر) ⟵ خْرُجْ ⟵ اُخْرُجْ

تَذْهَبُ ⟵ ذْهَبْ ⟵ اِذْهَبْ

ـ آیا جواب را پیدا کردید؟

ـ در عربی مانند فارسی حرف ابتدای کلمه نمی‌تواند ساکن باشد.

ـ همزه امر (غیر از باب اِفعال) چه حرکتی دارد؟

به خاطر داشته باشیم!



هرگاه پس از حذف حرف مضارع، مواجه با حرکت ساکن نشدیم، دیگر نیازی به همزه نداریم ؛ مانند :

تُجاهِدُ ⟵ جاهِدْ

تُعَلِّمُ ⟵ عَلِّمْ

همزه به هنگام ناتوانی و نیاز عصای دست بود!
اما در زمان توانایی و عدم نیاز دیگر چه حاجتی به عصا هست؟!

مسابقه را فراموش نکنیم!
شناخت فعل‌های مجرّد و مزید و تشخیص فعل امر و . . . را میان دو گروه کلاسی به مسابقه بگذاریم!

تمارين

التمرين الأول

عيِّن الصّحيحَ على حَسَب النَّصِّ*:

١ـ كانَ أُوَيْسٌ مشتاقاً لِزيارةِ النَّبيِّ (ص). ◯

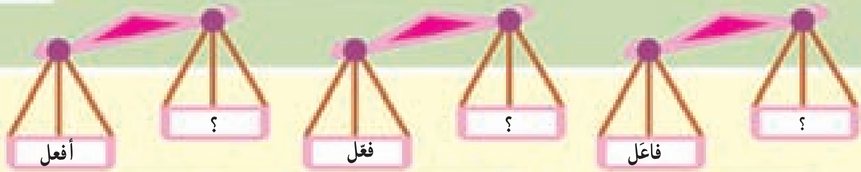
٢ـ وَعَدَ أويسٌ أُمَّه بالرُّجوعِ بعدَ غروبِ الشَّمسِ. ◯

٣ـ جاهَدَ أويسٌ في معركةِ «نَهْروانَ»، فَوَقَعَ على الأرضِ شهيداً. ◯

التمرين الثاني

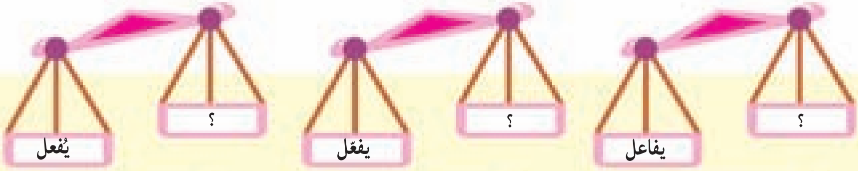
با توجه به كفه‌هاى پر شده، كلمات هم وزن آن‌ها را پيدا كنيد:

هاجر – أكْرَمَ – أشْرَكَ – جالَسَ – أحْسَنَ – عَلَّمَ – قَدَّمَ – كَبَّرَ – كاتَبَ



فاعَل	فعّل	أفعل
....	....	أكرم
....	....	....
....	....	....

حال چنانچه در كفه‌هاى پر شده كلمات «يُفعِل، يُفعِّل و يُفاعل» را قرار دهيد، جهت برابر شدن كفه‌ها در وزن فعل‌هاى بالا چه تغييرى ايجاد مى‌شود؟



يفاعل	يفعّل	يُفعل
....	يُعلِّم	....
....	....	....
....	....	....

اكنون مصادر فعل‌هاى بالا را در جاى خالى قرار دهيد:

مهاجرة	....	....
....	....	....
....	....	....

التمرين الثالث

اِجعلْ في الْفراغِ كلمةً مناسبةً مِن الدَّوائرِ:

١ــ ﴿و أحْسِنْ كَما ... اللّهُ إليكَ﴾

٢ــ ﴿إنّا ... هُ في ليلةِ الْقَدْرِ﴾

٣ــ ﴿رَبَّنا أفْرِغْ* علينا صبراً و ... أقْدامَنا*﴾

٤ــ ﴿إنّا نحن ... عليكَ الْقُرآنَ﴾

أحْسَنوا — أحْسَنَ

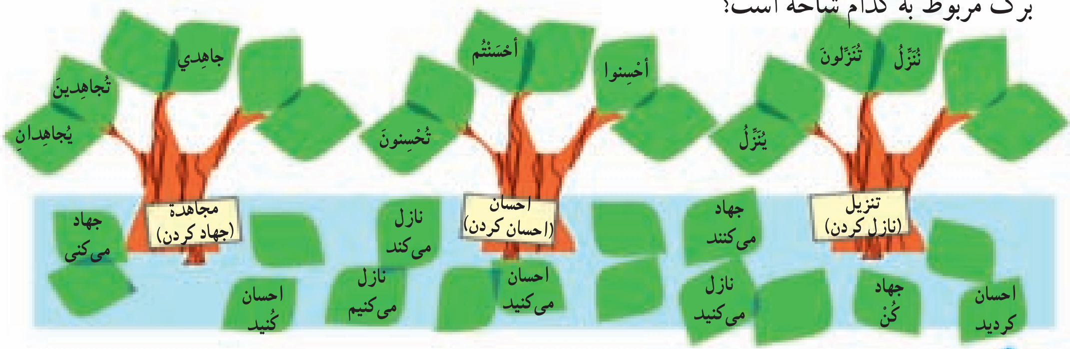
أنْزَلنا — أنزل

ثَبِّتْ — ثَبِّتُوا

نَزَّلْنا — نَزَّلَتُ

التمرين الرابع

برگ‌هايی كه روی زمين افتاده مربوط به هر سه درخت است، شما به كمک قرائن بگوييد هر برگ مربوط به كدام شاخه است؟



التمرين الخامس

أكْمِلْ ترجمَة الْجملِ التّاليةِ:

١ــ لا يَشْعُرُ الْمؤمنُ بالضَّعْفِ عندَ مُواجَهةِ الْمشاكلِ.

... به هنگامِ ... با مشكلات احساس ضعف ... .

٢ــ اَللّٰهُمَّ! نَوِّرْ قلوبَنا بِنورِ الإيمانِ و الْيقينِ.

خدايا! ... ما را به نور ... و ... .

٣ــ هؤلاءِ وَجَدوا السّعادةَ في مُساعدةِ الآخَرينَ.

اينان ... را در ... به ديگران ... .

٤ــ المؤمنونَ يُجاهِدونَ بِأموالِهم و أَنْفُسِهم في سبيلِ اللّهِ.

مؤمنان با ... و جان‌هايشان در ... ...



کارگاه ترجمه

□ فعل‌هایی که در یکی از باب‌های «إفعال»، «تفعیل» به کار می‌روند، اغلب به‌صورت «متعدی» ترجمه می‌شوند. به عبارت دیگر در هنگام ترجمه، نیاز به مفعول دارند.

□ پاره‌ای از افعال همراه حرفی به‌کار می‌روند که در هنگام ترجمه به فارسی نیازی به ترجمه‌ی آن حروف نیست؛ مانند: سَخِرمِنْ (مسخره کرد)، حصل علی (به‌دست آورد)، شَعَربـِ (متوجه شد، احساس کرد)

ترجمه‌ی متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید:

«اَلتَّجربةُ»

أرْسَلَ رجلٌ وَلَدَه إلی خارج الْمدينةِ لِكَسْبِ التَّجارِبِ. فلمّا خَرَجَ الْوَلَدُ مِنَ الْمدينةِ، شاهَد ثَعْلَباً مريضاً. فَوَقَفَ مُدّةً ... و فكَّر ... :

«كيف يحصُلُ علی الطّعامِ»؟!

في هذه اللّحظةِ شاهد أسداً مَعه صَيْدٌ. فلمّا قَرُبَ مِنَ الثَّعْلَبِ أكَلَ من الصَّيْدِ و ترَكَ الباقيَ و ذهب! بعد لحظةٍ حرَّكَ الثّعلبُ نفْسَه بِصُعوبةٍ و قَرُبَ مِنَ الصَّيْدِ و بدَأ بالأكْلِ.

فقال في نفسِه : إنّ اللّهَ كفيلٌ بالرِّزْقِ، فلماذا أتَحمَّلُ الْمشقّةَ؟! فَرجَع إلی والِده و شَرَح له الْقصَّةَ. فقال الوالدُ : يا بُنَيَّ لَقد أخْطأْتَ ... فَإنّي قَصَدْتُ لكَ حياةً كريمةً. أُنْظُرْ إلی الْأسدِ! كيف يُساعِدُ الآخَرينَ و هو حَيَوانٌ قويّ كما تعلَمُ! ولكن أُنْظُرْ إلی الثَّعْلَبِ ... هو يَنْتَظِر مساعدةَ الآخَرينَ ... فلَيْسَتْ له حَياةٌ كريمةٌ ... فَفَهِمَ الْوَلَدُ و غَيَّرَ نَظْرَتَه حولَ الْحياةِ.

***

تجربه

مردی فرزندش را برای به‌دست آوردن تجربه به خارج شهر فرستاد. پس زمانی که فرزند از شهر خارج شد، روباه مریضی آمد پس مدتی درنگ کرد ... و اندیشید ... «چگونه غذا به‌دست می‌آورد؟! در این لحظه شیری را دید که با او شکاری بود. زمانی که روباه به او نزدیک‌شد، از شکار خورد و باقی را ترک گفت و خارج شد. پس از لحظه‌ای، روباه به‌آسانی حرکت کرد و به شکار نزدیک شد و شروع به خوردن کرد. پس پسر با خود گفت: بی‌شک خداوند ضامن روزی است، پس چرا سختی تحمل می‌کنم؟! سپس نزد پدرش رفت و برای او داستان را شرح داد. پدر گفت: فرزندم، اشتباه می‌کنی! ... من برای تو زندگی شرافتمندانه‌ای را می‌خواستم. به شیر نگاه می‌کنم. به دیگران کمک می‌کند چگونه و همانطور که می‌دانی او حیوانی قوی است. اما به روباه نگاه کن ...! او منتظر کمک دیگران می‌باشد ... و از این‌رو برای او زندگی شرافتمندانه نیست. پس فرزند متوجه شد و دیدگاهش پیرامون زندگی تغییر یافت.

دقت کنیم که:
از اهداف غایی آموزش زبان عربی، توانایی در ترجمه و فهم عبارت‌ها است.

نقش اصلی در ترجمه‌ی متون و عبارت‌ها، بر عهده‌ی ما دانش‌آموزان است!

معلّم نقش «مصحّح» و «منقّح» را در ترجمه‌ی ما دانش‌آموزان ایفا می‌کند!

ترجمه‌ی صحیح عبارت‌های عربی کتاب را از وظایف خود بدانیم!

أضواء قرآنية

الف: در قواعد درس با باب «تفعیل» آشنا شدیم، اکنون با توجه به ترجمه‌ی آیات در جای خالی از مصدر «تسبیح» (خدا را به پاکی یاد کردن) فعل مناسب قرار دهید :

۱ــ ﴿ نَحْنُ ...بِحَمْدِكَ و نُقَدِّسُ لك﴾ (بقرة/ ۳۰)

ما با ستایش تو، از تو به پاکی یاد می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم.

۲ــ ﴿... اللَّيْلَ و النَّهارَ لا يَفْتُرونَ﴾ (أنبياء/ ۲۰)

شبانه‌روز خداوند را به پاکی یاد می‌کنند و سستی نمی‌ورزند.

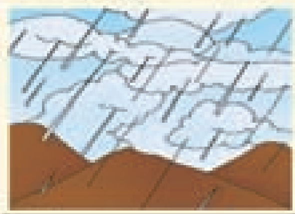
۳ــ ﴿ فَاْصبِرْ عَلَى ما يَقولونَ وَ ...بِحَمْدِ رَبِّك﴾ (طه/ ۱۳۰)

بر آنچه می‌گویند، شکیبا باش و با ستایش پروردگارت از او به پاکی یاد کن.

ب: دو آیه‌ی زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید :

﴿و بِاْلْحقّ أنْزَلْناه و بِاْلْحقّ نَزَلَ﴾ (إسراء/ ۱۰۵) ﴿إنّا نحن نَزَّلْنا الذِّكْرو إنّا له لَحافِظونَ﴾ (حِجْر/ ۹)

نَزَلَ





أَنْزَلَ ــ نَزَّلَ

سؤال:

تفاوت میان نزل و أنزل از جهت لفظ و معنی چیست؟

تفاوت میان نزل و نزّل از جهت لفظ و معنی چیست؟

***

از اولین روزهای مدرسه به فکر اجرای کارهای فوق برنامه باشیم ؛ از قبیل : تهیّه‌ی ماه‌نامه‌ی دیواری!

چه خوب است ماه‌نامه دیواری هم مطالب عربی داشته باشد و هم فارسی. و از این مسأله بیم نداشته باشیم که غلط‌هایی در عبارت‌ها مشاهده شود. مهم شروع کردن است. پس شروع کنیم ؛ بسم‌اللّٰه!

مطالب ماه‌نامه‌ی شما می‌تواند شامل موارد زیر باشد :

۱ــ ترجمه‌های تصویری
۲ــ معرفی وسایل کمک‌آموزشی
۳ــ اشعار عربی زیبا و ساده
۴ــ داستان‌های مصور
۵ــ لطایف
۶ــ جدول
۷ــ مصاحبه با دبیران و مسؤولان مدرسه
۸ ــ مصاحبه با دانش‌آموزان
۹ــ نقد کتاب‌های درسی
۱۰ــ ...

التلميذ المثالي *




ـ بَلَى ولكن هؤلاءِ يَهْرُبونَ من قِراءةِ الدّروسِ.
هم يَتَكاسَلونَ* حتماً لاشكَّ.
ـ ولكن ...!
ـ مالَكَ *تتأمَّلُ*؟!
اَلشَّمسُ مُحْرِقَةٌ*.
غداً حَفْلَةٌ*.
في البيت
ـ أُمّاه، تَنْعَقِدُ حَفْلَةٌ في الْمدرَسةِ.
ـ شيءٌ جميلٌ! بِأيِّ مناسَبةٍ؟
ـ لِتَعيينِ التِّلميذِ المثاليِّ!
ـ مَنْ هو؟
ـ لا أدْري. حتماً ذلك الْولَدُ.
ـ على أيِّ حالٍ، هل نذهَبُ معاً يا أُمّاه؟
ـ يا بُنَيَّ! أنْتَ تَعْلَمُ أنَّ غداً مَوْعِدَ تسليمِ السَّجّادةِ* لِصاحِبِها. لا أقْدِرُ، آسِفَةٌ*.
لا بَأْسَ.
إستَيْقَظَ* قَبْلَ طلوعِ الْفَجْرِ و تَوَضّأَ* و بَعْدَ الصَّلاةِ، هيَّأَ* نَفْسَه لِلذَّهابِ. فَذهبَ وَحْدَه.


في الْمدرسةِ
مَرْحَباً* ... مَرْحَباً ... تَفَضَّلوا ... تَفَضَّلوا!
ـ شُكراً جَزيلاً ... شكراً جزيلاً .
...و بعْدَ دقائقَ
بَدَأَت الْمَراسيمُ و بعدَ إجراءِ مَسْرَحيّةٍ* و أُنْشودَةٍ ...
نحنُ اَجْتَمَعنا هنا لِتَكْريمِ* تلميذٍ مِثاليٍّ ... هو أُسوةٌ* لِلْجَميعِ ... في الأخلاقِ ... في الدَّرسِ ... والعَمَلِ. هذا هو «سعيدٌ».
ـ إلهي! ماذا أُشاهِدُ؟ هو ذلك البائعُ!
ـ بُنَيَّ ... بُنَيَّ ... لَقَد اشْتَبَهْتُ ... لا ... لا ... هو النّاجِحُ ...!
في الْحقيقةِ نحن نَتكاسَلُ.
أقْبَلَ* سعيدٌ واَسْتَقْبَلَهُ الْمديرُ بِحَفاوَةٍ* و بعدَ مصافَحتهِ* علَّقَ* على عُنُقهِ* وِسامَ* الْاجتهادِ و النَّشاطِ. و مَنَحَه* جائزةً.

منهج

إفعال	تفعیل	مفاعلة
مجرّد و مزید	بیش از سه حرف یعنی مزید	ملاک تشخیص صیغه‌ی اول ماضی
أفْعَلَ	فَعّلَ	فاعَلَ
یُفْعِلُ	یُفعِّلُ	یُفاعِلُ
أفْعِلْ	فَعِّلْ	فاعِلْ

چرا باب‌های مزید را می‌آموزیم؟

فواید

آموختن باب‌های مزید عبارت است از :

۱ــ به‌دست آوردن معانی جدید.

۲ــ آشنایی و فهم معانی فعل های مزید.

۳ــ استفاده از کتاب‌های لغت (چون اکثر فرهنگ‌های لغت براساس ریشه‌ی سه حرفی تنظیم شده‌اند).

۴ــ آشنایی با کلمات مزید رایج در زبان فارسی.

۵ــ توانایی بیشتر در ترجمه.

و اکنون ادامه‌ی موضوع ...

معرفی باب تفعّل

۱ــ ماضی این باب بر وزن «تَفَعَّلَ» می‌آید : تَعَلَّمَ

۲ــ مضارع این باب بر وزن «یَتَفَعَّلُ» می‌آید : یَتَعَلَّمُ

۳ــ أمر این باب بر وزن «تَفَعَّلْ» می‌آید : تَعَلَّمْ

۴ــ مصدر این باب بر وزن «تفعُّل» می‌آید : تَعَلُّم

ابواب مزید موجب گسترش دایره‌ی کاربرد کلمات است، همچون یک کارخانه‌ی تولیدی!

کتاب‌های درسی خود را ورق بزنید ؛ فارسی، ریاضی ... آیا کلماتی از ریشه‌ی عربی می‌یابید؟

حال به این سؤالات پاسخ دهید :

۱ــ ماضی و مضارع و امر فعل «صَدَقَ» از باب «تَفَعُّل» کدام است؟

۲ــ صیغه ی اول ماضی در باب «تَفَعُّل» چند حرف زاید دارد؟

۳ــ آیا می‌توانید سه مصدر از باب تَفَعُّل را که در فارسی به کار می‌رود، ذکر کنید؟

۴ــ جاهای خالی را پر کنید :

ــ هم ... . (تَصدّق) ــ أنا ... . (یتَصدّق)

معرفی باب تفاعل

۱ــ ماضی این باب بر وزن «تَفاعَلَ» می‌آید : تَکاتَبَ

۲ــ مضارع این باب بر وزن «یَتَفاعَلُ» می‌آید : یَتَکاتَبُ

۳ ــ امر این باب بر وزن «تَفاعَلْ» می‌آید : تَکاتَبْ

۴ــ مصدر این باب بر وزن «تَفاعُل» می‌آید : تَکاتُب

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱ــ ماضی و مضارع و امر فعل «قَبِل» از باب «تفاعُل» کدام است؟

۲ــ صیغه ی اول ماضی در باب «تَفاعُل» چند حرف زاید دارد؟

۳ــ فعل «تَضارَبَ» ماضی است یا مضارع؟

۴ــ آیا از مصدر باب تفاعل کلماتی در زبان فارسی به خاطر دارید؟

۵ــ جاهای خالی را پر کنید :

ــ هي ... . (تَعارَف) ــ هم ... . (یتعارَفُ)

معرفی باب افتعال

۱ــ ماضی این باب بر وزن «اِفْتَعَلَ» می‌آید : اِکْتَسَبَ

۲ــ مضارع این باب بر وزن «یَفْتَعِلُ» می‌آید : یَکْتَسِبُ

۳ــ امر این باب بر وزن «اِفْتَعِلْ» می‌آید : اِکْتَسِبْ

۴ــ مصدر این باب بر وزن «اِفْتِعال» می‌آید : اِکْتِساب

صیغه ی اول ماضی بر وزن «تَفاعَل» می‌آید ؛ آیا حرف «تاء» از حروف مضارعه است؟

«اِحْتَرِموا» هم در فعل «امر» است و هم «ماضی». تشخیص میان این دو چگونه است؟

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱ــ ماضی و مضارع و امر فعل «حَرَم» از باب «اِفْتِعال» کدام است؟

۲ــ صیغه‌ی اول ماضی در باب «اِفْتِعال» چند حرف زاید دارد؟

۳ــ آیا از مصدر باب اِفْتِعال کلماتی را در زبان فارسی به‌کار می‌بریم؟

۴ــ جاهای خالی را پر کنید : ــ أنتم ... . (یَعتدِلُ) ــ أنتنَّ... . (یعتدل «امر»)

معرفی باب انفعال

۱ــ ماضی این باب بر وزن «اِنْفَعَلَ» می‌آید : اِنْقَلَبَ

۲ــ مضارع این باب بر وزن «یَنْفَعِلُ» می‌آید : یَنْقَلِبُ

۳ــ امر این باب بر وزن «اِنْفَعِلْ» می‌آید : اِنْقَلِبْ

۴ــ مصدر این باب بر وزن «اِنْفِعال» می‌آید : اِنْقِلاب

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱ــ ماضی و مضارع و امر فعل «جَمَدَ» از باب اِنْفِعال کدام است؟

۲ــ باب «اِنْفِعال» چند حرف زاید دارد؟ (معیار، فعل ماضی است)

۳ــ آیا در باب «اِفْتِعال» و «اِنْفِعال» تفاوتی از لحاظ قرار گرفتن حروف زاید مشاهده می‌کنید؟

۴ــ آیا از مصدر باب «انفعال» در زبان فارسی کلماتی را سراغ دارید؟

۵ــ جاهای خالی را پر کنید : ــ أنا ... . (یَنْصَرِف) ــ أنتنّ ... . (ینصرفُ «امر»)

معرفی باب استفعال

۱ــ ماضی این باب بر وزن «اِسْتَفْعَلَ» می‌آید : اِسْتَخْرَجَ

۲ــ مضارع این باب بر وزن «یَسْتَفْعِلُ» می‌آید : یَسْتَخْرِجُ

۳ــ امر این باب بر وزن «اِسْتَفْعِلْ» می‌آید : اِسْتَخْرِجْ

۴ــ مصدر این باب بر وزن «اِسْتِفْعال» می‌آید : اِسْتِخْراج

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱ــ ماضی و مضارع و امر فعل «قَبِل» از باب «استفعال» کدام است؟

۲ــ باب استفعال چند حرف زاید دارد؟

۳ــ آیا میان معنای «قَبِلَ» و «اِسْتَقْبَلَ» تفاوتی را مشاهده می‌کنید؟

۴ــ آیا معمولاً میان معانی فعل‌های مجرد و مزید تفاوتی وجود دارد؟ مثال بزنید.

۵ــ جاهای خالی را پر کنید : ــ هم ... . (استقبل) ــ أنتَ ... . (یستقبل «امر»)

«اِنْتَشَرَ» و «اِنْقَلَبَ» کدام از باب «اِفْتِعال» است و کدام «اِنْفِعال»؟

با دانستن ابواب مزید تقریباً تمامی افعال را شناخته‌ایم! به همین راحتی!!

تمارين

التمرين الأول

عَيِّنِ الصَّحيحَ على حَسَبِ النَّص:

١ــ اِنْعَقَدتِ الْحَفْلَةُ لِتَعيينِ التّلميذِ النّاجِح. ◯

٢ــ اَلتِّلميذُ الْمثاليُّ يشتغِلُ بالدِّراسةِ و بَيْعِ الصُّحُف. ◯

٣ــ اَلّذي يَدْرُسُ و يَعْمَلُ لايُمْكِنُ له النَّجاحُ. ◯

٤ــ اَلّذي يَجْمَعُ بَينَ الْعملِ و الدِّراسةِ يَعْرِفُ قيمةَ الْوقْتِ. ◯

التمرين الثاني

عَيِّنِ الأفعالَ الْمزيدةَ ثم اكْتُبها في مكانِها المناسِب:

١ــ ﴿ يَنْقَلِبُ* إلى أهْلِه مَسروراً ﴾ ....

٢ــ ﴿ جاهِدِ الكُفّارَ و المنافقينَ ﴾ ....

٣ــ ﴿ إنّا أرْسَلْناكَ بِالْحَقِّ بشيراً و نذيراً ﴾ ....

٤ــ ﴿ربَّنا ... كَفِّر عَنّا سَيِّئاتِنا﴾ ....

٥ــ ﴿إِسْتَكْبَرَ هو و جُنودُه في الأرضِ﴾ ....

التمرين الثالث

أكْمِلِ الْفَراغَ مناسِباً لِلضَّمير:

	هُم	هُنَّ	هُما
ماضي (ض ع ف)	....	....	اسْتَضْعَفا
مضارع (ع ر ض)	....	يَتعارَضْنَ	....
امر (ع ل م)			

باب	أنتما	أنتنَّ	أنتم
استفعال	....	....	إسْتَضْعَفْتُم
تفاعل	....	تَتَعارَضْنَ	....
تفعّل	تَعَلَّما	....	....

التمرين الرابع

أُكْتُب كُلَّ فعلٍ في مكانه المناسب:

اِفْتَتَح، اجتنبوا، نَكْتَسِبُ، تَبَسَّمَ ، ينتصرونَ ،
اِنصرَفَ، انتقمنا،اِنْقَلَبَ، تتنزَّلُ، تَنْبَسِط

اِفْتِعال | تَفَعُّل | اِنْفِعال

التمرين الخامس

عَيِّن الصَّحيحَ:

١ــ لايَسْتَسْلِمُ الأَحْرارُ لِلظُّلْمِ. انسان‌های آزاده در برابر ظلم....

تسلیم نشدند ○ تسلیم نمی‌شوند ○ نباید تسلیم شوند ○

٢ــ ﴿يا أَيُّها النَّبيُّ! جاهِدِ الكُفّارَ و الْمنافِقينَ ...﴾ ای پیامبر : با کافران و منافقان ... .

جهاد کردی ○ جهاد می کنی ○ جهاد کن ○

٣ــ تَعَلَّمْ حُسْنَ الاِسْتِماعِ كَما تَتَعَلَّمُ حُسْنَ الْحَديثِ.

خوب گوش کردن را ... همان‌طور که خوب صحبت کردن را ... .

بیاموز ــ آموختی ○ می‌آموزی ــ آموختی ○ بیاموز ــ می‌آموزی ○



کارگاه ترجمه

☐ گاهی در ترجمه‌ی فعل های باب تفاعل و مفاعله به آوردن یک «با» نیاز داریم.

☐ فعل های باب «انفعال» به‌صورت «لازم» ترجمه می‌شوند.

☐ فعل های باب «افتعال» و «تفعّل» لازم و گاهی متعدی هستند.

☐ فعل های باب «استفعال» غالباً متعدی هستند.

ترجمه‌ی زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

«اَلشَّهامةُ»

سَمِعَ الْغَزالُ الصَّغيرُ كلامَ الأسَدِ و الذِّئْبِ.
هما يَتَحَدَّثانِ و يَتفاخرانِ بِقَتْلِ الْحيَواناتِ و السَّيْطَرةِ على الْغابةِ. عندما رجع الْغزالُ سأل أُمَّه : يا أُمّاه ...!
عندما يَفْتخِرُ الآخَرونَ بِقُوَّتِهِم نحن بماذا نَفْتخِرُ؟!
قالت الأُمُّ : نحن تحمَّلْنا صُعوبةَ الْحياةِ بشهامةٍ بين هذه الوحوشِ سَنواتٍ طويلةً ولكن ما انْهَزَمْنا و ما تَرَكْنا الْغابةَ و اكْتَسَبْنا رِزْقَنا بين هذه الْوُحوشِ ... هذا فَخْرُنا يا وَلَدي! اِبْتَسَم الْغَزالُ و رفَع رأْسَه بٱفْتخارٍ.

شهامت

آهوی کوچک سخن شیر و گرگ را می‌شنود. آن دو صحبت می کنند و به کشتن حیوانات و ... افتخار می کنند. هنگامی که آهو رفت از مادرش پرسید : مادرجان! ... موقعی که دیگران به قوت و نیروی خود افتخار می کنند ما به چه چیزی افتخار می کنیم؟ زمانی که از کشتن حیوانات صحبت می کنند!

مادر گفت : ما سالهای طولانی سختی و دشواری زندگی را در میان این حیوانات وحشی با شهامت تحمل خواهیم کرد اما فرار کردیم و جنگل را رها کردیم و رزق و روزی خود را در میان این حیوانات وحشی بدست آوردیم ... ای فرزندم! این افتخار ما است! آهو خندید و سر خود را با افتخار بلند کرد!

«قدم های آغازین»!

۱ــ ابتدا واژه‌های عبارت را یکایک ترجمه کنیم.

۲ــ به زمان و صیغه‌ی افعال، نوع اسم‌ها و ... توجه کنیم.

۳ــ پس از ترجمه‌ی تحت‌اللفظ، عبارت فارسی را پخته و روان کنیم.

۴ــ از کم یا زیاد نمودن کلمه در ترجمه‌ی فارسی پرهیز کنیم. (مگر در هنگام ضرورت‌ها)

الف: با توجه به معنی فعل‌های زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید. نوع و صیغه و مصدر فعل‌های تعیین شده را بنویسید : تَکَبَّرَ (تکبر ورزید) استکْبَرَ (سرکشی کرد) کَبَّرَ (بزرگ داشت)

۱ــ ﴿سَأَصْرِفُ عن آیاتي الَّذینَ یَتَکَبَّرونَ في الأرض بِغَیْرِ الحَقِّ﴾ (أعراف / ۱۴۶)

به زودی کسانی را که در زمین به ناحق......، از آیاتم روی گردان خواهم ساخت.

نوع ☐ صیغه ☐ مصدر ☐

۲ــ ﴿ اِسْتَکْبَرَ هو وَ جُنودُه في الأرضِ بغَیْرِ الْحَقِّ﴾ (قصص/۳۹)

او و سپاهیانش به ناحق در زمین ... .

نوع ☐ صیغه ☐ مصدر ☐

۳ــ ﴿ یا أیّها الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ و رَبَّكَ فَکَبِّرْ﴾ (مدّثّر/۱ــ ۳)

ای جامه در سر کشیده، برخیز و بیم ده و پروردگارت را ... .

نوع ☐ صیغه ☐ مصدر ☐

ب: دو آیه زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید :

﴿فاسْتَغْفَروا لِذُنوبِهِم و مَن یَغْفِرُ الذُّنوبَ إلّااللّهُ﴾ (آل عمران / ۱۳۵)

پس برای گناهان خویش آمرزش خواستند و کیست جز خدا که گناهان را بیامرزد؟

﴿فَسبِّحْ بِحَمْدِ ربِّكَ و اَسْتَغْفِرْهُ إنَّهُ کانَ تَوّاباً﴾ (نصر / ۳)

پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه‌پذیر است.

سؤال

۱ــ تفاوت میان غَفَرَ و اِسْتَغْفَرَ از جهت معنی چیست؟ ۲ــ تفاوت میان غَفَرَ و اِسْتَغْفَرَ از جهت لفظ چگونه است؟

***

آیا تا به حال راجع به پژوهش و تحقیق در موضوعات کتاب درسی خود فکری کرده‌اید؟!

تحقیقات خود را برای روز برگزاری نمایشگاه نگهداری کنید!

به مقالات برگزیده جوایزی اهدا خواهد شد!

جوایز می‌تواند شامل :
۱ــ تقدیرنامه از سوی مدرسه و یا ... ۲ــ اعلام نام برگزیدگان در تابلوی اعلانات
۳ــ تشویق در مقابل سایر دانش‌آموزان ۴ــ اختصاص نمره کلاسی
۵ ــ ...

موضوعات پیشنهادی :
۱ــ ابواب مزید در کتاب‌های درسی
۲ــ ارتباط میان زبان عربی و فارسی
۳ــ چگونه می‌توان برای فهم بهتر موضوعات کتاب، وسایل کمک آموزشی بسازیم؟
۴ــ باب‌های مزید در قرآن
۵ــ تفاوت معنایی میان افعال مجرّد و مزید
۶ــ فعل‌های امر و صیغه‌های نهی در دعای کمیل
۷ــ باب‌های مزید در خطبه‌ی پنج نهج‌البلاغه
۸ــ ...

اصنع و اعمل

۱ــ دو قطعه مقوا یکی به شکل دایره و دیگری به شکل ستاره هشت‌پر مطابق شکل تهیه کنیم.

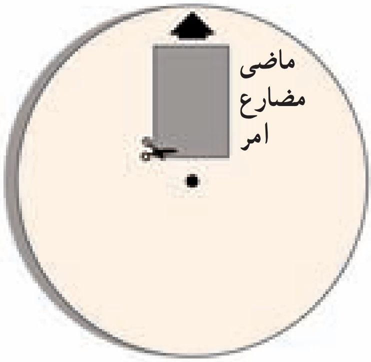
۲ــ در پرهای مقوای ستاره‌ای، نام باب‌های مزید را بنویسیم.

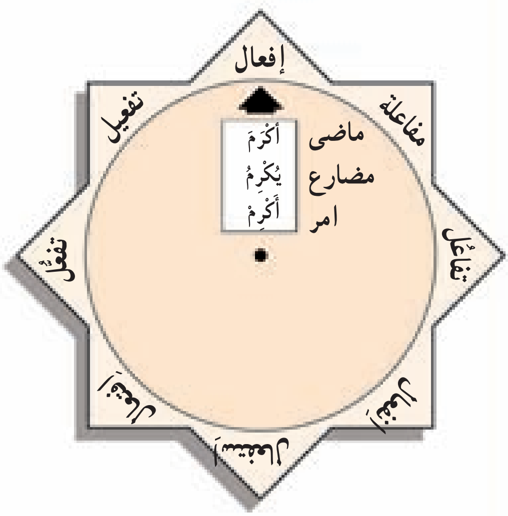
۳ــ در زیر هر یک از باب‌ها از کلمات خوانده شده به ترتیب، صیغه‌ی اول ماضی، مضارع، أمرِ آن کلمه را به‌صورت منظم و زیر هم بنویسیم.

۴ــ در مقوای دایره‌ای شکل مطابق نمونه قسمت هاشور زده را خالی کنیم و در بالای آن علامت پیکان را رسم کنیم و سپس در سمت راست آن از طرف بالا به پایین کلمات ماضی، مضارع و امر را بنویسیم.

اکنون دو قطعه مقوا خواهیم داشت که با قرار دادن آن‌ها بر یک‌دیگر و چرخاندن آن‌ها خواهیم دید که هر وقت علامت پیکان بر یکی از باب‌ها نشانه رود، صیغه‌های ماضی، مضارع، امر و ... فعل نوشته‌شده، در آن باب نمایان می‌شود.







اَلعِبرةُ


أيُّها النّاسُ مَوْكِبُ* صاحبِ الْجَلالةِ* «قارونَ» الْمُعَظَّمِ في الطَّريقِ ... اِبْتَعِدوا*! اِبْتَعِدوا!
ـ اَللّهُمَّ خَلِّصْنا* مِن شرِّ هذا الطّاغوتِ*!
ـ إنَّه شَرُّ مَخْلوقٍ!
ـ أُنْظُرْ ... لَقَدْ خَرَجَ قارونُ في زينَتِه*!
ـ يا لَيْتَ* لنا ثروةَ قارونَ ...!
ـ أخي! ما الفائدةُ في ثَروةٍ وَراءَها لعنةُ النَّاسِ؟! إنّه كافِرٌ بِنعْمةِ اللّهِ.


ـ علينا الذَّهابُ إلَى قارونَ!
ـ هَلْ يَقْبَلُ النَّصيحةَ؟!
ـ لا ... لا ... معلومٌ ... هو رجلٌ مُتكَبِّرٌ.
ـ علينا أداءُ الْواجبِ ... نَحْنُ مُبَشِّرُونَ و مُنْذِرُونَ ... .
في قصر قارون
ـ ماذا تَطْلُبونَ؟
ـ اَلْأَمرَ بالْمعروفِ و النَّهْيَ عن الْمُنْكَرِ.
ـ يا قارونُ ...
ـ يا قارونُ! أَحْسِنْ إلى الْفُقراءِ و الْمَساكينِ و الْمظلومينَ!
أنتمُ الْمؤمِنون بِدينِ مُوسى...!
أيُّها الْحارِسُ!
إدْفَعْ لهم ديناراً مِنَ الذَّهَبِ ... هم فقراءُ ...


لا، لا نَطْلُبُ الْمالَ.
﴿والَّذينَ يَكْنِزونَ* الذَّهَبَ* و الْفِضَّةَ* و لايُنْفِقونها* في سبيلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعذابٍ أليمٍ*﴾.
ـ ماهذه الكلماتُ؟!
ـ أُخرجوا. اُتْرُكوا قَصْري.
ـ أنتم مُفْسِدُونَ.
ـ إنَّكَ سَتُشاهِدُ جزاءَ عَمَلِكَ.
بَعْدَ أشْهُرٍ
ـ سَمِعْتُ أنَّ موسى (ع) دَعا قارونَ إلى طريقِ الْحقِّ.
ـ نعم، ولكن هو كافرٌ بِدينِ الْمُرْسَلينَ.
اَلْفِرارَ، اَلْفِرارَ!
ـ هذه عاقبةُ الْمُكَذِّبينَ!
ـ ماذا حَدَثَ؟
ـ أنْزَلَ اللّهُ على قارونَ الْعذابَ.
اَلنَّجْدَةَ*!
سَأُنْفِقُ أموالي. سَأُساعِدُ الْفُقراءَ.
﴿لاتَ* حينَ مَناصٍ*﴾
و هكذا اْبْتَلَعَتْهُ* الأرضُ و ذَهَبَتْ الزِّينةُ و الْمَوْكِبُ و القُصورُ. و أصْبَحَ قارونُ عِبرةً لِلْأجْيالِ*.

منهج





در جهان خلقت با پدیده‌هایی مواجه هستیم که «فعل» انسان‌ها و کار آن‌ها در ایجاد آن دخالت نداشته و از این لحاظ استقلال دارند؛ از قبیل آن‌چه در تصویر اول ملاحظه می‌کنیم.

اما بسیاری از اشیا و پدیده‌ها در جهان آفرینش توسط انسان‌ها ایجاد شده‌اند و «فعل» او در ایجاد پدیده‌ها دخالت داشته است. او به کمک مواد و اشیاء مختلف و ترکیب آن‌ها و کنار هم قراردادن آن‌ها توانسته به کمک قدرتی که خداوند در او نهاده، پدیده‌های جدیدتری را درست کند. از قبیل آن‌چه در تصویر دوم ملاحظه می‌کنیم.

در عالم کلمات نیز چنین فرضی دور از تصور نیست. کلماتی که از خود استقلال دارند و از کلمه‌ی دیگری درست نشده‌اند و کلماتی که از کلمه‌ی دیگری درست شده‌اند و بدین خاطر از خود استقلال ندارند!

توجه داشته باشیم که:

- در عالم کلمات واژه‌هایی داریم که تغییریافته‌ی کلمه‌ی دیگری هستند؛ مانند: کاتِب، مَکتوب، مَکتب و ...
- و در مقابل کلماتی داریم که در ایجاد آن فعل و انفعالاتی صورت نگرفته و به‌عبارت دیگر از کلمه‌ی دیگر گرفته نشده‌اند؛ مانند: شمْس، بَحْر، جَبَل، سَحاب

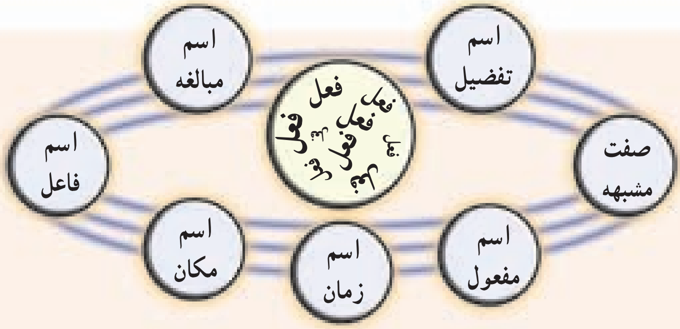
مفاهیم موجود در قواعد هر درس را در عالم طبیعت جستجو کنیم!

کلماتی مانند جِبال، بِحار و... تنها از لحاظ لغوی اشتقاق یافته‌اند اما جزء مشتقات اصطلاحی نیستند!

نتیجه

«اسم»ها یا از کلمه‌ی دیگری گرفته شده‌اند که به‌آن اسم «مشتق» می‌گوییم و یا از کلمه‌ی دیگری گرفته نشده‌اند که به‌آن اسم «جامد» می‌گوییم!

در این کتاب با هفت نوع از مشتقات (در اصطلاح علم صرف) آشنا می‌شویم.



أمّا ...

مجرد یا **مزید**

نکته‌ی اول «اسم فاعل» فعل‌های مجرد بر وزن «فاعل» می‌آید.

بنابراین

اسم فاعل از فعل «نَصَر» می‌شود : ...!

و از فعل «کَتَب» می‌شود : ...!

فعل	فـــاعـــل			
نَصَرَ		ا		
کتب		ا		

نکته‌ی دوم «اسم مفعول» در فعل‌های مجرد بر وزن « مفعول » می‌آید.

بنابراین

اسم مفعول از فعل «نَصَر» می‌شود : ...!

و از فعل «کَتَب » می‌شود :...!

فعل	مـــفـــعـــول				
نَصَرَ	مـ			و	
کتب	مـ			و	

«مشتقات» از اقمار «فعل» به شمار می‌آیند!

حال از خود سؤال کنید:



۱ــ آیا اسم‌های جامد از فعل گرفته می‌شوند؟

۲ــ بحث جامد و مشتق در اصطلاح علم صرف مربوط به کدام یک از سه قسم کلمه است؟

۳ــ ملاک جامد یا مشتق بودن کلمات چیست؟

برای ساختن اسم فاعل نیاز به تمرین «وزن کلمات» داریم. بسم‌الله! شروع کنیم به تعیین وزن کلمات!



فراموش نکنیم که

«اسم فاعل» از «فعل» ساخته می‌شود!

حال از خود سؤال کنید:



۱ـ حروف زاید اسم «فاعل» و «مفعول» کدام است؟

۲ـ آیا می‌توانید چند اسم فاعل عربی نام ببرید که در زبان فارسی نیز به‌کار می‌بریم؟

۳ـ آیا می‌توانید چند اسم مفعول عربی نام ببرید که در زبان فارسی نیز به‌کار می‌بریم؟

۴ـ آیا می‌توانید جمع مذکر سالم «عالم»، «ناصر»، «کاتب»، «منصور» را ذکر کنید؟

۵ـ مؤنث «کاتب»، «عالم»، «مکتوب» و «منصور» کدام است؟

نکته‌ی سوم

اسم فاعل از فعل‌های مزید :

۱ـ از فعل مضارع ساخته می‌شود.

۲ـ به‌جای حرف مضارعه، میم مضموم «مُـ» می‌آید :

۳ـ حرف ماقبل آخر مکسور می‌شود.

یُعَلِّم ← عَلِّم ← مُعَلِّم

نکته‌ی چهارم

اسم مفعول از فعل ثلاثی مزید :

۱ـ از فعل مضارع ساخته می‌شود.

۲ـ میم مضموم به‌جای حرف مضارعه آورده می‌شود.

۳ـ حرف ماقبل آخر مفتوح می‌شود.

یُرسِلُ ← رْسِل ← مُرسِل ← مُرسَل

حال از خود سؤال کنید:

۱ـ حرف ماقبل آخر در اسم فاعل ثلاثی‌مزید دارای چه حرکتی است؟

۲ـ آیا اسم فاعل، مثنّی یا جمع دارد؟ مثال بزنید.

۳ـ آیا می‌توان اسم فاعل را به‌صورت مؤنث به‌کار برد؟ مثال بزنید.

۴ـ آیا می‌توانید چند نمونه اسم فاعل از فعل‌های مزید ذکر کنید؟

۵ـ آیا می‌توانید چند نمونه از اسم مفعول را مثنی و جمع کنید؟

۶ـ آیا می‌توان اسم‌مفعول را به‌صورت مؤنث به‌کار برد؟ چگونه؟

باید به‌گونه‌ای ساختن اسم فاعل و اسم مفعول را یاد بگیریم که به‌محض شنیدن یک فعل مزید بتوانیم فوراً اسم فاعل و اسم مفعول آن را بسازیم.



مسابقه را فراموش نکنیم : فعل بگوییم و اسم‌فاعل، اسم‌مفعول بخواهیم، جامد و مشتق بگوییم و تمییز میان آن‌ها را بخواهیم!

تمارين

التمرين الأول

عَيِّن الْجوابَ الصَّحيحَ:

١ــ أَمَر قارونُ بِدَفْعِ دينارٍ لِأُولئكَ الرّجالِ لِـ … .

الف ــ تحقيرِهم ☐ ج ــ تخويفِهم ☐

ب ــ مُساعَدتِهم ☐ د ــ تبشيرِهم ☐

٢ــ قارونُ …، عند نُزولِ الْعذابِ.

الف ــ ساعَد الْفقراءَ ☐ ج ــ قصَد الرُّجوعَ عن كُفْرِه ☐

ب ــ ما قَصَد مُساعدةَ الفقراء ☐ د ــ أنْفَقَ أموالَهُ ☐

التمرين الثاني

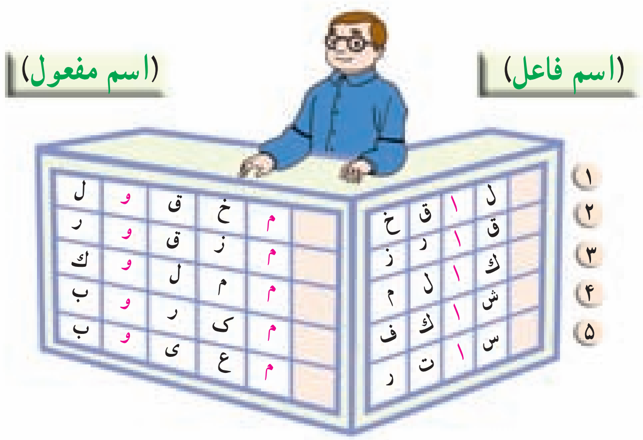
این حروف‌چین قصد دارد با استفاده از حروف اصلی پراکنده در هر یک از ردیف‌های جدول به ترتیب اسم فاعل و اسم مفعول معنی‌داری (به ترتیب شماره) در جاهای خالی قراردهد، به او کمک کنید تا فرازهایی از دعای «جوشن کبیر» بدست آید :

«یا صانعَ* کُلِّ مَصْنوعٍ یا …

کُلِّ … یا … کُلِّ …

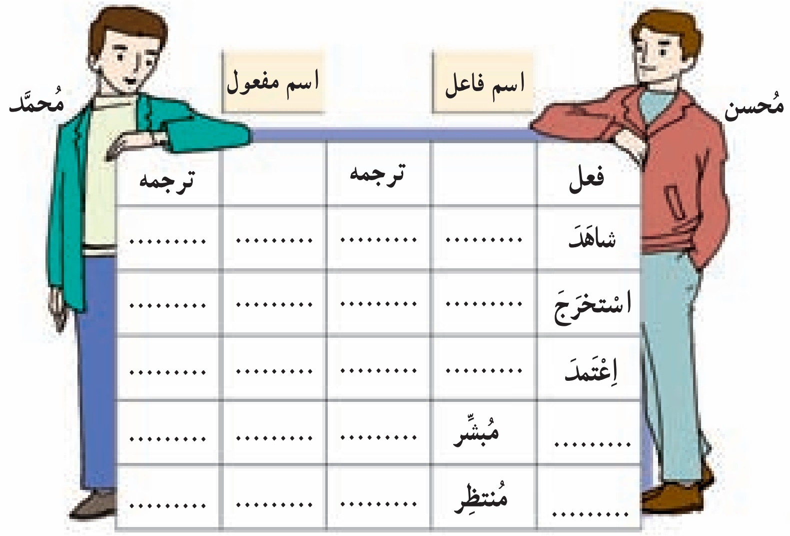
یا … کُلِّ … یا … کُلِّ … یا

… کُلِّ …»



التمرين الثالث

این دو نفر در کارگاه خود از تابلوی افعال، تعدادی اسم فاعل و اسم مفعول ساخته‌اند. آیا می‌توانید پیش‌بینی کنید که تابلوهای بعدی چگونه خواهد بود و یا تابلوهای ساخته شده، قبلاً چگونه بوده‌اند؟ فراموش نکنید که معنی آن‌ها را نیز بنویسید :



فعل	اسم فاعل	ترجمه	اسم مفعول	ترجمه
شاهَدَ	....	....	....	....
اسْتخرَجَ	....	....	....	....
إعْتَمدَ	....	....	....	....
....	مُبشِّر	....	....	....
....	مُنتظِر	....	....	....

التمرين الرابع

تَرْجم الْعبارات ثمَّ عيِّن اسمَ الفاعلِ و اسمَ الْمفعولِ:

تَضرَّعْتُ* إلى ربِّي مُعْتَذِراً*: إنِّي حافظٌ* عَهْدَكَ، طالِبُ عَفْوَكَ. فإنْ عَفَوْتَ فأنت الْمُتَفَضِّلُ* و أنا الشّاكِرُ و إنْ عاقبْتَ* فأنتَ الْمُنْصِفُ و أنا الْمُسْتَسْلِمُ*.

مجرّد

مزيد

لقد جاء النَّبيُّ و الدُّنيا مملوءةٌ* بالشُّرورِ* و الْمعاصي.* و حقوقُ الْمحرومينَ مُغْتَصَبَةٌ*، و الْمُستضعفونَ مِنَ النّاسِ مظلومونَ. فأَصْبَحَ النّاسُ بِنعْمةِ الْإسلامِ إخْواناً.

مجرّد

مزيد

التمرين الخامس

تَرْجم الْعباراتِ التّاليةَ إلى الفارسيّةِ بعباراتٍ مألوفةٍ:

١ــ اَلإنسانُ مخلوقٌ مِن التُّرابِ و يَرجِعُ إلى التُّرابِ.

٢ــ اَللّٰهُ خالقُ كلِّ شيءٍ و غافِرُ كلِّ ذَنْبٍ.

٣ــ اَلمؤمِنونَ يُدافِعونَ عن الْمَظْلومينَ و يُحارِبونَ الظّالمينَ.

٤ــ اَلْقرآنُ هوَ الدَّليلُ*، يُرْشِدُ إلَى خيرِ سبيلٍ.

٥ــ اَلْعاملُ بِالْعِلْمِ كالسّائرِ* على الطَّريقِ الْواضحِ.



کارگاه ترجمه

▭ «اسم فاعل» بر انجام‌دهنده یا دارنده‌ی حالتی بودن دلالت می‌کند و معادل آن در فارسی معمولاً «صفت فاعلی» یا «اسم فاعل» است ؛ مانند : ناصر : یاری کننده، مُنْذِر : بیم‌دهنده

▭ صفت فاعلی در زبان فارسی دارای پسوندهایی از قبیل «نده، ا» است ؛ مانند : بیم‌دهنده، دانا

▭ «اسم مفعول» بر «انجام شدن و یا واقع شدن» دلالت می‌کند و معادل آن در فارسی معمولاً «صفت مفعولی» یا «اسم مفعول» است ؛ مانند : منصور : یاری شده، مُحتَرَم : احترام شده

▭ در ترجمه‌ی اسم مفعول گاهی از پسوند «شُدن» استفاده می‌کنیم ؛ مانند : مُستضعَف : ضعیف نگاه داشته شده

غلط‌های موجود در ترجمه‌های فارسی زیر را تصحیح کنید :

۱ـ ﴿قد أفْلَحَ الْمُؤمنونَ ... اَلّذینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعرِضونَ﴾

مؤمنان محققاً رستگار شدند ... کسانی که از بیهوده دور شده‌اند.

۲ـ مُشاوَرةُ الْمُشْفِقِ الْجاهلِ خَطَرٌ.

مشورت کننده‌ی دلسوز نادان شده خطرناک است.

۳ـ ﴿و ما نُرْسِلُ الْمُرسَلینَ إلّا مُبَشِّرینَ و مُنْذِرینَ﴾

رسولان را جز بشارت شده و انذار شده نمی‌فرستیم.

۴ـ اَلْعقلُ مُصْلِحُ کُلِّ أَمْرٍ.

عقل اصلاح شده‌ی هر کاری است.

۵ـ اَلْمُسْتَضْعَفون هم وارثون الأرضَ.

ضعیف‌کنندگان همان وارثان زمین هستند.

ترجمه یک کار هنری است، پس کارهای زیبا بیافرینیم!

کاستن و یا افزودن در ترجمه‌ی عبارت‌ها، (بدون وجود ضرورت خاصی) به اصالت کار ترجمه خدشه وارد می‌کند.

مترجم أمانت‌دار است. در امانت خیانت جایز نیست!

ترجمه‌ی تحت‌اللفظ در صورتی مقبول است که روان و گویا باشد!

الف: شما با کلمات زیر در متن درس آشنا شدید، اکنون هر یک از آن‌ها را با توجه به معنی آیات، در جای خالی مناسب قرار دهید :

الْمُرْسَلینَ، الْمُکَذِّبینَ، مُبَشِّرینَ، مُنْذِرینَ

۱ــ ﴿فَبَعَثَ اللّهُ النَّبِیّینَ ... و ... ﴾ (بقرة / ۲۱۳)

خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده مبعوث کرد.

۲ــ ﴿فَوَهَبَ لي رَبّي حُکْماً و جَعَلَني مِنَ ... ﴾ (شعراء / ۲۱)

[پروردگارم] به من دانش و حکمت بخشید و مرا از فرستاده‌شدگان قرار داد.

۳ــ ﴿فسیروا في الأرضِ فَانْظُروا کیف کانَ عاقبةُ ... ﴾ (نحل / ۳۶)

بنابراین در زمین حرکت کنید و بنگرید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

ب: دو آیه‌ی زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید :

﴿یا أیُّها النَّبيُّ إنّا أرْسَلْناك شاهداً و مُبَشِّراً و نذیراً﴾ (أحزاب / ۴۵)

ای پیامبر، ما تو را شاهد و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم .

﴿ و ما نُرسِلُ الْمُرسَلینَ إلّا مُبَشِّرین و مُنْذِرینَ﴾ (کهف/۵۶)

و ما پیامبران را جز بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده نمی‌فرستیم.

سؤال: تفاوت میان «شاهِداً، مُبَشِّراً»از لحاظ اشتقاق چیست؟

شباهت میان «مُرسَلین، مُنْذِرینَ» از چه جهتی است؟

***

آیا تا به‌حال راجع به برگزاری مسابقه برای درس عربی فکر کرده‌ایم؟!

برگزاری مسابقه نشاط بیش‌تری را برای فهم دروس ایجاد می‌کند!

همیشه دقایقی از وقت کلاس را به برگزاری مسابقات اختصاص دهیم!

نظم وترتیب و رعایت حقوق دیگران از مقدمات برگزاری مسابقات کلاسی است!

در زمینه‌های زیر می‌توان مسابقاتی را تدارک دید :

۱ــ جمله‌سازی با واژه‌های معیّن

۲ــ سرعت در ساختن و یافتن موارد خوانده شده در قسمت قواعد

۳ــ حضور ذهن در زمینه‌ی سؤال و جواب به زبان عربی

۴ــ تعیین سریع‌ترین مترجم برای عبارت‌های عربی

۵ــ تعیین سریع‌ترین مترجم از فارسی به عربی

۶ــ ...

مشاهدُ منَ الحياةِ البسيطةِ





أطْلُبُ ثَوباً لي و ثَوباً لِهذَا الشابّ.
تَفَضَّلْ. أنا في خدمتِكَ.
اِنْتَخَبَ الإمامُ قميصاً بِثَلاثةِ دَراهِمَ وقميصاً أرْخَصَ.*
ـ هذا لَكَ. والأَرْخَصُ لي.
ـ لا، أنتَ أَولَى* به. أنْتَ أميرُالمؤمنينَ.
ـ لا، أنْتَ شابٌّ و لكَ رَغَباتُ* الشَّبابِ*.
بعدَ مُدَّةٍ
حَضرَ الإمامُ «ع» لإقامةِ صلاةِ الْجُمُعةِ.
في أثْناء الْخطبَةِ
ـ يا والِدي، أُنْظُرْ أميرُالمؤمنينَ يَشْعُرُ* بِالْحَرِّ* الشَّديدِ، هو يَترَوَّحُ* بِكُمِّه*!
ـ لا، يا ولَدي. هو لا يترَوَّحُ. بَلْ يُجَفِّفُ* قميصَهُ. هو غَسَلَه* قبلَ حُضورِه لِلصَّلاةِ.
ـ عجيبٌ ؛ أَلَيْسَ لَه قميصٌ آخَرُ؟!
ـ لا تَعْجَبْ. سأذْكُرُ لكَ قِصَّةً بعدَ الْمغربِ.


في يَوْمٍ مِن الأَيّامِ
بَعْدَ صَلاةِ الْمغربِ صَوَّرَ* الوالِدُ الْمشهدَ* التّاليَ لَه.
أحَدُ الصَّحابةِ :
رسولُ اللّهِ حَزينٌ . ماذا نَعْمَلُ؟
سلمان :
أنا أعْرِفُ ماذا أعْمَلُ؟ هو يَفْرَحُ بِزيارةِ بِنْتِه فاطمةَ.
فَذَهَبَ سلمانُ إلى بيتِ فاطمةَ (س) و أخْبَرَها.
في الطَّريقِ
لمَّا شاهَدَ سلمانُ أَلْبِسَةَ فاطمةَ (س)، بَدأ بالْبُكاءِ*.
واحُزْناه*! إنَّ بَناتِ قيصرَ* و كِسْرَى* لَفي السُّنْدُسِ* والْحريرِ و لباسُ ابْنةِ محمّدٍ هكذا*!
بعد دقائقَ
عندالنّبيِّ (ص)
فاطمةُ (س) :
يا رسولَ الله، إنَّ سلمانَ تَعجَّبَ من ألْبِسَتي.
رسولُ اللّهِ (ص) : يا سلمانُ، إنَّ ابْنَتي لَفي «الْخَيْلِ السَّوابِقِ*».

منجم





از خود سؤال کنید:

۱ــ مشتقات به چند قسم تقسیم می‌شوند؟

۲ــ مشتقات از چه کلمه‌ای گرفته می‌شوند؟

۳ــ ملاک تشخیص جامد یا مشتق بودن کلمه کدام است؟

۴ــ «مشتق» در اصطلاح علم صرف در مورد کدام‌یک از اقسام کلمه صحبت می‌کند؟

۵ــ جامد و مشتق از لحاظ لغوی به چه معنی هستند؟

۶ــ دو قسم از انواع مشتقات را که تاکنون خوانده‌اید ذکر کنید.



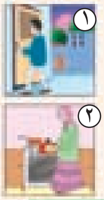
اسم زمان

آیا اموری که در جهان اتفاق می‌افتد، وقوع آن‌ها در یک «زمان» معین نیست؟

اسم مکان

آیا اموری که در جهان اتفاق می‌افتد، وقوع آن‌ها در یک «مکان» معین نیست؟

به تصویر شماره‌ی ۱ و ۲ نگاه کنید.



زمان وارد شدن به خانه هنگام غروب خورشید است!

در تصویر شماره‌ی ۲ مادر در جایی مشغول آشپزی است!

«فعل» مانند مادری مهربان وظیفه‌ی تغذیه‌ی فرزندان خود را دارد.

مطبخ : مکان طبخ
مغرب : زمان غروب
مشرِق : زمان شروق و طلوع
مسکن : محل سکنیٰ و آرامش

نتیجه

اسم‌های زمان و مکان نشان‌دهنده‌ی زمان وقوع و یا مکان وقوع فعل است.

* اسم زمان و اسم مکان هر دو بر یک وزن می‌آید.

کلید تشخیص

اسم زمـان و اسم مکان، وزن «مَفْعَل» و در بعضی موارد «مَفْعِل» است. مانند : مَطْبَخ، مَغْرِب

از خود سؤال کنید:



۱ــ آیا می‌توان تصور کرد که در دنیا ممکن است کاری اتفاق بیافتد که در زمان یا مکان معینی نباشد؟

۲ــ اسم‌های زمان و مکان از کدام‌یک از سه قسم کلمه ساخته می‌شوند؟

۳ــ چند مثال از اسم‌های زمان و مکانی که در زبان فارسی نیز به‌کار می‌رود، ذکر کنید.

صفت مشبهه

آیا با «صفت» در زبان فارسی آشنا هستید؟

آیا می‌دانید که یکی از انواع صفت در فارسی، صفت مطلق یا ساده است، مانند : خوب، شجاع؟


③

صفات مطلق یا ساده‌ی فارسی اغلب در زبان عربی صفت مشبهه هستند.

نتیجه

مهم‌ترین اوزان صفت مشبهه عبارتند از :

فَعیل : شَریف   فَعْل : صَعْب

فَعِل : خَشِن   فَعلان : عَطْشان

از خود سؤال کنید:



۱ــ آیا صفت مشبّهه ویژگی‌های افراد و اشیا را بیان می‌کند؟

۲ــ آیا می‌توانید چند صفت ساده در زبان فارسی نام ببرید؟

۳ــ جواب صحیح کدام است؟

فَرِح یعنی : شادی کردن ○ شادی می کند ○ شاد ○

به دلیل اهمیت «زمان» و «مکـان» در زبـان عـربـی کلمـات خـاصـی بـرای آن وضع شده است!

اسم مبالغه

آیا تابه‌حال دقت کرده‌اید که گاهی صفتی بیش از اندازه‌ی معمول در کسی وجود دارد ؛ مثل صبر و پایداری زیاد؟!

به صاحبان شغل و حرفه نگاه کنید : بقّال، عطّار، قصّاب، خبّاز و …

آیا این افراد با شغل و پیشه‌ی خود زیاد سر و کار ندارند؟

آیا تا به حال دقت کرده‌اید که در بیشتر مشـتـقـات، صفت‌ها هستند که مورد ارزیابی قرار می‌گیرند؟!



۴ زیاد بودن یک صفت در انسان یا بسیار پرداختن بدان، دلیل بر «مبالغه» در آن صفت است!

نتیجه

اسم‌هایی که بر وزن فَعّال یا فَعّالة می‌آیند، اسم مبالغه هستند. مانند : «غَفّار»، «عَلّامَة»



از خود سؤال کنید:

۱ــ فرق صفت مشبهه و اسم مبالغه در چیست؟ آیا شباهتی هم با هم دارند؟

۲ــ آیا می‌توانید چند اسم مبالغه که در زبان فارسی به‌کار می‌رود، ذکر کنید؟

۳ــ جواب صحیح کدام است؟ «أمّارة» یعنی :

دستور ○ بسیار امرکننده ○ امر کرد ○

اسم تفضیل

آیا یک صفت در تمام موجودات به مقدار یکسان وجود دارد؟
وسیله‌ی تشخیص مقدار وزن اشیا در طبیعت چیست؟

آیا در طبیعت می‌توان دو موجود را از نظر مقدارِ داشتن یک صفت، با یک‌دیگر مقایسه کرد؟



آیا کلمات هم دارای وزنی برای این‌گونه مقایسه‌ها هستند؟

نتیجه

اسم تفضیل در زبان عربی معمولاً بر وزن «أفْعَل» می‌آید : أحْسَن، أكبر
و در مؤنث گاهی بر وزن «فُعْلَى» : حُسْنَى، كُبْرَى

اسم تفضیل نمایان‌گر کم‌تر یا زیادتر بودن صفتی در فردی یا شیئی نسبت به دیگری است.

حالا وقت مسابقه است!
موضوع مسابقه :
۱ــ تشخیص انواع مشتقات
۲ــ ساختن مشتقات
۳ــ معانی مشتقات



از خود سؤال کنید

۱ــ آیا در زبان فارسی صفت تفضیلی داریم؟ مثال بزنید.

۲ــ چرا در جمله از اسم تفضیل استفاده می‌کنیم؟

۳ــ جواب صحیح کدام است : «أشجع» یعنی :

شجاع‌تر ○ بسیار شجاع ○ شجاعت نشان می‌دهد ○

وجود «مِن» پس از «أفعل» دلیلی بر اسم تفضیل بودن کلمه است!

تمارين

التمرين الأول

در آیات و عبارت‌های زیر اسم‌های مشتق به شکل متضاد به کار رفته، آن‌ها را با ذکر نوع مشتق داخل دایره بنویسید :

۱ـ ﴿و ما أرسلناكَ إلّا ... بشيراً و نَذيراً﴾

۲ـ ﴿هو الّذي خَلَقَكُم فَمِنكُم كافِرٌ و مِنكُم مؤْمِنٌ﴾

۳ـ لَو عَلِمَ* النّاقِصُ بِنَقصِه لَكانَ كاملاً .

التمرين الثاني

عيّن نوع المشتقِّ الّذي أُشير إليه بخطٍّ و اكْتُبه في الجدول:

مشتق	نوع	معنى

۱ـ ﴿إنَّ النّفسَ لَأَمّارةٌ* بالسوءِ*﴾

۲ـ ﴿لَقَد خَلقنا الإنسانَ في أحْسَنِ تقويم﴾

۳ـ ﴿... رحمةُاللّه و بَركاتُهُ عليكم أهلَ البيتِ، إنَّهُ حميدٌ مجيدٌ﴾

۴ـ ﴿وَ لِلّهِ المَشْرِقُ والْمَغرِبُ﴾

التمرين الثالث

متن زیر را بخوانید و ترجمه کنید و نوع مشتق کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده، مشخص کنید :



قالت الْفَراشةُ الصَّغيرةُ لِلطَّبيعةِ :

«لِلْوَرْدَةِ الْحَمْراءِ رائحَةٌ طَيِّبَةٌ ...

لِلشَّجرةِ الْخَضْراءِ* أوراقٌ لطيفةٌ ...

لِلشَّمسِ في الصَّباحِ طَلْعةٌ* جميلةٌ ...

لِلْبُلبلِ صَوتٌ عَذْبٌ* بَديعٌ* ...

لِلنَّهرِ مياهٌ صافيةٌ و صَوتٌ رَنّانٌ* ...

فماذا تَرَكْتِ أَيَّتُها الطَّبيعةُ لِلْفراشَةِ، إبنَتِكِ الصَّغيرةِ؟

فقالت أُمُّها الطَّبيعةُ :

«لِلْفَراشَةِ الصَّغيرةِ الْحُسْنُ و الْجَمالُ، ألاتَقْتَنِعينَ بِهذا النَّصيبِ*؟!»

اَلإعْرابُ و التَّحليلُ الصَّرفيُّ

می‌دانیم که بین دنیای «**انسان**»ها و دنیای «**کلمه**»ها مشترکات زیادی وجود دارد.

آیا تاکنون به این مشترکات فکر کرده‌اید؟

به‌عنوان مثال هر انسانی دارای ویژگی‌های فردی است، از قبیل : وزن، قد، رنگ و...

علاوه بر آن در جامعه نیز دارای نقشی است، یعنی یا کشاورز است، یا کارگر، یا کارمند یا ...

«**کلمات**» نیز این گونه‌اند، یعنی هر «کلمه» را می‌توان از دو جهت مورد بررسی قرار داد :

الف ــ ویژگی‌های فردی

ب ــ نقش آن در جمله

به جمله‌ی «**نَجَحَ الطَّالِبُ**» دقت کنید :

چه ویژگی‌هایی را می‌توانیم برای «اَلطّالب» ذکر کنیم؟

آیا اسم است یا فعل، مفرد است یا مثنی یا جمع، مذکر است یا مؤنث...

حال در جمله چه نقشی دارد؟

آیا فاعل است یا مبتدا یا مفعول، در نتیجه آیا مرفوع باید باشد یا منصوب یا مجرور...؟

اکنون بدانیم که:

■ بررسی ویژگی‌های «فردی» هر کلمه ــ بدون در نظر گرفتن موقعیت آن در جمله ــ در زبان فارسی «تجزیه» نام دارد و در عربی «اَلتّحلیل الصَّرفيّ».

■ بررسی نقش هر کلمه ــ با توجه به موقعیت آن در جمله ــ در زبان فارسی «ترکیب» نام دارد و در عربی «اَلإعْراب».

بنابراین بر طبق قواعدی که تا کنون خوانده‌ایم، برای هر یک از اقسام کلمه در «اَلإعْراب و التَّحلیل الصَّرفيّ» موارد ذیل را باید به ترتیب تشخیص دهیم :

اسم: مفرد یا مثنی یا جمع (عدد) ــ مذکر یا مؤنّث (جنس) ــ مشتق یا جامد ــ ... و نقش و اعراب آن در جمله (فاعل، مفعول، مبتدا ...)

فعل: ماضی یا مضارع یا امر ــ صیغه (غائب، مخاطب، متکلّم) مجرّد یا مزید ... ــ و نقش آن در جمله و اشاره به فاعل آن.

حرف: نوع آن و ...

در نتیجه با توجه به مطالب فوق «اَلإعْراب و التَّحليل الصَّرفيّ» جمله‌ی «نَجَحَ الطَّالِبُ» چنين خواهد بود:

نَجَحَ: فعلٌ ماضٍ، للغائب[1]، مجرّد ثلاثي / فعلٌ و فاعله «الطّالب» و الجملةُ فعليّةٌ

الطَّالِب: اسمٌ، مفردٌ، مذكّر، مشتقٌّ و اسمُ فاعل / فاعلٌ و مرفوعٌ

نکته

تجزيه و تركيب (اَلإعْراب و التَّحليل الصَّرفيّ) به ما كمک می کند كه:

- هر يک از كلمات را درست بشناسيم.
- موقعيت هر كلمه را در جمله تشخيص دهيم.
- مفهوم جمله را درست درک كنيم.



✓ ــ تجزيه و تركيب را به عربی بنويسيم.

✓ ــ در ذكر ويژگی‌های هر كلمه، ترتيب به‌كار رفته در نمونه‌ها را رعايت كنيم.

✓ ــ در تركيب، ذكر نقش و اعراب هر دو ضروری است.

✓ ــ آموخته‌های جديد را به موارد «اَلإعْراب و التَّحليل الصَّرفيّ» كلمات اضافه كنيم.

✓ ــ هدف نهايی از فراگرفتن قواعد، تطبيق آن‌ها بر كلمات است. پس، از پرداختن به‌تمرين «اَلإعْراب و التَّحليل الصَّرفيّ» غفلت نكنيم!!

التّمرين الرابع

عَيِّنِ الصَّحيحَ في التَّحليلِ الصَّرفيِّ لِلْكلماتِ الّتي تحتَها خطٌّ:

رَزَقَهُ اللّهُ وَلَداً صالحاً.

رَزَقَ:

الف ــ فعلٌ ماضٍ، للغائبة، مزيدٌ ثلاثيّ. ☐

ب ــ فعلٌ ماضٍ، للغائب، مجرّد ثلاثيّ. ☐

ج ــ فعلٌ مضارعٌ، للمخاطب، مزيد ثلاثيّ. ☐

صالح:

الف ــ اسم، مفرد، مذكّر، مشتق (اسم مفعول). ☐

ب ــ اسم، مفرد، مذكّر، مشتق (اسم فاعل). ☐

ج ــ اسم، مثنّی، مؤنّث، مشتق (اسم مكان). ☐

۱ــ لِلْغائب أي لِلْمفردِ الْمُذكَّرِ الْغائبِ



کارگاه ترجمه

☐ در ترجمه‌ی اسم‌های مبالغه معمولاً از قید «بسیار» استفاده می‌کنیم ؛ مانند : غفّار : بسیار آمرزنده

☐ گاهی میان اسم‌های تفضیل از لحاظ ظاهری با فعل ماضی باب إفعال مشابهت ایجاد می‌شود، توجه به مفهوم عبارت راهگشای مسأله است!

☐ اگر بعد از اسم تفضیل حرف «مِن» بیاید، به‌صورت صفت تفضیلی ترجمه می‌شود : أحسن مِن ... : نیکوتر از ...

و اگر همراه «من» نیاید، معمولاً به‌صورت صفت عالی ترجمه می‌شود : أحسن کتاب : بهترین کتاب

ترجمه‌ی زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

أفْضَلُ إنسانٍ

دخلَ وَفْدٌ مِن التُّجّارِ في مجلسِ أميرٍ. بدأ فَتىً ذكيٌّ بالْكلامِ نيابةً عن قومِه. فأشارَ إلَيهِ الأميرُ : أَليسَ في الْمجلسِ أكبرُ مِنْكَ؟! عندئذٍ قال الْفَتى «الْعلّامةُ»! بِشَهامةٍ :أيُّها الأميرُ! قيمةُ الإنسانِ بِعقْلِه و لِسانِه! حينما رَزَقَ اللّهُ الْإنسانَ عقلاً كاملاً و لِساناً فَصيحاً فَلَه فَضيلَتانِ. لَو كانَتْ قيمةُ الإنسانِ بِسِنِّه لَكانَ في هذا المجلسِ مَن هو أحَقُّ منكَ بالْحُكْمِ ...

عندئذٍ سَكَتَ الأميرُ و عَجَزَ عنْ جَوابِ الْفتَى الصَّغيرِ!

می‌خواهم مترجمی خوب باشم، پس :

از خواندن متون فارسی غفلت نمی‌کنم و آثار نویسندگان دلخواهم را بسیار می‌خوانم.

انسان برتر

هیأتی از بازرگانان وارد مجلس امیری شد. جوانی باهوش به نیابت از یارانش شروع به صحبت کرد. امیر به او اشاره کرد : آیا در مجلس بزرگتر از تو هستم؟! در این موقع جوان دانا با شهامت گفت : ای امیر! ارزش انسان به عقل و زبان اوست. موقعی که به انسان عقلی و زبانی فصیح روزی خواهد داد پس برای او فضیلت است. اگر ارزش انسان به سن او باشد، در آن مجلس کسی هست که او از شما به حکومت سزاوارتر است ...

در این موقع امیر سکوت کرد و از پاسخ عاجز ماند!

ترجمه‌هایم را روی ورقه‌ای می‌نویسم و در صدد تصحیح کردن و رساتر ساختن آن‌ها برمی‌آیم.

محتوای کتاب عربی‌ام را خوب فرامی‌گیرم و نمی‌گذارم ابهامی در محتوای کتاب برایم باقی بماند.

أضواء قرآنيّة

الف: در متن درس با کلمه‌ی «أَعْلَم» آشنا شدید، اکنون دیگر مشتقات از این ریشه را در آیات زیر مشخص کنید و نوع و ترجمه‌ی آن را در مربع‌ها بنویسید :

	نوع	ترجمه
۱ــ ﴿إنَّ اللّهَ عالِمُ غَيْبِ السَّماواتِ و الأرضِ﴾ (فاطِر/ ۳۸)	☐	☐
۲ــ ﴿إنَّكَ أنْتَ عَلّامُ الْغُيوبِ﴾ (مائدة/ ۱۰۹)	☐	☐
۳ــ ﴿والّذين في أموالهم حقّ معلومٌ لِلسّائل و المحروم﴾ (مَعارج / ۲۴)	☐	☐

ب: پس از خواندن آیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید :

﴿واتَّخَذَ اللّهُ ابراهيمَ خليلاً﴾ (النّساء / ۱۲۵) ﴿و هو اللّطيفُ الخبيرُ﴾ (انعام / ۱۰۳)

معنی کلمه‌های خط کشیده شده به ترتیب کدام است؟

خلیل : ☐ دوست‌بودن ☐ دوست ☐ دوستی انتخاب می‌کند

لطیف : ☐ مهربانی کرد ☐ مهربانی ☐ مهربان

خبیر : ☐ آگاه ☐ آگاه‌کردن ☐ آگاه‌تر

في رحاب نهج البلاغة

«القرآن»

تَعَلَّموا الْقُرآنَ فإنَّهُ أَحْسَنُ الْحَديثِ. و تَفَقَّهوا[1] فيه فإنَّه ربيعُ القُلوبِ. أَحْسِنوا تِلاوَتَه فإنَّهُ أَنْفَعُ[2] الْقَصَصِ ...

«الخطبة ۱۱۰»

تَرْجِمِ الْجُمَلَ إلى الفارسيّةِ بعباراتٍ مألوفةٍ و عَيِّنْ نوعَ الْمشتقّاتِ الْمُشارإلَيها بخطٍّ :

***

گروه‌های درسی راهی در جهت تقویت برنامه‌های درسی

در کلاس‌هایمان گروه‌های درسی تشکیل دهیم.

مشارکت در سایر گروه‌ها بلامانع است.

کارهای گروهی را از هم‌اکنون تمرین کنیم!

گروه‌های زیر را می‌توان در درس عربی تشکیل داد :

۱ــ قواعد ۲ــ ترجمه
۳ــ قرائت متن ۴ــ تجزیه و ترکیب
۵ــ مکالمه ۶ــ تمرین و کاربرد
۷ــ نمایش ۸ــ شعر
۹ــ ...

۱ــ تفقّهوا : بفهمید و درک کنید ۲ــ أَنفَعُ : نافع‌ترین، سودمندترین

تمرین کردن برای مشتقات

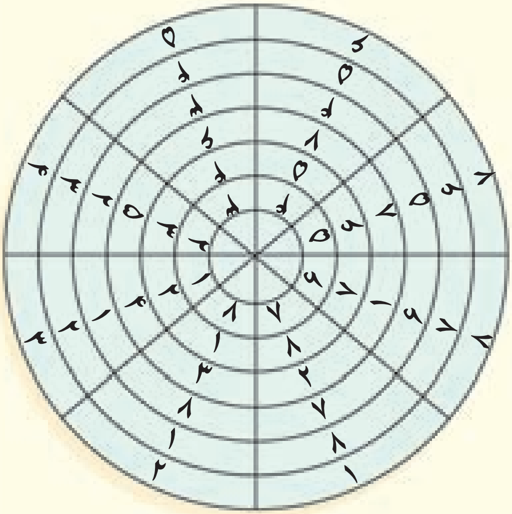
۱ــ دو قطعه مقوا و با ابعاد مختلف به شکل دایره تهیه کنیم.

۲ــ در قطعه‌ی کوچک شش دایره و در قطعه‌ی بزرگ‌تر هفت دایره با فواصل برابر از هم رسم کنیم.

۳ــ هر یک از مقواهای دایره‌ای را به کمک رسم کردن قطر به هشت قسمت تقسیم کنیم.

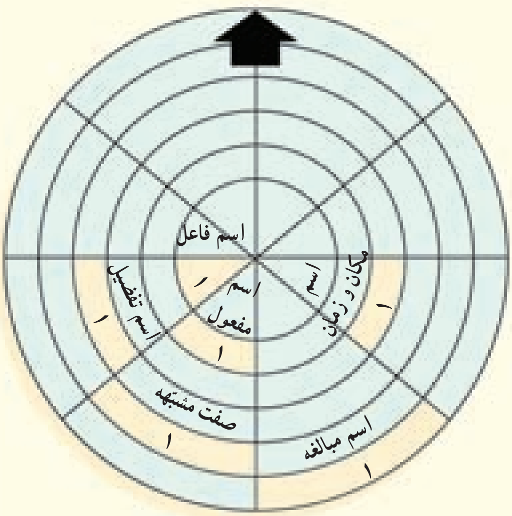
۴ــ در هر یک از قسمت‌های ایجاد شده،مطابق شکل عددگذاری کنیم.

۵ــ در خانه‌هایی که دارای عدد یک می‌باشند، به‌جای عدد یک به ترتیب از سمت مرکز : اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مکان و زمان، اسم تفضیل، صفت مشبهه و اسم مبالغه بنویسیم. همین عمل را نسبت به خانه‌هایی که دارای عدد دو و سه و ... می‌باشند، با فعل دیگری تکرار کنیم.



۶ــ در مقوای دوم (کوچک) پس از عددگذاری مطابق شکل، خانه‌هایی را که دارای عدد یک می‌باشند از مقوا جدا کرده و در قسمت بالای خانه‌های خالی شده به ترتیب از سمت مرکز دایره، این کلمات را بنویسیم : اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مکان و زمان، اسم‌تفضیل، صفت مشبهه و اسم مبالغه.

اکنون دو قطعه مقوا خواهیم داشت که در قطعه‌ی بزرگ‌تر کلمات مشتق و در قطعه‌ی کوچک‌تر شش خانه‌ی خالی وجود دارد. حال اگر دقت نماییم می‌بینیم که خانه‌های خالی همگی در یک نیم‌دایره قرار گرفته‌اند. در نیم‌دایره‌ی دیگر مطابق شکل علامت پیکان بکشیم و سپس دو دایره را از قسمت مرکز به هم وصل کنیم، به‌طوری که روی هم بچرخند. در این حالت روبروی پیکان و در قطعه‌ی دوم در محیط دایره، ریشه‌ی کلمات مشتق ظاهر شده را بنویسیم.



یادآوری: چنانچه از فعل‌های به‌کار رفته برخی اسامی مشتق وجود نداشته باشد در خانه‌ی مربوط از کلمه‌ی «ندارد» استفاده کنیم. ضمناً تمام خطوط موجود در دایره کوچک‌تر را پس از پایان کار برای زیباتر شدن وسیله، پاک کنیم.

اَلتَّجرِبَةُ


اَلأُمّ ــ إلَهي!... بُنَيَّتي! بُنَيَّتي! ماذا أفْعَلُ؟
هي مريضةٌ بِشدَّةٍ... أينَ أُراجِعُ*؟
اَلأُخت ــ لافائدةَ ... لافائدةَ...
يا أُخْتي! لاتَجْزَعي* . لا ...
لماذا؟! لاأقْدِرُ ...، بُنـيَّـتـي مريضةٌ.
هذا الْمَرَضُ شائعٌ في هذه الْمدينةِ ...
لاحيلةَ ... !!
في الْمدينةِ
مُصيبةٌ عظيمةٌ!
لماذا لايَقْدِرُ الْأَطِبّاءُ مُعالَجةَ هؤلاءِ الْمَرْضَى؟
عددُ الْمَرضَى* كثيرٌ ... و لَيْسَ في الْمدينةِ مُسْتَشْفىً* مناسِبٌ.
اَلْمجلسُ* الاِسْتِشاريّ
أيُّها الوزيرُ! ماذَا عندَكَ مِن الأَخْبارِ؟
أخبارٌ مؤْسِفةٌ* ... وَقَعَ النّاسُ في مُصيبةٍ عظيمةٍ.
اَلأَمراضُ شائعةٌ.
لماذا لاتَبْحَثونَ* عن حَلٍّ لِهذه الْمُشكلةِ؟


نَطْلُبُ علماءَ الْبِلادِ لِلْبَحْثِ* حَوْلَ هذا الأَمْرِ.
طيِّبٌ، طيِّبٌ.
أَحْسَنْتَ!
هناكَ عالِمٌ مشهورٌ في مدينةِ الرّيِّ، هو طبيبٌ حاذِقٌ*.
قصْدُكَ محمّدُ بنُ زكريّا الرّازيُّ مُكْتَشِفُ الْكُحولِ*؟!
جيّدٌ، جَيِّدٌ!
أُطْلُبوه بِإِعْزازٍ* و إِكْرامٍ.
عِنْدَ الرّازيّ
أيُّها العالِمُ الْجَليلُ! مَدينَتُنا في مُشكلةٍ عظيمةٍ ... اَلأَمراضُ شائعةٌ وليسَ لنا مستشفىً مناسِبٌ.
لِماذا لا تُبادِرونَ* بِبِناءِ الْمُسْتَشْفَى؟
مشكلتُنا الْحصولُ* على مكانٍ مناسِبٍ لِلْمُستشفَى!
إِختلافٌ كثيرٌ بينَ الأَطبّاءِ حولَ تَعيينِ المكانِ المناسِبِ.
طيِّبٌ، طيِّبٌ!
أنا أُفَكِّرُ في هذا الأَمرِ.
إلى مَتَى؟
إلى آخِرِالأُسبوعِ!



في الْبيتِ
اَللّٰهمَّ، أنتَ الْقادِرُ على طَلِبَتي و تَعْلَمُ حاجَتي.
اَللّٰهُمَّ، اْجْعَلْ في قلبي نوراً و فهْماً و عِلْماً.
إلَهي، إيّاكَ نَعْبُدُ و إيّاكَ نَسْتعينُ.
و بَعْدَ أيّامٍ
ها ... وَجَدْتُ ...!
اِذْبَحوا خَروفاً* و قَسِّموا لَحْمَه إلَى خَمسةِ أقسامٍ.
و ماذا نَفْعَلُ نحنُ بِهذه الأَقسامِ؟
عَلِّقوا كلَّ قِسْمٍ في ناحيةٍ مِن الْمدينةِ و أنا سَأُخْبِرُكُم* بالنَّتيجةِ.
وَ بَعْدَ أيّامٍ عَيَّنَ الرّازيُّ أحْسَنَ مكانٍ لِبناءِ الْمُسْتَشْفَى.
في الْمجلسِ الاِستشاريّ
أيُّها العالمُ الْجليلُ، أخْبِرْنا عن سِرِّ تعليقِ اللَّحمِ.
ذهبتُ كُلَّ يومٍ إلى نَواحي* الْمدينةِ و شاهَدْتُ التَّغييراتِ الْحاصِلةَ لِقِطَعِ* اللَّحْمِ. وَ وَصلْتُ إلى هذه النّتيجةِ أنَّ كلَّ ناحيةٍ يَفْسُدُ فيها اللَّحْمُ مُتأخِّراً* أحْسَنُ مكانٍ لِبناءِ الْمُسْتَشْفَى.

منجم



آیا تاکنون فکر کرده‌اید که اگر همه‌ی کارها فقط به یک شکل و صورت قابل تحقق بود، چه مشکلاتی پیش می‌آمد؟!

آیا اگر کارها و پدیده‌ها و افراد برای خود «جانشین» نداشتند، تنوع و تحوّل در طبیعت صورت می‌گرفت؟

اصل «جانشینی» در تمامی پدیده‌های خلقت جاری و ساری است!

به تصویرها نگاه کنیم!

عمل تیمّم «جانشین» کدام عمل شده است؟

بارش باران و یا شخم زدن زمین با گاوآهن و یا تراکتور چه‌طور؟!

آیا می‌توانید نمونه‌های دیگری از اصل جانشینی را در طبیعت و جهان پیرامون خود مثال بزنید؟

عالم کلمات

عالم کلمات نیز خالی از پدیده‌ی «جانشینی» نیست! در میان کلمات نیز گاهی کلمه‌ای به‌جای کلمه‌ی دیگر می‌آید و وظایف آن را به عهده می‌گیرد.

انسان هم در طبیعت «جانشین» خداست!
«جانشین»ها وظیفه‌ی «اصلِ» خود را باید ایفا کنند!

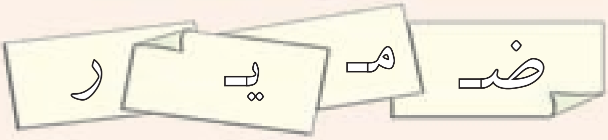
شاید کمتر عبارتی باشد که در آن «ضمیر» نباشد! آموختن ضمیر را جدی بگیریم!

نتیجه

«ضمیر» معمولاً جانشین «اسم» می‌شود.



- آیا کلمات «أنت، هي، نحن و ...» را به خاطر می‌آوریم؟
- چند ضمیر مشابه آن‌ها در زبان فارسی ذکر کنیم!
- جمله‌ی «دانش‌آموز آمد» را با ضمیر مناسب بنویسیم.
- آیا می‌دانیم «ضمیر» معمولاً به جای چه کلمه‌ای می‌نشیند؟



نام‌گذاری

در زبان عربی به اسم‌هایی مانند «هو»، «أنتما»، «نحن» و یا «تُِ» در «قرأتُِ» ضمیر می‌گوییم.

«ضمایر» یا به‌صورت مستقل در جمله به کار می‌روند و یا همراه کلمه‌ای دیگر می‌آیند.

بنابراین ضمایر یا «منفصل» اند و یا «متصل»!

ضمایر مُنفصل

دانستیم که:

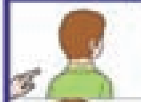
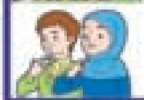
غائب			مخاطب		
ضمیر	معادل فارسی	تصویر	ضمیر	معادل فارسی	تصویر
هو	او		أنتَ	تو	
هي	او		أنتِ	تو	
هما	آن دو		أنتُما	شما	
هُم	آن‌ها		أنتُم	شما	
هُنَّ	آن‌ها		أنتُنَّ	شما	
متکلم					
أنا	من		نحن	ما	

ضمایر فوق همگی جزء ضمایر منفصل هستند!

تصویر ضمایر منفصل فرصت خوبی است برای انجام مسابقه! بسم‌الله!

در صیغه‌های غائب و مخاطب دو نوع ضمیر بیشتر نداریم: گروه «هاء» و گروه «تاء»! مگر این طور نیست؟!

حالا بدانیم که:

ضمیر	معادل فارسی	تصویر	
إیّاه	او را		غایب
إِیّاكَ	تو را		مخاطب
إِیّاکم	شما را		مخاطب
إِیّاي	مرا		متکلّم

ضمایر فوق نیز تعدادی دیگر از ضمایر منفصل به‌شمار می‌آیند.

حال از خود سؤال کنید:



- چرا به ضمایری که تاکنون خوانده‌ایم، «منفصل» می‌گوییم؟!
- میان دو گروه ازضمایر منفصل فوق، چه تفاوتی از لحاظ معنا وجود دارد؟
- به‌جای «مریم» در جمله‌ی «مریم قرأت القرآن» یک ضمیر منفصل بیاوریم.
- عبارت «تو را می‌پرستیم» را با استفاده از ضمیر منفصل به عربی ترجمه کنیم.
- از متن درس چند ضمیر منفصل پیدا کنیم!

ضمایر متصل

آیا فعل‌های ماضی و مضارع و امر را به خاطر می‌آوریم؟!

☐ این فعل‌ها از چند جز تشکیل شده بودند؟

☐ جز اصلی فعل را چه می‌نامیدیم؟

حال جواب صحیح را علامت بزنید :

قرأْتُم از ... جز تشکیل شده است. دو ◯ یک ◯

«...» ریشه‌ی فعل «یَکْتُبون» است. کتب ◯ یکتب ◯

ضمایر منفصل را طوطی‌وار حفظ نکنیم! با دقت روی معنی و مفهوم، ضمیر مناسب را یاد بگیریم و تکرار کنیم.

اگر فعل‌ها را خوب یاد گرفته باشیم، ضمایر متصل به آن را به یاد داریم!

حال به فعل‌های زیر توجه کنید:

ماضی	مضارع	امر
کَتَبَ	یَکْتُبُ	
کتبَتْ	تَکتُبُ	
کتَبا	یکتبانِ	
کتبتا	تَکتبانِ	
کتَبوا	یکتبونَ	
کتبْنَ	یکتبْنَ	
کتبتَ	تَکتُبُ	أُکتُبْ
کتبتِ	تکتبینَ	أُکتبي
کتبتما	تکتبانِ	أُکتبا
کتبتما	تَکتبانِ	أُکتبا
کتبتُم	تَکتبونَ	أُکتبوا
کتبتُنَّ	تکتبْنَ	أُکتبْنَ
کتبتُ	أکتُبُ	
کتبْنا	نکتُبُ	

حال از خود سؤال کنید:

- ـ آیا ضمایر مشترک میان فعل‌ها وجود دارد؟
- ـ آیا ضمایر «هو»، «هي»، «أنتَ» متصل به فعل نمی‌آیند؟
- ـ «الف» در فعل «کتبا» از لحاظ معنی نشان‌دهنده‌ی چه چیزی است؟
- ـ آیا علامت‌هایی مانند «الف» در «کتبوا» و «نون» در «یکتبونَ» جزء ضمایر هستند؟



ضمایر بارز

ضمایر مشترک		ضمایر مختص
ماضی ـ مضارع ـ امر	مضارع ـ امر	ماضی
ا و ن	ی	تَ تِ تما تم تُنَّ تُ نا

ضمایر متصل را برای خود شبیه‌سازی کنیم:
ا = مانند ....؟
و = مانند ....؟
ی = ...؟
ن = ...؟

ا = برای مثنی
و = برای جمع مذکر
ن = برای جمع مؤنث

می‌دانیم که :



همه‌ی فعل‌ها دارای ضمیر (انجام‌دهنده‌ی فعل) هستند،
امّا

ضمایر فعل‌هایی مانند «کتب، یکتُب، أُکتب و ...» کدام است؟!

نتیجه

«ضمیر»، گاه به‌صورت «بارز» همراه فعل
می‌آید و گاه به‌صورت «مستتر»

بنابراین

فعل‌هایی که دارای ضمیر بارز نیستند، ۵ صیغه هستند :

ـ هو	ماضی و مضارع
ـ هي	ماضی و مضارع
ـ أنت	مضارع و أمر
ـ أنا، نحن	مضارع

به خاطر بسپاریم که:



ضمایری مانند «ا»، «و»، «ن» و ... که همراه فعل می‌آیند و نشان‌دهنده‌ی «انجام‌دهندگان» فعل هستند، «ضمایر متصل فاعلی» نام دارند.

حال به تابلوی روبرو نگاه کنیم :

✓ ﴿ولقد نَصَرَكُمُ اللّٰهُ﴾
✓ ﴿ربّنا اِغْفِرلَنا ذُنوبَنا﴾
✓ ﴿فَاْغْسِلوا وُجوهَكُم﴾
✓ ﴿و ماظلَمونا ...﴾

به ضمایر «كُم»، «نا» دقت کنیم!
این ضمایر همراه کدام یک از اقسام کلمه آمده‌اند؟
آیا این ضمایر با ضمایر متصل فاعلی تفاوت دارند؟
آیا این ضمایر جزء ضمایر منفصل به‌شمار می‌روند؟

مسابقه!
شناخت ضمایر متصل فاعلی را به مسابقه بگذاریم. فعل بگوییم و ضمیر فاعلی بخواهیم و به‌عکس!

به خاطر بسپاریم که:



گروه دوم از ضمایر متصل، ضمایری هستند که به هر سه قسم کلمه (اسم، فعل، حرف) متصل می‌شوند.

دقت کنیم که :
ضمایر متصل فاعلی تنها همراه فعل می‌آیند!

نکته هنگام اتصال فعل به ضمیر «ی»، حرف «ن» (نون وقایه) میان آن دو آورده می‌شود.

نصر + ی ← نصَرني

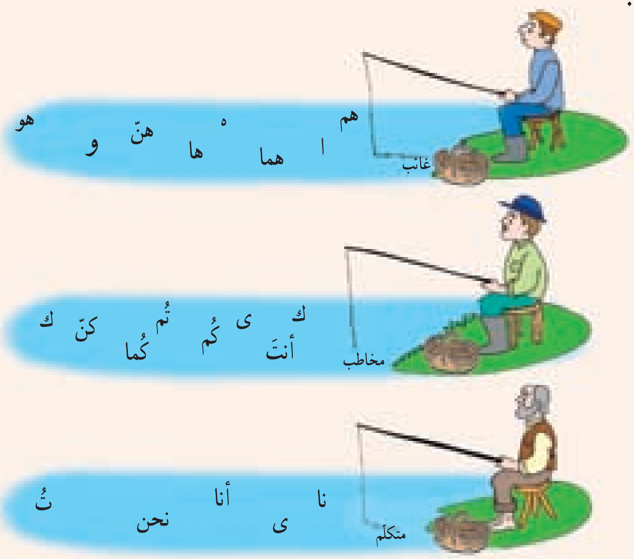
به ضمایر متّصل به هر سه قسم کلمه در جدول زیر توجه کنید :

ضمیر	معادل فارسی	ضمیر	معادل فارسی
ه	ش ـ او را (متصل به اسم) (متصل به فعل)	كَ	ت ـ تو را
ها	ش ـ او را (متصل به اسم) (متصل به فعل)	كِ	ت ـ تو را
هما	شان ـ ایشان را	کما	تان ـ شما را
هم	شان ـ ایشان را	کم	تان ـ شما را
هُنَّ	شان ـ ایشان را	کُنَّ	تان ـ شما را

ي	م ـ مرا
نا	مان ـ ما را

مسابقه‌ی سرعت

این سه ماهیگیر به دنبال طعمه‌ی ضمیر متصل به هر سه قسم کلمه برای قلاب‌های خود هستند. در میان ضمایر داده شده طعمه‌های موردنظر را بیابید و به قلاب ماهیگیر وصل کنید، و سپس در جعبه‌ی ماهیگیر قرار دهید :



«هما» ، «هم»، «هنّ» هم در ضمایر منفصل وجود دارند و هم متّصل؟!
هُم طُلّابٌ!
هذا عَمَلُهُم!

«نا» در ضمیر متصل فاعلی و ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه وجود دارد! معیار تشخیص کدام است؟

تمارين

التمرين الأول

أكمل الْفَراغ:

هو شَكَرَ رَبَّه. هي شكرَتْ رَبَّها.	هُما شَكَرا رَبَّهُما. هُما شَكَرَتا رَبَّهُما.	هُم شَكَروا رَبَّهُم. هُنَّ شَكَرْنَ رَبَّهُنَّ.
أنْتَ ... ... تشكُرينَ	... تشكُرانِ ... . أنْتُما	... ... رَبَّكم. أنتنَّ ... .
أُشْكُرْ رَبَّكَ! ... ...!	... ...! أُشكُرا رَبَّكما	... ...! ... ...!

التمرين الثاني

أكْمِل الْفَراغ:

أ	هو	ناجِحٌ.	هُما	...	...	ناجِحونَ.
	هي	ناجِحةٌ.	هُما	ناجِحتانِ.	...	...
ب	هو	مُجْتَهِدٌ.	...	...	...	...
	...	...	...	...	...	...

التمرين الثالث

أكْمِل الْفَراغَ بضميرٍ مناسبٍ (مُنفصلٍ او مُتّصلٍ):



اَلْمَطَرُ*! اَلمَطَرُ! اَلْبَرْدُ*! البردُ! ماذا أفْعَلُ يا ربِّ؟! سأذْهَبُ إلى بَيْتِ الْفَأْرةِ.

... تَطْرُقُ الْبابَ!

مَنْ ...؟ ... الْقِطَّةُ*!

ماذا تَطْلُبينَ؟

أَطْلُبُ مُساعَدتـ ... . تَفَضَّلي، اُدْخُلي.



كيفَ؟ ... لا أقْدِرُ! اِصبري قليلاً!   ... تَقْدِرينَ.

هكذا، اُدخُلي!! أمّا...
ذَنَبي*، ذَنَبي!

بعدَ لحظاتٍ تَرجِعُ الفأْرةُ مِنْ بَيْتـ... بالْمِظَلَّةِ*.
و ... تَجْلِسانِ تحت الْمِظَلَّةِ!

التمرين الرابع

صَحِّح الأَخطاءَ في ترجَمة العباراتِ التاليةِ:

١ـ هُمْ مشغولونَ بمطالَعةِ درُوسِهم و نَحْنُ نُفَكِّر في الْاِمتحانِ.

ما سرگرم مطالعه درس‌هایمان هستیم و آن‌ها به امتحان فکر می‌کنند.

٢ـ أنْتُم تتعَلَّمُونَ اللُّغةَ الْعربيّةَ لِأَنَّها لغةُ القرآنِ.

آن‌ها زبان عربی را فرا می‌گیرند، چون زبان قرآن است.

٣ـ ﴿اَلْيومَ أكْمَلْتُ لكُمْ دينَكُمْ و أتْمَمْتُ عَليكُم نِعْمَتي﴾

امروز دین را برای شما کامل کردم، و نعمت را بر شما تمام کردم.

التمرين الخامس

اُكْتُب الكلماتِ التاليةَ مع ضمير «الياء» :

عَلَّمَ ـ معلّم ـ ينصُر ـ بِـ ـ أكرَمَ ـ قَلَم



کارگاه ترجمه

☐ «ضمیر» یکی از اجزای اصلی جمله است. در تشخیص انواع ضمیر و ترجمه‌ی صحیح هر یک، دقت کنیم.

☐ در تشخیص مرجِع ضمایر غایب بسیار دقت کنیم.

کدام یک از دو ترجمه‌ی ارائه شده از متن زیر را می‌پسندید؟ چرا؟!

اَلخُلْقُ الْحَسَنُ

لمّا قَرُبَ النّبيُّ (ص) من الْمدينةِ، أخذَ النّاسُ زِمامَ النّاقةِ. فقال النبيُّ (ص) : أيّها النّاسُ! أُتْرُكوا النّاقةَ فهي مأمورةٌ، فعلى بابِ‌دارِ من وَقَفتْ فأنا عندَه. فهُم تَرَكوا زِمامَها و هي ذَهَبتْ في مسيرِها.

بعد ساعةٍ دخَلت المدينةَ فوَقَفتْ على دارِ أبي أيّوبَ الأَنصاريّ و هو كان أَفْقَرَ النّاسِ في المدينةِ!

تَحسَّرَ النّاسُ و انْقَطَعت آمالُهم!

خُلق نیکو

زمانی که پیامبر (ص) به مدینه نزدیک شد، مردم عنان شتر را گرفتند. پیامبر (ص) گفت : ای مردم! شتر را رها کنید، چه او مأمور است. و بر درخانه‌ی هر که توقف کند من نزد او هستم! مردم عنان شتر را رها کردند و شتر به راه خود رفت، پس از یک ساعت شتر وارد شهر شد و بر در خانه‌ی ابی أیوب انصاری ایستاد و او فقیرترین مردم مدینه بود. مردم حسرت و تأسف خوردند و آرزوهایشان قطع شد!

***

خُلق برتر

زمانی که پیامبر (ص) نزدیک شهر شد، مردم طناب شتر را به شدت گرفتند. پیامبر (ص) فرمود : ای مردم! شتر را ترک کنید زیرا آن مأمور است، پس هر کجا ایستاد من نزد او می‌مانم. مردم شتر را رها کردند و به راه خود رفتند. پس از چند ساعت مردم وارد شهر شدند و شتر نیز بر در خانه‌ی ابی ایوب ایستاد و او فقیرترین مردم بود!

در مسیر ترجمه :

بسیار تمرین می‌کنم. مترجمان زبردست امروز، مبتدیان دیروزند!

از کُندی کار و خطاهای بسیارم خسته و دل‌زده نمی‌شوم. بزرگان ترجمه‌ی امروز، در آغاز کار، مبرّای از خطا نبودند.

ترجمه‌هایم را در ذهنم انجام نمی‌دهم، بلکه همیشه روی کاغذ می‌نویسم.

أضواء قرآنية

الف

نوع ضمایر مشخص شده در آیات زیر را تعیین کنید، سپس ترجمه‌ی آیات را کامل نمایید.

۱ـ ﴿إيّاكَ نَعْبُدُ وَ إيّاكَ نَسْتَعينُ.﴾ (حمد/ ۴)

تنها ... را می‌پرستیم و تنها از ... یاری می‌جوییم.

۲ـ ﴿نحن نَقُصُّ عليكَ أحْسَنَ الْقَصَصِ﴾ (یوسف / ۳)

... نیکوترین سرگذشت را بر ... حکایت می‌کنیم.

۳ـ ﴿يا أيُّهاالنّاسُ ٱعْبُدوا رَبَّكُم الَّذي خَلَقَكُمْ﴾ (بقرة / ۲۱)

ای مردم! پروردگار ... را که ... را آفریده است، پرستش کنید.

ب

کدام آیه درباره‌ی مفهوم زیر سخن می‌گوید؟!

«گوش فرا دادن به قرآن هنگام تلاوت این کتاب آسمانی»

☐ ﴿وَ إذا قُرِئَ القُرآنُ فَٱسْتَمِعوا لَه و أنْصِتوا لَعَلَّكُم تُرحَمونَ﴾ (أعراف /۲۰۴)

☐ ﴿إنَّ هذا القُرآنَ يَهدي لِلَّتي هي أقْوَمُ﴾ (إسراء / ۹)

☐ ﴿ما أنْزَلْنا عَليكَ القرآنَ لِتَشْقَى﴾ (طه / ۲)

***

آیا زمانی را به مطالعه کتاب‌های غیر درسی اختصاص می‌دهید؟

مطالعات جنبی شما چه مقدار است؟

مطالعات جنبی، نگرش شما را نسبت به محیط اطرافتان روشن‌تر می‌کند!

برای درس عربی

ـ آیا تا به حال دیوان حافظ را ورق زده‌اید و اشعار عربی آن را خوانده‌اید؟

ـ آیا عبارات عربی گلستان و بوستان را دیده‌اید؟

ـ آیا با ترجمه‌ی آثار و نوشته‌های ادبای عرب تاکنون برخورد کرده‌اید؟

ـ آیا دوست دارید مطالبی را پیرامون تأثیر زبان عربی بر فارسی و به‌عکس بخوانید؟

ـ آیا دوست دارید مطالب خود را به زبان عربی بیان کنید؟

اصنع و اعمل

تمرین نمودن افعال با ضمایر منفصل و متصل

۱ـ دو قطعه مقوا به شکل دایره تهیه کنیم.

۲ـ در هر یک از مقواها شش دایره با فواصل برابر از هم رسم کنیم.

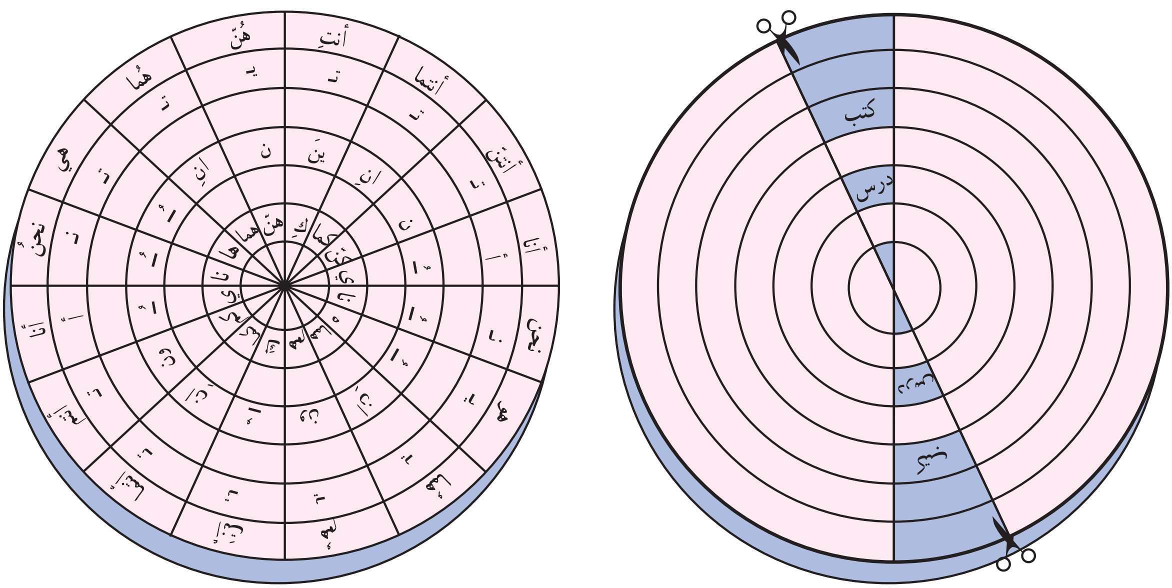
۳ـ هر یک از مقواهای دایره‌ای را به کمک رسم نمودن قطر به شانزده قسمت تقسیم کنیم.

۴ـ در یکی از دایره‌ها مطابق شکل، کلمات موردنظر را با رنگ‌های مختلف بنویسیم.
(در دایره‌ی اول ضمایر منفصل مرفوع، در دایره‌ی دوم حروف مضارعه، در دایره‌ی چهارم ضمایر متصل فاعلی با یک رنگ و نون‌های رفع و ضمه‌ها با رنگ دیگر و در دایره ششم ضمایر متصل به سه قسم کلمه)

۵ـ در مقوای دوم قسمت‌های هاشور زده را از مقوا جدا کنیم و کلمات موردنظر را با ترتیبی که در شکل به‌کار رفته بر روی آن بنویسیم.

۶ـ خطوط اضافی مقوای دوم را پاک کنیم و سپس دو دایره را از نقطه‌ی مرکز به‌یک‌دیگر وصل کنیم به گونه‌ای که روی همدیگر بچرخند.

***



اَلهِجرةُ


ـ أحَدٌ*، أحَدٌ ...!
ـ لا... لا... هُبَل* ... هُبَل .... .
ـ أحَدٌ ... أحَدٌ ... .
ـ اِضْرِبْها ... اِضْرِبْها بِشدَّةٍ!
ـ أحَدٌ ... أحَدٌ!


في ليلةٍ
ـ اَلأَوضاعُ خَطِرَةٌ ... الْمُسْلِمونَ في عذابٍ.
ـ قَتَلَ الْكُفّارُ سُمَيَّةَ بَعْدَ التَّعذيبِ*.
ـ و زَوجَها ياسِراً كذلكَ*.
ـ و بِلالٌ تحتَ أشدِّ تَعْذيبٍ. ... و عمّارٌ ...
ـ نَحْنُ بِحاجةٍ إلى مَكانٍ أمْنٍ لِنَشْرِ الإسْلامِ.
ـ يا رسولَ اللّهِ! اِبْحَثْ عَنْ طَريقٍ لِحَلِّ هذه الْمُشكلةِ.


ـ رَبَّنا إنَّنا فقراءُ* لِما* تُنْزِلُ إلَينا مِنْ خَيرٍ.
ـ فأمَرَاللّهُ الْمُسلمينَ و الْمسلماتِ بِالْهجرةِ.
﴿إنَّ أرْضي واسِعةٌ، فإيّايَ فاعْبُدونِ﴾
ـ في الْحبشةِ حاكمٌ عادلٌ و مُوَحِّدٌ*.
رُؤساءُ قريشٍ
ـ أنتم صامِتونَ*! ... هذا عجيبٌ!!
ـ اَلّذينَ هاجَروا إلى الْحبشةِ سَوفَ يَخْلُقون لنا الْمشكلاتِ.
ـ قَسَماً بِاللّاتِ* و الْعُزّى* سَنُرْجِعُ مَنْ هاجَرَ و نُعَذِّبُهُ.
ـ نَبْعَثُ رسولاً مع هدايا إلى حاكمِ الحبَشَةِ و نَطْلُبُ مِنْهُم تسليمَ الّذينَ ذَهبوا إلى هناكَ.
ـ طيِّبٌ ... طيِّبٌ... اَلتَّطميعُ* مِن عادتِنا.


عندَ حاكمِ الحبَشَةِ
ـ سيِّدي! عددٌ مِنْ شَبابِنا خَرجوا مِنْ دينِنا.
و ما نَطْلُبُ منكَ هو تَسْليمُهُمْ إلَينا.
اَلمهاجرونَ عنْدَ الحاكمِ
ـ اَلسَّلام عَليكُمْ!
ـ أهلاً* و مَرْحَباً بكُم.
ـ أُنْظُروا ... أُنْظُروا ... هؤلاءِ لايَسْجُدونَ لِلْحاكِمِ ... إهانةٌ ...
ـ دينُنا لايَسْمَحُ لنا بِالسُّجودِ إلّا لِلّهِ الّذي خَلَقنا.
ـ ما هو دينُكُم؟
ـ إنَّ اللّهَ بَعَثَ إلينا رسولاً يأْمُرُنا بالصّدقِ و أداءِ الأَمانةِ والْوَفاءِ بِالْعَهْدِ وَيَمْنَعُنا عن ارْتكابِ الْمَعاصي و يأْمُرنا بِإقامةِ* الصَّلاةِ و أداءِ الزَّكاةِ ...
ـ قَسَماً بِرَبّي، هذا دينُ الْمُوَحِّدينَ ...
يا رسولَ قُريشٍ! اِرْجِعْ! اَلّذين دَخَلوا بِلادي فَفي أمنٍ و راحةٍ.

منهج



برای عبور از این رودخانه‌ی عریض و خروشان چه طرحی پیشنهاد می‌دهید؟ شاید به آب زدن و شنا کردن یکی از راه‌های پیشنهادی شما باشد، امّا خودروها و وسایل دیگر را چگونه باید از این سمت به سمت دیگر منتقل نمود؟

در تصویر دوّم راه‌حل منطقی و درست را مشاهده می‌کنید و تصویر سوم نمایانگر صحیح بودن این پیشنهاد است.

در عالم طبیعت «پل»ها نقش ارتباطی میان دو قطعه‌ی مجزا از یک‌دیگر را دارند.

عالم کلمات

در عالم کلمات نیز گاهی به «پل» و یا نقطه‌ی وصل نیاز داریم تا دو قسمت یک جمله را به یک‌دیگر وصل کنیم.

نتیجه

در زبان عربی نیز کلماتی وجود دارند که موجب ارتباط و اتصال میان اجزای جمله می‌شوند.



- در جمله‌ی «دانش‌آموزی موفق می‌شود که تلاش می‌کند»، عامل اتصال میان دو جزء جمله کدام است؟
- آیا می‌توانید در جمله‌ی «فَهِمْتُ الدّرسَ الّذي دَرَّسه المعلِّم» وصل کننده‌ی دو جمله را تشخیص دهید؟
- آیا می‌توانید بگویید که این اتصال‌دهنده‌ها در عربی جزء کدام یک از اقسام کلمه هستند؟

«پل»ها عامل ارتباط هستند! اگر «پل»ها نبودند، ارتباط‌ها دشوار می‌شد! آیا این طور نیست؟

مهندسی کلمات: بچه‌ها! هر گاه زمینه‌ی استفاده از پل در وسط دو قطعه‌ی مجزا از هم فراهم نباشد، پایه‌های پل را در آغاز جزء اول قرار می‌دهیم!

آیا اگر اتصال‌دهنده‌ها در جمله وجود نداشته باشند، معنای اصلی جمله دریافت می‌شود؟



حال به تصویر نگاه کنیم:

گاهی برای ارتباط میان دو جزء مجزّا، از روش دیگری استفاده می‌کنیم.

به این دو جمله نگاه کنیم :

اَلتّلاميذُ يَجْتَهدونَ في الدّرسِ. اَلتّلاميذُ يَنْجَحونَ في الْحياةِ.

برای ارتباط میان این دو جمله چه راهی را پیشنهاد می کنید؟
یک راه نصب «پُلِ اتصال» در قسمت اوّل عبارت است!

اَلّذينَ يَجْتَهدونَ في الدّرسِ، يَنْجَحونَ في الْحياةِ.

در این صورت :

علاوه بر تغییر در محل استفاده از پُل، معنای کلمه ی ارتباطی هم تغییر پیدا می کند!

اَلإنسانُ الّذي يجتهدُ يَنْجَحُ. — که

اَلّذي يَجْتهدُ فهو ينجَحُ. — کسی که

عبارت صحیح را علامت بزنید :

ـ اتصال دهنده ها برای وصل میان دو اسم به کار می روند. ☐
ـ اتصال دهنده ها در وسط جمله ها نمی آیند. ☐
ـ اتصال دهنده ها در آغاز جمله نیز می آیند. ☐

نام گذاری

کلماتی از قبیل «اَلّذي»، «اَلّتي»، «اَللّاتي» و «اَلّذين» در زبان عربی «اسم موصول» نام دارند.

کاربرد

	مذکّر	مؤنّث	معادل
مفرد	اَلّذي	اَلّتي	که، کسی که، چیزی که
جمع	اَلّذين	اَللّاتي	کسانی که، که

نکته موصول در عربی برحسب ماقبل خود تغییر می کند ؛ مانند :

ـ اَلْمؤمنُ الّذي يَعْمَلُ الصّالحاتِ يَنْجَحُ.
ـ اَلْمؤمنةُ الّتي تَعْمَلُ الصّالحاتِ تَنْجَحُ.
ـ اَلْمؤمنونَ الّذين يَعملونَ الصّالحاتِ ينجحونَ.
ـ اَلْمؤمناتُ اللّاتي يعملْنَ الصّالحاتِ ينجحْنَ.

مگر نمی‌دانیم هر پل برای عبور محموله‌های خاصی است؟!
پل «اَلّذي» برای عبور ....
پل «اَلّتي» برای عبور ....
و ......

مهندسی کلمات شما چگونه است؟!
آیا موافقید مسابقه‌ای برگزار کنیم و ماهرترین مهندس را انتخاب کنیم؟
بسم الله ...!!



جاهای خالی را با کلمه‌ی مناسب پر کنید :

ــ اسم موصول «...» برای کلمه‌ای که مفرد مذکر باشد، استفاده می‌شود.

ــ اسم‌های موصول عبارتند از : ...، ...، ... .

ــ موصول «اَلّذین» برای اسم‌های .... استفاده می‌شود.

نوع دوم | به این دو عبارت توجه کنیم : عَلِّمْ مَن لایَعلَمُ! اِعْمَلْ بِما تَعَلَّمْتَ!

ــ آیا کلمه‌های «مَن» و «ما» در جمله‌های بالا برای سؤالی کردن هستند؟

ــ آیا کلمه‌ی «ما» برای منفی کردن آمده است؟

و یاآن‌که ... ؟!

«مَن» و «ما» نیز گاهی به عنوان «اسم موصول» در جمله به‌کار می‌روند.

کاربرد

«مَن» به معنی کسی که، کسانی که

«ما» به معنی چیزی که، چیزهایی که، آنچه

نام‌گذاری

به اسم‌های موصول «مَن» و «ما»، «مشترک» می‌گوییم و بقیه‌ی موصولات را «خاص» می‌گوییم.



ــ آیا اسم‌های موصول «مَن» و «ما» برای مذکر و مؤنث به صورت یکسان به‌کار می‌رود؟

ــ چرا به اسم‌های موصول «مَن» و «ما» مشترک گفته می‌شود؟

ــ مجموعاً چند کلمه به عنوان اسم موصول می‌شناسید؟ نام ببرید.

دو کاربرد برای اسم‌های موصول :
۱ــ آغاز جمله
۲ ــ داخل جمله

متناسب با کاربرد، معنی نیز تغییر می‌کند.
تا کنون با چند نوع «ما» و «مَن» در عبارت‌ها آشنا شده‌ایم؟!

تمارين

التمرين الأول

اِجعلْ في الفَراغِ الموصولَ المناسبَ:

اَللّاتي ، ما ، اَلّتى ، مَنْ، اَلّذينَ

۱ــ اَلطّالبةُ الْمجتهدةُ هي ... تَنْجَحُ في دَرْسِها.

۲ــ اَلاُمَّهاتُ هُنَّ ... تَعِبْنَ مِنْ أجْلِنا*.

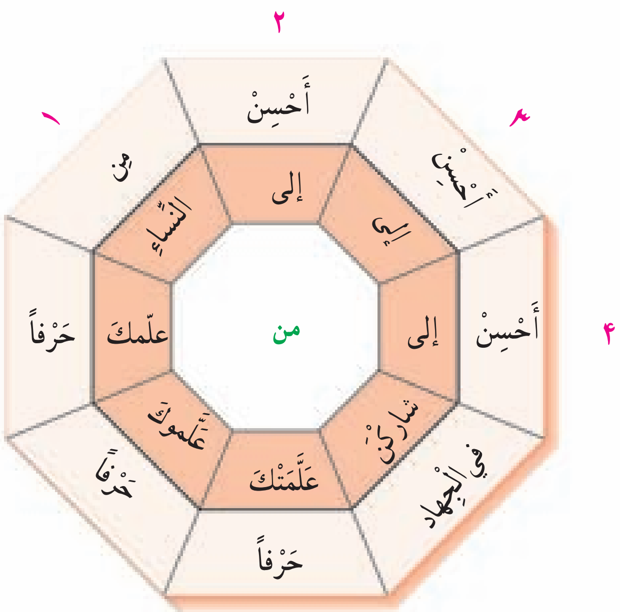
۳ــ أَنْفِقْ بِـ ... عندَكَ في سبيلِ اللّهِ.

۴ــ اِحْتَرِم ... هو أصغَرُ منكَ.

۵ــ ... يَعْملونَ الصّالحاتِ فَلَهُم أجرٌ عظيمٌ.

التمرين الثاني

ترجمه‌ی جمله‌های زیر را در کنار هم بنویسید تا مشخص شود اسم موصول «مَن» در چند صیغه به کار می‌رود :



التمرين الثالث

أكْمِل الْفراغَ وَفْقَ النَّموذج:

ـ اَلْمؤمنُ هو الَّذي يَتَوَكَّلُ على اللّهِ في الْحياةِ.

ـ اَلمؤمنةُ ....

ـ اَلمؤمنونَ ....

ـ اَلمؤمناتُ ....

التمرين الرابع

عَيِّن الصّحيحَ في ترجمةِ الْعباراتِ التاليةِ:

١ـ ﴿اَلْحمدُ لِلّهِ الّذي لَهُ ما في السَّماواتِ و ما في الأَرضِ﴾

حمد و سپاس خدای را که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آنِ اوست.

حمد و سپاس خدای را که آسمان‌ها و آن‌که در زمین است، از آنِ اوست.

٢ـ ﴿قَدْ أفْلَحَ الْمؤمنونَ الّذينَ هم في صَلاتِهِم خاشِعونَ﴾

به تحقیق مؤمنانی که در نمازشان فروتنند، رستگار شدند.

رستگار شدگان همان خاشعان و فروتنان در نمازند.

٣ـ اَلْعاجِزُ مَن عَجَزَ عنْ اكْتِسابِ الثّوابِ.

ناتوان کسی است که از به‌دست آوردن ثواب عاجز باشد.

ناتوان از بدست آوردن ثواب عاجز است.

التمرين الخامس

عَيِّن الصَّحيحَ في التَّحليلِ الصَّرفيِّ لِلْكَلماتِ الَّتي أُشيرَ إليها بخطٍّ:

﴿هو الَّذي أرْسَلَ رسولَه بِالْهُدَى﴾

هو:

اسمٌ ☐ ضميرٌ متّصلٌ ☐ لِلْغائبِ ☐ اسم الإشارة ☐

حرفٌ ☐ ضميرٌ منفصلٌ ☐ لِلْغائبةِ ☐ ضمير متّصل لِلْفعلِ ☐

اَلَّذي:

إِسمٌ ☐ موصولٌ عامٌ ☐ للمفرد المُذكَّر ☐ إِسم الإشارة ☐

حرفٌ ☐ موصولٌ خاصٌّ ☐ للمُثَنّى المؤنَّث ☐ ضمير منفصل ☐

أرْسَلَ:

فعلٌ ماضٍ ☐ لِلْغائب ☐ مجرّد ثلاثي ☐

فعلٌ مضارعٌ ☐ لِلْمخاطب ☐ مزيد ثلاثي ☐



کارگاه ترجمه

☐ کلماتی مانند «اَلّذي» و «اَلّتي» هر گاه پس از اسم دارای «ال» بیایند، به معنی «که» خواهند بود ؛ مانند : ذهبتُ إلی الْمسجدِ الّذي قُرْبَ مدرستِنا.

☐ دقت کنیم که «ما» با توجه به آن چه که تاکنون خوانده‌ایم، گاهی حرف نفی است و گاه اسم استفهام و گاه موصول. به کمک قرائن موجود در جمله، باید هر یک را از دیگری تمییز داد.

ترجمه‌ی متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

نَبيُّ الرَّحمةِ

إنّ یهودیّاً طلَب دَیْنَه مِن رسولِ اللّهِ (ص) ولکنَّ النّبيَّ (ص) ما کان عنده ما یَدْفَعُ دَیْنَه! فقال لِلْیهوديِّ : اَلآنَ ما عندي شيءٌ! فقال الیهوديُّ : فأنا لاأسْمَحُ بِخروجِكَ مِن المسجِدِ! فَتبسَّم النّبيُّ (ص) و قال : أَجْلِسُ معكَ و لاأخْرُجُ مِن المسجدِ!

أصحابُ النّبيِّ (ص)الّذینَ شاهَدوا هذا الْمنظَرَ غَضِبوا و هَدَّدوا الْیهوديَّ! فنظر رسولُ اللّهِ (ص) إلَیهم وقال : ماذا تَفْعَلون؟! إنّ اللّهَ مابعثَ رسولَه لِلظُّلم عَلی النّاسِ!

سَمِع الْیهوديُّ کلامَ النّبيِّ (ص) و قال : أَشْهَدُ أنّكَ رسولُ اللّهِ و أنا ما فَعَلتُ الْعملَ الّذي عَمِلْتُه إلّا لِاطْمِئْنانِ نَفْسي. فإنّي قرأتُ في التّوراةِ :

... إنّ الّذي یَخرُجُ مِن مکّةَ (لِلنُّبوّةِ) لیس غلیظاً ولاظالِماً و لا ...

فسلام علیكَ یا نَبيَّ الرَّحْمةِ!

پیامبر رحمت

دو نفر یهودی طلب خود را از پیامبر خدا (ص) درخواست کرد. اما پیامبر (ص) چه چیزی نداشت تا با آن دین خود را ادا کند. بنابراین به مرد یهودی گفت : الآن چیزی ندارم. یهودی گفت : پس من اجازه‌ی خارج شدن از مسجد را به تو نمی‌دهم! پیامبر (ص) تبسمی کرد و گفت : با تو نشستم و از مسجد خارج نشدم یاران پیامبر (ص) کسانی که این صحنه را مشاهده می‌کنند عصبانی شدند و مرد یهودی را خواستند تهدید کنند. رسول الله (ص) به آن‌ها نگاه کرد و گفت : چه می‌کنید؟! همانا خداوندی که فرستاده‌اش را برای ستم بر مردم نفرستاد! یهودی سخن پیامبر (ص) را شنید و گفت : شهادت می‌دهم که تو پیامبر خدایی و من کاری را کردم، نبود مگر برای اطمینان یافتن خودم. چه در تورات خواند : ... همانا کسانی که از مکه خارج می‌شوند (برای پیامبری) نه خشن است و نه ستمگر و نه ... پس سلام بر تو ای پیامبر رحمت!

آیا می‌دانید؟!
مترجمان، حافظان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و انتقال‌دهندگان آن به نسل‌های بعدی هستند؟

آیا می‌دانید؟!
مترجمان در ایجاد تغییرات علمی ــ ادبی جوامع بشری نقش بسزایی دارند؟

آیا می‌دانید؟!
جنبش علمی ــ صنعتی اروپا (رنسانس) با ترجمه‌ی آثار مسلمانان به زبان‌های اروپایی آغاز شد؟!

آیا می‌دانید؟
هزارها کتاب به عربی در انتظار مترجمانی ماهر و کاردان بسر می‌برند؟

الف

با توجه به معنی آیات جای خالی را از کلمات داده شده پر کنید :

﴿... یَکْنِزونَ الذَّهَبَ و الْفِضَّةَ و لایُنفِقونَها في سبیلِ اللّهِ فَبَشِّرهُم بِعذابٍ ألیم﴾

کسانی که طلا و نقره را می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس به آن‌ها عذاب دردناکی را مژده ده!

اَلّذي ☐ اَلّذینَ ☐ اَلّتي ☐

﴿یُسبّحُ له ... في السَّماواتِ و الأرضِ﴾

حمد و ثنا می‌گویند او را هر آن که در آسمان‌ها و زمین است.

مَن ☐ اَلّتي ☐ اَلّذي ☐

ب

در کدام آیه هدایت‌گری قرآن مورد تأکید قرار گرفته است؟!

﴿شهرُ رمضانَ الّذي أُنْزِلَ فیه القرآنُ﴾ ○

﴿إنَّ هذا القُرآنَ یَهْدي لِلَّتي هي أَقْوَمُ﴾ ○

﴿و رَتِّلِ الْقرآنَ ترتیلًا﴾ ○

***

آیا می‌خواهیم مطالب خود را به زبان عربی بیان کنیم؟

آیا می‌دانیم بیان مطالب به یک زبان قوه‌ی درک و فهم ما را از متون آن زبان دو چندان می‌کند؟!

آیا می‌دانیم مشکل اساسی ما در صحبت کردن به زبان قرآن ندانستن واژه نیست؛ بلکه عدم آشنایی با کیفیت جمله‌سازی است؟!

آیا می‌دانیم علاوه بر هزارها واژه‌ی عربی که در فارسی به کار می‌رود، تاکنون بیش از هزار واژه‌ی جدید عربی خوانده‌ایم؟!

برای صحبت کردن به زبان قرآن :

۱ـ سعی کنیم جملات ساده از قبیل سلام و احوال‌پرسی و خداحافظی و ... را به‌عربی یاد بگیریم.

۲ـ عبارت‌هایی را از متن و تمرین‌ها انتخاب و حفظ کنیم.

۳ـ اشعار و ضرب‌المثل‌ها و جملات حکمی را حفظ کنیم.

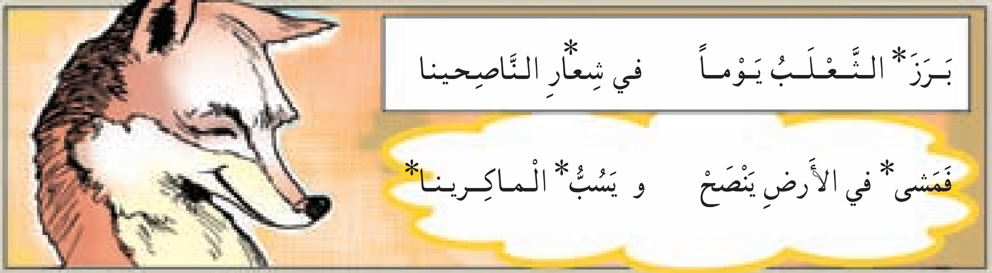
۴ـ با گوش دادن به مطالب رادیو عربی سعی کنیم گوش خود را به شنیدن جملات عربی عادت دهیم.

۵ـ در گفتگوی با دوستانمان سعی کنیم بعضی از جملات را به عربی بیان کنیم.

۶ـ مُلمَّع سخن گفتن (ترکیب جمله‌های فارسی و عربی) قدمی در راه یادگیری است.

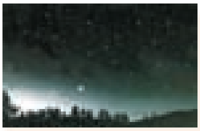
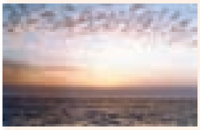
۷ـ از اشتباهات نهراسیم و به راه ادامه دهیم.

توبة الثعلب!!


بَـرَزَ* الـثَّـعْـلَـبُ يَـوْمـاً   في شِعارِ* النَّاصِحينا
فَمَشى* في الأَرضِ يَنْصَحْ   و يَسُبُّ* الْـماكِـرينـا*


و يَقولُ الْحَمْدُ لِلّـ ...   ـهِ إلهِ الْـعـالَـمـيـنـا
يـا عِـبـادَاللّـهِ تـوبـوا   فَهْوَ كَهْفُ* التّائبينا
و اُطْلُبوا الدِّيكَ* يُؤَذِّنْ   لِصَلاةِ الصُّبْحِ فينا


فَذَهَبوا إلى الدِّيكِ، فقالَ :
بَلِّغوا* الثَّعْلَبَ عَنّي*   عَنْ جُدودي* الصَّالِحينا
عَنْ ذَوي* التِّيجانِ مِمَّن   دَخَلُوا الْبَطْنَ* اللَّعينا
إنَّهم قالوا وَ خَيْرُ الـ ...   قَولِ قَولُ الْعارِفينا* :
مُخْطِئٌ* مَنْ ظَنَّ* يوماً   أنَّ لِلثَّعْلَبِ دينا!
أحمد شوقي (بتصرّفٍ)



منجم

آیا در جهان آفرینش همه‌ی پدیده‌ها پیوسته، چهره‌ی ثابت و تغییرناپذیری دارند؟

آیا پدیده‌هایی از قبیل زمین، آسمان، ماه، خورشید و دریاها و اقیانوس‌ها هر روز به‌صورتی جدید در می‌آیند و تغییر محسوسی می‌کنند؟

حال به ظاهر درختان و گل‌ها دقت کنید!

به تغییر محسوس آن‌ها در فصول چهارگانه توجه کنید.

عالم کلمات

در جهان پر رمز و راز کلمات نیز گاهی با کلماتی مواجه می‌شویم که ظاهری ثابت و تغییرناپذیر دارند. و در همه‌ی شرایط شکل ظاهری خود را حفظ می‌کنند، و گاهی به کلماتی برمی‌خوریم که در شرایط مختلف، تغییراتی در چهره‌ی ظاهری آن‌ها پدید می‌آید.

معیار تغییر

در کلمات معیار تغییر، حرف آخر آن‌هاست.

در تابلوی زیر به کلمه‌ی «کتاب» و حرکت آن توجه کنیم :

﴿ذلك الْكتابُ لا ريْبَ فيه﴾

﴿و أنْزَلَ مَعَهمُ الْكتابَ بالْحقِّ﴾

﴿ما فَرَّطْنا في الْكِتابِ مِن شيءٍ﴾

نتیجه

برخی کلمات در زبان عربی با تغییر موقعیت در جمله، حرکت حرف آخرشان تغییر می‌کند و تعدادی نیز در همه‌ی موقعیت‌ها، حرکت حرف آخرشان ثابت می‌ماند!

همه چیز در حال تغییر و تحول است اما ...
تغییرات گاهی محسوس نیست و به ظاهر دیده نمی‌شود!

شناخت مفهوم دقیق هر جمله از راه کلماتی که حرکت حرف آخرشان تغییر کند، راحت‌تر است!
راستی! چرا؟!

نام‌گذاری

به کلماتی که حرکت حرف آخر آن‌ها با تغییر موقعیت تغییر کند، «مُعْرَب» گویند.

به کلماتی که حرکت حرف آخر آن‌ها در هر موقعیتی ثابت بماند، «مبنی» گویند.



- حرکت کدام حرف معیار تشخیص معرب و مبنی است؟
- به نظر شما مشتقاتی که تاکنون خوانده‌ایم جزءکلمات معرب هستند یا مبنی؟

مصطلحات

آیا با حرکت‌های «ضمّه»، «فتحه»، «کسره» و نیز «سکون» آشنا هستیم؟

آیا تفاوت حرکت آخر کلماتی مانند : «نَحْنُ»، «هو»، «هؤلاءِ» و نیز «اُکْتُبْ» را تشخیص می‌دهیم؟

نتیجه

کلمات مبنی را بر اساس حرکت آخر آن‌ها (حرکت حرف لام‌الفعل) چنین می‌نامیم :

مبنی بر فتح (هُوَ) مبنی بر ضم (نحنُ) مبنی بر کسر(هؤلاءِ) مبنی بر سکون (اُکْتُبْ)

أمّا

برای نام‌گذاری حرکات در آخر کلمات «معرب» از اصطلاحات دیگری استفاده می‌کنیم!

رفع — نصب — جر — جزم

اعراب آخر کلمات معرب دارای چهار حالت است!

رفع	و علامت آن ضمّه است ؛ مانند : الحسنةُ، حَسَنَةٌ
نصب	و علامت آن فتحه است ؛ مانند : الصادقَ، صادِقاً
جر	و علامت آن کسره است ؛ مانند : الاجتهادِ، اجتهادٍ
جزم	و علامت آن سکون است ؛ مانند : لا تَکْذِبْ

در زبان فارسی نیز گاهی حرکت حرف آخر کلمه تغییر می‌کند. به حرکت کلمه «گُل» در ترکیب «گُلِ سرخ» دقّت کنید!

نمی‌توانیم مدعی باشیم که عربی را یاد گرفته‌ایم در حالی که در خواندن دچار ضعف باشیم!

نتیجه

کلمات معرب را براساس حرکت آخر آن‌ها چنین می‌نامیم :

مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم.

کلمات معرب و مبنی

اسم	مبنی	ضمیر، اسم اشاره، موصول، استفهام
	معرب	بیشتر اسمها (به جز اسم‌های مبنی)
فعل	مبنی	ماضی، امر
	معرب	مضارع
حرف	مبنی	تمام حروف

نکته

در فعل مضارع دو صیغه‌ی جمع مؤنث نیز مبنی است!

کلمات مبنی که به الف ختم می‌شوند ؛ مانند :
عَلی، إلَی، حتّی ...
مبنی بر سکون هستند!

کلمات مبنی که به «یاء» ساکن ختم شوند، مانند :
في، اَلّذي، اَلّتي ...
مبنی بر سکون هستند!

از خود سؤال کنید:

- کلمات زبان عربی بیشتر معربند یا مبنی؟
- برای کدام یک از کلمات انتظار تغییر حرکت حرف آخر را ندارید؟
- آیا می‌دانید چرا یادگیری بحث معرب و مبنی مهم است؟



تمارين

التمرين الأول

اجعلِ ٱلْكلماتِ الَّتي تحتها خطٌّ في مكانٍ مناسبٍ مِنَ الجدول:

(الف):

١ــ اَلْعاقِلُ مَنْ وَعَظَتْهُ* التَّجارِبُ.

٢ــ هل يَنْجَحُ الَّذينَ لا يَدْرُسونَ؟

٣ــ هم وَجَدوا طريقةً لِحَلِّ هذه الْمشكلةِ.

٤ــ نحن دَرَسْنا و نَجَحْنا في الْاِمتحانِ.

(ب):

١ــ ﴿و جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شيءٍ حَيٍّ.﴾

٢ــ لا تَتَكاسَلْ فإنّ طريقَ الْعِزّ صَعْبٌ.

٣ــ هل يَعْتمِدُ* الْعاقلُ على ٱلجاهلِ؟

	المبني			
	على الضَّم	على الْفَتْح	على الْكَسر	على السُّكون
الاسم				
الفعل				
الحرف				

	المعرب			
	المرفوع	المنصوب	المجرور	المجزوم
الاسم				
الفعل				

التمرين الثاني

عَيِّنِ الْمعربَ و المبنيَّ مِن الأفعال الّتي أُشير إلَيها بخطٍّ:

في يومٍ مِن الأَيّام شاهَدَتْ ضِفْدَعَةٌ* بَقَرةً في الْمزرعةِ، فَتَعَجَّبَتْ مِنْ عَظَمَتِها.

فقالَت : أيَّتُها الْبقرةُ، كيف أصْبَحْتِ هكذا؟ أنا صغيرةٌ و أنتِ كبيرةٌ!



***

قالَتِ الْبَقَرةُ : إنّ اللّهَ خَلَقَنا هكذا.

و خَلَقَ كُلَّ موجودٍ على شَكْلٍ!

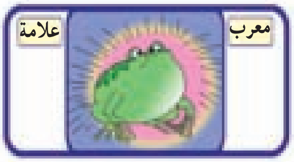


***

قالتِ الضِّفْدَعَةُ : سَأُصْبِحُ مثلَكِ. فَنَفَخَتْ* في نَفْسِها.

قالَتِ ٱلْبقرةُ : لا تَنفُخي. سوف تَنْفَجِرين.

خالَفَتِ* الضِّفْدَعَةُ وَٱستمرَّتْ*.





و بعد دقائقَ...

فَانْفَجَرَت الضِّفْدَعةُ وَ ماتَتْ!

التمرين الثالث

صِلْ كُلَّ كلمةٍ في العمودِ الأَوَّلِ بمايُناسِبُها مِن الْعمودِ الثَّاني:

كَيْفَ	موصولٌ خاصٌّ و مبنيٌّ على السُّكونِ.
أُدْرُسْ	فعل مضارع مرفوع و معرب.
هؤلاءِ	ضميرٌ منفصلٌ مرفوعٌ و مبنيٌّ على الْفتحِ.
هي	اسمُ استفهامٍ و مبنيٌّ على الْفَتْحِ.
اَلَّذي	فعلُ أمرٍ وَ مبنيٌّ على السُّكونِ.
يَعْلَمُ	اسمُ إشارةٍ وَ مبنيٌّ عَلَى الكَسْرِ.

التمرين الرابع

عَيِّنِ الصَّحيحَ في ترجَمةِ الْعباراتِ التاليةِ:

١ــ ﴿أُولئكَ الَّذينَ صَدَقوا و أُولئكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقرة / ١٧٧)

آنان كسانی‌اند كه راست گفتند و آنان همان پرهيزگارانند. ☐

اينان كه راست می‌گويند ؛ همان پرهيزگارانند. ☐

٢ــ ﴿فَاصْبِرْ على ما يَقولونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾ (طه / ١٣٠)

پس بر آنچه می‌گويند، بی‌تابی مكن، آنان به ستايش پروردگارت تسبيح گويند. ☐

پس بر آنچه می‌گويند، شكيبا باش، و به ستايش پروردگارت تسبيح گوی. ☐

٣ــ ﴿إنّي لِما أَنْزَلْتَ إليَّ من خيرٍ فقيرٌ﴾ (قصص/ ٢٤)

همانا من به آنچه از نيكی به سويم فرستی، نيازمندم. ☐

همانا من به آنچه نفرستادی از خوبی‌ها نيازمندم. ☐

کارگاه ترجمه



☐ در زبان فارسی، فعل معمولاً در آخر جمله قرار می‌گیرد، و حال آن‌که در عربی، فعل معمولاً ابتدای جمله می‌آید.

☐ در ترجمه‌ی اسم‌هایی که دارای تنوین هستند، گاهی «ی» (وحدت یا نکره) اضافه می‌کنیم :
کتابٌ : کتابی

ترجمه‌ی متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

مَهرُ الْبومةِ

تسْكُن بومةٌ في خَرِبَةٍ من خَراباتِ الْبَصرةِ. فقَصَدَتْ تَزْويجَ وَلَدِها بِإحْدَى بوماتِ الْمُوصِلِ. فَرَفَضتْ بومةُ الْموصِل و قالت : إنّ البصرة بَلْدَةٌ كبيرةٌ و مَعمورةٌ و وَلَدُك لايَقْدِرُ دفْعَ مَهْرِ بنتي و هو عَشَرَةُ بيوتٍ خَرِبَةٍ. فقالت بومةُ البصرةِ : نعم! هو الآنَ لا يَقْدِرُ دفْعَ هذا الْمَهرِ ولكن إذا بَقِيَتْ حكومةُ مولانا الحاكِمِ «حَفِظَهُ اللّٰهُ» لِمدّةِ سَنَةٍ، فأنا أَضْمَنُ لكِ أَلْفَ بيتٍ خَرِبٍ لِمَهْرِبنْتِكِ!

محبّت جغد

زندگی می‌کند جغدی در خرابه‌ای از خرابه‌های بصره. پس خواست که پسرش را به ازدواج یکی از دختران موصل در آورد. جغد موصل مخالفت کرد و گفت : همانا بصره سرزمین کوچک و آبادی است و تو نمی‌توانی مهر دختر مرا بپردازی. مهر دختر من ده خرابه است. گفت جغد بصره : بله، من الآن توانایی پرداخت این مهر را دارم، اما اگر حکومت سرور حاکم ما که «خداوند او را حفظ کند» برای دو سال دیگر باقی بماند، من تضمین می‌کنم برای مهر دخترت هزارخانه‌ی خراب را!

برای پیشرفت در زمینه‌ی ترجمه و هرچه بهترشدن ترجمه‌هایمان :

زیاد ترجمه کنیم .به هر عبارت و متنی که برخورد می‌کنیم، قلم به‌دست گیریم و شروع به برگرداندن متن به فارسی کنیم!

غلط‌ها و اشتباهاتی را که در ترجمه‌ی عبارت‌ها انجام می‌دهیم، یادداشت کنیم تا از تکرار آن‌ها جلوگیری کنیم!

علامت‌های سجاوندی را در ترجمه رعایت کنیم تا بر زیبایی ترجمه و قابلیت فهم آن بیفزاییم.

أضواء قرآنية

الف

در آیات زیر سه کلمه از یک ریشه هستند، آن‌ها را در مربع‌های خالی بنویسید و جاهای خالی را پرکنید :

۱ــ ﴿لا تُبْطِلوا صَدَقاتِکُم بِٱلمَنِّ والأَذی﴾ (بقرة / ۲۶۴)

ــ صدقه‌های خویش را با ... گذاشتن و آزاررساندن باطل نکنید.

۲ــ ﴿لَهُم أَجْرٌ غیرُ مَمْنونٍ﴾ (فُصِّلَت / ۸)

ــ برای آن‌ها پاداشی بی... است.

۳ــ ﴿قد مَنَّ اللّهُ علینا﴾ (یوسف/ ۹۰)

ــ خداوند بر ما ...نهاده است.

☐ ☐ ☐

ب

کدام جمله بیانگر مفهوم آیه‌ی زیر است؟

﴿لا تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلولَةً إلَی عُنُقِکَ و لا تَبْسُطْها کُلَّ الْبَسْطِ﴾

☐ اَلاِبتعادُ عن الإفْراطِ و التّفریط في الإنفاقِ

☐ عَدَمُ الْإسراف في الإنفاقِ

☐ عدمُ التَّحَسُّرِ علی الدُّنیا

☐ اَلاِبتعادُ عن التّکاسُلِ

***

☐ برای فهم بهتر قسمت «بیاموزیم» در کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، فهم بهتر مطالب کتاب عربی ضروری است!

☐ برخی قسمت‌های کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، همچون بحث ضمیر را با همین بحث در کتاب عربی مقایسه کنید.

☐ متون کتاب زبان فارسی ۱ و ۲ بر توانایی در زمینه‌ی ترجمه‌ی متون عربی به فارسی می‌افزاید.

☐ در مورد خدمات ایرانیان به زبان عربی در زمینه‌های صرف، نحو، بلاغت و لغت ... چه می‌دانیم؟

☐ در ماه‌نامه‌ی دیواری خود راجع به این شعر حافظ مطلبی بنویسید :

اگرچه عَرْضِ هنر پیش یار بی ادبی است
زبان خموش ولیکن دهان پر از عربی است

به نظر شما درس عربی با چه درس‌هایی ارتباط بیش‌تری دارد؟

کتاب‌های درسی در ارتباط با یک‌دیگر معنا پیدا می‌کنند!

عربی را آن‌گونه بخوانیم که ما را در فهم درس‌های دیگر کمک کند!

حُسنُ العاقبةِ



١ـ سعيد و بُرَيْر مِن أصحاب الإمامِ الْحسينِ (ع) في واقعة كربلاء.

٢ـ فيم : في + ما

٣ـ سُكونُ آخِرِ الْكلماتِ لِوزنِ الشّعر.



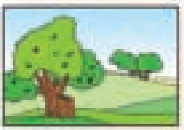
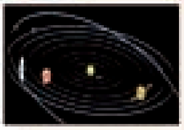
الإمام (ع) :
كُلُّكُمْ يَعْرِفُ أنّي طالبُ إصلاحَ أُمَّه أفْسَدَتْها الطّاغيهْ،* حَكَمَتْها باغِيَهْ*.
الحُرّ :
نَحْن عَطْشَى*، يَاْبنَ بنتِ المُصطَفى!
الإمام (ع) :
وَزِّعوا* الْماءَ عليهِم وعلينا بالتّساوي وغداً يَأْتي* الْفَرَجْ*.
الإمام(ع) :
حانَتِ الآنَ الصَّلاةُ، أتُصَلِّي* بِرجالِكَ؟
الحُرّ :
بل نُصَلّي كُلُّنا خَلْفَكَ يا سِبطَ* الرَّسولْ.
الحُرّ:
يا حسينُ بايِعْ* أنتَ أو تُسَلِّمْ*!
الامام (ع) :
أفلا أنتم بَعَثْتُم لي رَسائِلْ ... و صَرَخْتُم مِن مَظالِمْ* ... ؟!
بُرَير :
لَعْنَةُ اللّهِ على مَنْ رَوَّعَ* آلَ الرَّسولْ!
الامام(ع) :
ربِّ فَاشْهَدْ* : ... خَذَلونا*! كَذَّبونا! قد تَوكّلنا عَليكَ، ربِّ فَاشْهَدْ : ظَلَموا!
لمّا سَمعَ الْحُرُّ كلامَ الإمامِ (ع) أقْبَلَ* عَلى الْقومِ ...
الحرّ :
أتُقاتِلُ أنتَ هذا الرَّجلَ؟



١ــ مِن كتاب «الحسينُ ثائراً و شهيداً» لِلشّرقاوي بِتصرّفٍ و هو أحد الأُدباء الْمسلمين من إخْواننا أهلِ السُنَّةِ في مصرَ.

منجم



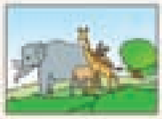
در جهان طبیعت هر روز و هر لحظه «فعل» ی در حال انجام گرفتن است.

آفرینش جز با «فعل» و حرکت معنا پیدا نمی کند. انسان‌ها و نباتات و جمادات همه و همه در تکاپوی حرکت به سوی مقصدی هستند.

جوهره‌ی طبیعت، «فعل» و کار و عمل است!

هریک از این فعل و انفعالاتی که در طبیعت شاهد آن هستیم، به‌وسیله‌ی یک «فاعل» انجام می گیرد. تحقق «فعل» ی بدون «فاعل» در طبیعت محال است.

به محیط اطراف خود نگاهی بیندازیم :


به‌آدم‌ها نگاه کنید...!

به آسمان، خورشید، درختان، کوه‌ها...

حیوانات، نباتات، جمادات ...

همه‌ی این‌ها «معلول»اند و «مفعول»!

جهان خلقت براساس نظام «علت» (فاعل) و «معلول» (مفعول) بنا شده است.

اگر «معلول» و «مفعول» نبود، عالم آفرینش شکل نمی گرفت و اثرات فاعل نمایان نمی گشت!

جلوه‌ی عالم و زیبایی آن به‌خاطر وجود و خلقت «مفعول»ها و «معلول»ها است!

عالم کلمات

زبان یکی از وسایل به‌تصویرکشیدن رویدادها و پدیده‌های عالم هستی است. هرآنچه در طبیعت رخ می‌دهد، زبان، آن‌را در قالب الفاظ و کلمات درمی‌آورد.

از این‌رو طبیعی است که دنیای کلمات نیز از مقوله‌ی «فعل» و «فاعل» جدا نباشد!

به‌راستی حرکت و «فعل» همه‌ی پدیده‌ها رو به سوی کدام هدف دارد؟

نتیجه

هر فعلی، فاعلی دارد. پدیدآمدن فعل، بدون فاعل، محال است!

همه چیز از روی حساب و کتاب است!
هر فعل، «فاعل»ی دارد!

فعل

آیا اقسام و حالات «فعل» را به خاطر می‌آورید؟

ماضی؟ ... مضارع؟ ... أمر...؟!

آیا می‌توانید در عبارت‌های زیر «فعل»ها را تشخیص دهید :

﴿اَلنَّجْمُ و الشَّجَرُ یَسْجُدانِ﴾

﴿کیف ضربوا لك الأَمثالَ﴾

﴿اِصْبِروا إنّ اللّهَ مَع الصّابرینَ﴾

دانستیم که

«فعل» همیشه همراه «فاعل» می‌آید.

امّا

راه تشخیص فاعل چیست؟

تشخیص از طریق معنا

مطمئن‌ترین راه برای یافتن فاعل در جمله، ترجمه‌ی عبارت و درک مفهوم جمله است!

تشخیص از طریق علامت

«فاعل» علامتی دارد که با دیدن آن به «فاعل» بودن کلمه یقین حاصل می‌کنیم.

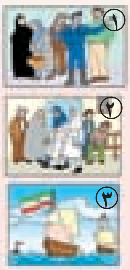


حال از خود سؤال کنید:

- ☐ در زبان فارسی «فاعل» جمله را چگونه تشخیص می‌دهیم؟ مثال بزنید.
- ☐ سؤال کردن با «چه چیزی» یا «چه کسی» چگونه ما را در یافتن فاعل کمک می‌کند؟ مثال بزنید.
- ☐ آیا در زبان عربی هم می‌توانیم از چنین روشی استفاده کنیم؟

آیا با انجام یک «مسابقه‌ی سرعت» موافقید؟! کلاس را به دو گروه تقسیم کنیم و کلماتی را مطرح کنیم و نوع آن‌ها را به مسابقه بگذاریم!

به تصاویر روبرو نگاه کنیم :



به راستی!

اگر در خیابان حادثه‌ای رخ دهد، در میان آدم‌های موجود در تصویر شماره‌ی ۱ به چه کسی مراجعه می‌کنیم؟

به تصاویر شماره‌ی ۲ و ۳ نگاه کنیم!

آیا اگر علامتی همراه اشخاص و اشیا نبود، آیا می‌توانستیم مطلوب خود را به‌آسانی بیابیم؟

در عالم طبیعت «علامت» ها راهنمایِ جویندگان و سائلان هستند!

در عالم کلمات چطور؟!

«فعل» را که شناختیم، کارها آسان می‌شود. با شناخت فعل، فاعل را نیز می‌توان شناخت!

نتیجه

پس از یافتن فاعل از طریق معنا، به اعراب کلمه نگاه کنیم، آیا علامت مورد نظر را دارد؟!

علامت فاعل

اعراب فاعل «رفع» است!

نام‌گذاری

هرگاه فعل در آغاز جمله بیاید، به آن «جمله‌ی فعلیه» می‌گوییم!

جایگاه

به تابلوی روبه‌رونگاه کنیم :

✓ هریک از جمله‌ها با کدام‌یک از اقسام کلمه شروع شده‌اند؟

✓ آیا از طریق معنای عبارت، «فاعل» را می‌توانید پیدا کنید؟

✓ جایگاه «فاعل» پس از «فعل» است یا قبل از آن؟

﴿و خَلَقَ اللّهُ السَّماواتِ والأرضَ بِالْحَقِّ﴾

﴿يَخْرُجُ منهما اللؤْلؤُ و ...﴾

نکته «فاعل» در جملات عربی، پس از «فعل» می‌آید!

کاربرد

یادآوری

آیا اسم‌های مذکر و مؤنث را به خاطر می‌آورید؟ علامت مؤنث بودن اسم، کدام است؟

با دانستن مطالب فوق، اکنون به مطالب زیر توجه کنید :

مطابقت



✓ فعل از لحاظ مذکّر ومؤنث‌بودن، تابع فاعل خود می‌باشد ؛ مانند :

مذکّر : يَدْخُلُ المؤمنُ الْجَنَّةَ.

مؤنث : تَدْخُلُ الْمؤمنةُ الْجَنَّةَ.

اول درک مفهوم عبارت سپس کمک گرفتن از علامت!

ارتباط

آیا تقسیم فعل به غائب و مخاطب و متکلّم را به‌خاطر می‌آورید؟

آیا ضمایر متصل به فعل را می‌شناسید؟

ضمایر متصل فعل‌های ماضی و مضارع در صیغه‌های غائب کدام است؟

ضمایر متصل فعل‌های ماضی و مضارع و امر در صیغه‌های مخاطب کدام است؟

برای ترجمه‌ی صحیح عبارت‌ها دانستن دو نکته لازم است :

۱ــ معنای واژه‌ها

۲ــ قواعد مورد نیاز

به کاربرد فاعل همراه صیغه‌های غایب توجه کنید :

نَجَحَ الْمؤمنُ.	نجحت الْمؤمنةُ.
نجح الْمؤمنانِ.	نجحت الْمؤمنتانِ.
نجح الْمؤمنونَ.	نجحت الْمؤمناتُ.

آیا فعل‌ها در جمله‌های مختلف تغییری کرده‌اند؟

آیا فعل‌ها همراه فاعل آمده‌اند؟

آیا فاعل به‌صورت اسم ظاهر آمده است؟

نتیجه

در صیغه‌های غایب هرگاه فاعل به‌صورت اسم ظاهر بیاید، فعل به‌صورت مفرد می‌آید.

حال به مثال‌های زیر توجه کنیم :

اَلمؤمنُ نجَح.	هو	اَلمؤمنةُ نجَحتْ.	هي
اَلمؤمنانِ نجَحا.	ا	اَلمؤمنتانِ نجَحَتا.	ا
اَلمؤمنونَ نجَحوا.	و	اَلمؤمناتُ نجَحْنَ.	ن

نتیجه

هرگاه فاعل به‌صورت اسم ظاهر نیامده باشد، فعل همراه ضمیری می‌آید که همان ضمیر، فاعل است.

بیشتر جمله‌ها در زبان عربی به صورت جمله‌ی فعلیه است!

توجه

در صیغه‌های مخاطب و متکلم ــ همانند همه‌ی زبان‌ها ــ فاعل به‌صورت «ضمیر» می‌آید ؛ مانند :

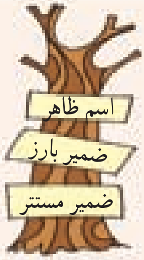
أكتُبُ (أنا) ــ تكتبونَ (و) ــ تكتُبين (ی) و ...

قبل از فعل به دنبال «فاعل» نگردیم! اول فعل، سپس فاعل!

بنابراین

فاعل در جمله به سه صورت می‌آید :

أنواع:



﴿إنّما يَتَقبَّلُ اللّهُ مِنَ الْمُتَّقينَ﴾

﴿اِعْمَلوا آلَ داوُدَ شُكراً﴾

كَلِّم (أنتَ)النّاسَ على قَدْرِ عُقولِهِم.

از خود سؤال کنید:



۱ــ آیا در زبان فارسی میان فعل و فاعل مطابقت صورت می‌گیرد؟

۲ــ جمله‌ی «دانش‌آموزان نشستند» را به دو صورت به عربی برگردانید.

۳ــ در صیغه‌های «أَکْتُبْ »، «أَکْتُبُ» و «نَکْتُبُ» فاعل را مشخص کنید.

۴ــ در فعل‌های فوق آیا فاعل می‌تواند ظاهر شود؟

***



ارتباط جهان طبیعت و عالم کلمات، تداعی‌کننده‌ی این معنا نیز هست که وجود مفعول در عالم کلمات نیز امری گریزناپذیر است!

در عالم کلمات نیز «مفعول» نشان از تأثیر «فعل» می‌کند و وجود «مفعول» حکایت از سرایت و نفوذ اثر فعل به کلمه‌ای دیگر و پدیده‌ای دیگر دارد.

أمّا...!!

آیا «فعل»ها و «نیرو»ها یا «قوّه»ها به یک اندازه است؟

مثلاً تأثیر فعل‌هایی مانند : «نشستن» و «نشاندن»، «خوش‌حال‌شدن» و «خوش‌حال‌کردن»، «خندیدن» و «خنداندن» و ... به یک اندازه است؟

آیا تمامی افعال ناچارند اثر خود را در پدیده یا شیء دیگری نشان دهند؟

آیا مبحث «فاعل» و «مفعول» در همه‌ی زبان‌ها وجود دارد؟

آیا می‌توانید چند فعل در زبان فارسی نام ببرید که علاوه‌بر فاعل، نیاز به کلمه‌ای دیگر دارند تا تأثیر خود را روی آن نشان دهند؟

حال اگر پاسخ سؤالات فوق را به‌خوبی دریافتید، باید بدانیم که :

نام‌گذاری

به فعل‌هایی که معنای آن‌ها با فاعل کامل می‌شود، «لازم» می‌گوییم.

به فعل‌هایی که علاوه‌بر فاعل، به مفعول نیز نیاز داشته باشد «متعدی» می‌گوییم.

مطابقت میان فعل و فاعل از نکات بسیار مهم است! با تمرین و تکرار این موضوع را برای خود ملکه بسازیم!

مسابقه را فراموش نکنیم! تشخیص فاعل، انواع فعل و جمله‌سازی، مسابقاتی است که می‌توان دقایقی از وقت کلاس را به آن اختصاص داد!

تشخیص

✓ در زبان فارسی مفعول را چگونه تشخیص می‌دهیم؟

✓ آیا درک مفهوم عبارت ، کمکی در این زمینه می‌کند؟

✓ آیا مفعول در زبان فارسی دارای علامتی هست؟

حال به آیات تابلوی زیر توجه کنید :

﴿يَضْرِبُ اللّهُ الأَمْثالَ﴾

﴿واسْألوا اللّهَ﴾

﴿قَدْ أَنْزَلَ اللّهُ إِلَيْكُم ذِكْراً﴾

در زبان عربی مفعول را چگونه تشخیص می‌دهیم؟

۱ــ تشخیص از راه معنا ۲ــ تشخیص از راه علامت

قدم نخست برای تشخیص مفعول‌به همچون سایر نقش‌ها، فهم معنای عبارت است. در زبان عربی« مفعول‌به » نیز دارای علامتی است که به‌وسیله‌ی آن می‌توان مطمئن شد که تشخیص ما صحیح بوده و کلمه‌ی مورد نظر «مفعول‌به» است.

علامت اختصاصی مفعول‌به معمولاً فتحه (ـَـً) است، یعنی «مفعول‌به» پیوسته منصوب می‌باشد.

جایگاه

«مفعول‌به» معمولاً بعد از فاعل می‌آید.

نکته

ضمایر منفصل منصوب (إيّاكَ و ...) و نیز ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه، هرگاه با فعل بیایند، غالباً مفعول‌به هستند.

درک معنا و مفهوم جمله برای ما مطمئن‌ترین راه برای تشخیص نقش کلمات است!

فرق میان معنای «نَصَرَه» و «نَصْرُه» چیست؟

جار و مجرور

به تابلوی روبه‌رو توجه کنید :

﴿لا تَقْنَطوا مِن رحْمةِ اللّهِ﴾

﴿يَدْخُلون في دينِ اللّهِ أفْواجاً﴾

آیا اثر فعل «قُنوط» به کلمه‌ی «رحمة» سرایت کرده است؟

آیا این سرایت به واسطه‌ی کلمه‌ی دیگری اتفاق افتاده و یا آن که مستقیماً صورت گرفته است؟

در همه‌ی زبان‌ها کلماتی این چنین را از مقوله‌ی «مفعول»ها و یا «متمّم»ها به‌شمار می‌آورند.
در زبان عربی نیز این چنین است!

أمّا...

چون این کلمه همراه واسطه‌ای ذکر می‌شود، به آن مفعول‌به گفته نمی‌شود.

حال به تابلوی روبه‌رو نگاه کنیم :

﴿لا تَقْنَطوا مِن رحْمةِ اللّهِ﴾ ﴿يَدْخُلون في دينِ اللّهِ أفْواجاً﴾

﴿بسمِ اللّهِ الرّحمنِ الرّحيمِ﴾ ﴿الحمدُلِلّهِ﴾

﴿ليس كَمِثْلِه شيءٌ﴾

نام‌گذاری

به حروفی از قبیل «مِن» (از)، «في» (در)، «إلی» (به، به‌سوی)، «لِـ» (برای)، «علی» (بر، رویِ)، «بِـ» (با)، «کَ» (مانند)، «عن» (از) «حرف جر» و به اسم پس از آن‌ها «مجرور» و به هردو «جار و مجرور» می‌گوییم.

نکته حروف جر تنها قبل از اسم می‌آیند!

مسابقه را فراموش نکنیم!
تشخیص ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه را به مسابقه بگذاریم!

تشخیص آسان شد!
کلمه‌ای مفعول به است که قبل از آن واسطه‌ای نیامده باشد!

از خود سؤال کنید:

ـ فرق معنایی و نقش کلمه‌ی الطالب در دو جمله‌ی «ذَهَبَ الطّالبُ» و «رأيتُ الطّالبَ» چیست؟
ـ آیا می‌توان گفت که یکی از نشانه‌های اسم بودن، وجود حروف جر قبل از آن است؟
ـ چرا فعل‌های لازم به مفعول نیاز ندارند؟
ـ آیا مفعول‌به در آغاز جمله نیز قرار می‌گیرد؟



تمارين

التمرين الأول

عيّن الصَّحيحَ أو الْخطأَ في العباراتِ التاليةِ:

١ــ قَصد الإمامُ (ع) بِحرَكَته، إصْلاحَ أُمّةِ رسولِ اللّه (ص).	
٢ــ إنَّ اللّهَ قد قَبِلَ توبَةَ «حُرٍّ».	
٣ــ وَصَلت قافِلَةُ الإمامِ (ع) إلى الكوفَةِ.	
٤ــ ما أرْسَل أهلُ الكوفةِ الرّسائلَ لِدَعوةِ الإمام (ع).	

التمرين الثاني

تَرْجِم النّصَّ إلَى الفارسيّةِ و عَيِّن الفاعلَ و نوعَه و المفعولَ به:

سافَرَ شَخص إلى بِلادٍ كثيرةٍ و شاهد أنواعاً مختلفَةً مِن الْحياةِ.
فسألَه أَحد أصْدقائه :
لَقد رأيت مُدُنَ* الْعالَمِ و أَشكالاً مختلفةً مِن الْحياة خِلالَ سفرِكَ،
فَما أَجْمَلُ شيءٍ رأيتَه؟
أجابَ : هو وطنيِ الّذي تَولَّدت فَوقَ أرضِه و تَنَعَّمتُ* بخيراته وَ
تربَّيْتُ* بِثَقافَتِه*!

الفعل	الفاعل و نوعه	المفعول به

التمرين الثالث

أكْمِل الفراغَ بالصيغةِ المناسبةِ:

١ــ ... الْعَمَلُ الصّالحُ دَرَجَةَ الإنسانِ. (يَـرفَعُ، تَـرْفَعُ، يَـرْفَعانِ)

٢ــ اَلْعملُ الصّالحُ ... درجةَ الإنسانِ. (يَـرْفع، تَـرْفع، يَـرْفَعانِ)

٣ــ اَلْعلْمُ والإيمانُ... الإنسانَ إلى اللّهِ. (تُقرِّبانِ، يُقرِّبانِ، يُقرِّبُ)

٤ــ ... الْعلمُ والإيمانُ الإنسانَ إلى اللّهِ. (يُقرِّبانِ، تُقرِّبُ، يُقرِّبُ)

٥ــ اَلمؤمنونَ ... ولا يَكْذِبون أبداً. (يَصْدُقونَ، يَصْدُقُ، يصدقانِ)

٦ــ ... المؤمنونَ و لا يَكْذِبون أبداً. (يصدقُ، يصدقونَ، يصدقانِ)

٧ــ اَلْأُمَّهاتُ ... أنْفُسَهُنَّ في تربية الأَولادِ. (تُتعِبْنَ، يُتْعِبْنَ، تُتْعِبُ)

٨ــ ... الأُمَّهاتُ أنْفُسَهُنَّ في تربيةِ الأَولادِ. (تُتْعِبْنَ، يُتْعِبْنَ، تُتْعِبُ)

التمرين الرابع

تَرْجِم إلى الْفارسيّةِ بعبارات مألوفةٍ:

١ــ ﴿رَبَّنا أفرِغْ علينا صبراً وَ ثَبِّتْ أقدامنا وانصُرنا على القوم الكافرين﴾

٢ــ ﴿هَلْ يَسْتَوي* الّذينَ يَعْلَمونَ و الَّذينَ لا يَعْلَمونَ﴾

٣ــ إذا تَمَّ* العَقْلُ نَقَصَ الكَلامُ.

٤ــ مَنْ عَذُبَ* لِسانُه كَثُرَ إخْوانُه*.

٥ــ خَيْرُ الْكَلامِ ما قَلَّ وَ دَلَّ.

٦ ــ صَديقُكَ مَنْ صَدَقَكَ لا مَنْ صَدَّقَكَ*.

التمرين الخامس

صَحّح الأخطاءَ في الإعرابِ والتَّحليل الصَّرفيّ:

يَنْجَحُ الصّادِق وَ يَفْشَلُ الكاذِب.

ينجح : فعلُ أمرٍ، للغائبِ، مزيد ثلاثيّ، مبنيّ/فعل مرفوع و فاعله «الصادق» والجملة اسميّةٌ.

الصادق : اسم، جمعٌ، مذكّر، مشتق و اسم مفعول، معرب/فاعل و منصوب

و : حرف، مبنيٌّ على الْفتحِ.

يفشل : فعل مضارع، للغائبة، مجرد ثلاثيّ، معرب/فعل منصوب و فاعله «الكاذب» والجملة فعلية.

الكاذب : اسم، مفرد، مؤنّث، جامدٌ، معرب / فاعل و مجرور.

التمرينُ السادس

إملأ الْجدولَ من كلماتِ العباراتِ التاليةِ:

١ــ يُبَشِّرُ اللّٰهُ الْمؤمِنَ برحمتِه.

٢ــ يا موسى ﴿... أَخْرِجْ قومَكَ مِن الظُّلُماتِ إلى النّورِ﴾

٣ــ ﴿واذْكُروا نِعْمَةَ اللّهِ عليكُم...﴾

٤ــ اَلْحَسَنَةُ تُذهِبُ* السَّيِّئَةَ.

انواع فاعل	اسم ظاهر	
	ضمير بارز	
	ضمير مستتر	
مفعول‌به ــ جار و مجرور	مفعول‌به	
	جار و مجرور	

التَّعريبُ

«تَعريب» یعنی ترجمه کردن به زبان عربی، خواه از زبان فارسی باشد یا از زبان‌های دیگر.

«تعریب» به ما کمک می‌کند که :

١ــ با ترتیب اجزای جمله در زبان عربی بیش‌تر آشنا شویم.

٢ــ توانایی «جمله‌سازی» به این زبان را در خود تقویت کنیم.

٣ــ برای فهم بهتر مطالب تمرین کنیم.

٤ــ افکار و اندیشه‌های خود را به عربی بیان کنیم.

التمرينُ السابع

عَرِّب* العباراتِ التاليةَ:

١ــ علم، انسان را به خداوند نزدیک می‌کند.

٢ــ وقت نماز رسیده است، الآن می‌رویم و نماز می‌خوانیم.

٣ــ آن‌ها نور حق را ندیدند و از حقیقت دور شدند.



کارگاه ترجمه

☐ اسم پس از فعل همیشه فاعل نیست. فاعل گاهی در داخل فعل به‌صورت مستتر قرار می‌گیرد.

☐ فعل گاهی در آغاز جمله به‌صورت مفرد می‌آید و حال آن‌که فاعل آن به‌صورت جمع است. در این صورت، فعل را به صیغه‌ی جمع ترجمه می‌کنیم : کتب الطّلّاب : دانش‌آموزان نوشتند.

☐ جایگاه مفعول معمولاً پس از فاعل است. اما در همه جای جمله می‌تواند قرار گیرد. بدین جهت توجه به مفهوم عبارت راهگشای یافتن مفعول یک فعل است.

☐ ضمایر منفصل نصبی هرگاه در آغاز جمله به کار روند، در ترجمه‌ی آن‌ها، کلماتی از قبیل «تنها»، «فقط» و ... را اضافه می‌کنیم.

ترجمه‌ی متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

طریقُ تعلیمِ الْعلْمِ

سَجَن فِرعونُ عالِمَ الْهَنْدَسَةِ «أُقْلیدُسَ». في یَومٍ مِنَ الأَیّامِ قال فرعونُ : أَقَبِلْتَ کلامي؟ قال : لا ... أنتَ تطلبُ شیئاً مُسْتَحیلًا! صَرَخَ فرعونُ : لا ... لا ... عَلِّمْني الْهَندسةَ في ثلاثةِ أیّامٍ فقطْ! أفَهِمْتَ؟! اِبْتسمَ أُقلیدسُ و قال : یا فرعونُ! طریقُ الْملوكِ مَحْفوفٌ بالأَزْهارِ و طریقُ الْعلمِ مَحْفوفٌ بِالْمَصاعِبِ و الْمشکلاتِ! سَمِع فرعونُ کلامَ أُقلیدسَ و صرَخ : اِرْجِعْ إلی السِّجْنِ. بَقي أُقلیدسُ في السِّجْنِ و ما غَیَّرَ نَظْرَتَه. بعد أیّامٍ فتَح السَّجّانُ بابَ السِّجْنِ فوَجَد أُقْلیدسَ مَیّتاً و بِجانِبه ورقةٌ : «لیس أُسْلوبٌ مَلَکيٌّ لِتعلیمِ الْهَندسةِ»!

راه آموزش علم

عالم هندسه اقلیدس، فرعون را زندانی کرد. روزی از روزها فرعون گفت : آیا سخن مرا قبول می‌کنی؟ گفت : نه ... تو چیز غیرممکنی را می‌خواهی؟ فرعون فریاد را بلند کرد : نه ... نه ... فقط در سه روز به من هندسه یاد بده! آیا فهمیدی؟! اقلیدس لبخندی را زد و گفت : ای فرعون! راه پادشاه با گُل‌ها پوشیده شده و راه علم با سختی‌ها و مشکلات! فرعون فریاد زد : به زندان برو! اقلیدس در زندان ماند و عقیده‌اش عوض شد.

پس از چند روز زندان‌بان درِ زندان را کمی باز کرد و اقلیدس را بیمار یافت و در کنارش ورقه‌ی کاغذی بود : برای آموزش هندسه، راه و روش ملوکانه وجود ندارد!

فرهنگ لغت از ضروری‌ترین ابزارهای یک مترجم است.

آشنایی با ساختار جملات عربی و نیز چگونگی ساختار جملات فارسی از نکات اساسی در زمینه‌ی ترجمه است.

شناخت و فهم قواعد، بستر مناسب برای ترجمه‌ی صحیح است.

دانستن زبان مقصد (زبان فارسی) و توانایی نوشتن به این زبان از ضروریات غیرقابل انکار در ترجمه است.

الف

در کدام آیه ازمشتقات «غَفَرَ» به‌کار نرفته است؟

☐ ۱ــ ﴿وَ ٱستَغْفِرِ اللّهَ إنّ اللّهَ كان غفوراً رحيماً﴾ (نساء/ ۱۰۶)

ــ و از خدا آمرزش بخواه که او آمرزنده و مهربان است.

☐ ۲ــ ﴿و مااللّهُ بِغافِلٍ عمّا تَعملونَ﴾ (بقرة/ ۷۴)

ــ و خدا از آنچه می‌کنید، غافل نیست.

☐ ۳ــ ﴿و أنا أدْعوكُم إلى الْعزيزِ الْغَفّارِ﴾ (غافر/ ۴۲)

ــ و من شما را به خدای توانای بی‌همتا و آمرزنده دعوت می‌کنم.

ب

پیام آیه‌ی شریفه‌ی «أتأْمُرونَ النّاسَ بِٱلبِرِّ و تَنسَون أنْفُسَكُم» کدام است؟

☐ باید امر به معروف کرد.

☐ لزوم نهی از منکر را نباید فراموش کرد.

☐ انسان باید به علم خود عمل کند.

☐ انسان باید خود نیکوکار باشد سپس دیگران را به کار نیک سفارش کند.

***

في رحاب نهج البلاغة

«صفةُ المؤمنِ»

اَلْمؤمنُ بِشْرُه في وَجْهِه و حُزنُه في قلبِهِ ...   يَكْرَهُ الـرِّفْعَة[1] ...

شكورٌ صبورٌ، مَغْمورٌ بِفكْرَتِه[2].

تَـرْجِم العباراتِ إلى الْفارسيّةِ :

«الحِكَم ۳۳۳»

۱ــ الرفعَة : خودبزرگ‌بینی

۲ــ مَغْمورٌ بفكرتِه : غرق اندیشه‌های خویش است

پیرامون هریک از مسایل زیر مطالبی را در ماهنامه‌ی دیواری بنویسیم و یا دقایقی از وقت کلاس را به آن اختصاص دهیم :

- ✓ زبان عربی کلید فهم اسلام است.
- ✓ امامان و بزرگان دین بر یادگیری زبان عربی تأکید کرده‌اند.
- ✓ عالمان و دانشمندان اسلامی، کتاب‌های بسیاری در تمامی زمینه‌های علمی به عربی نگاشته‌اند.
- ✓ زبان عربی یکی از زبان‌های زنده و بین‌المللی است.
- ✓ زبان عربی زبان مشترک امت اسلامی است.
- ✓ درک اسرار پیام الهی و گفته‌ها و سخنان پیشوایان دین، فقط با یادگیری زبان قرآن میسر است.
- ✓ درک شیرینی زبان و ادبیات فارسی بدون دانستن زبان عربی میسر نیست.
- ✓ زبان عربی پیونددهنده‌ی نسل کنونی با گذشته‌ی پربار تمدن اسلامی است.

اهتمام به زبان قرآن، اهتمام به فرهنگ ایرانی است!

زبان عربی فصیح همان زبان قرآن است.

برای فهم بهتر زبان قرآن تلاش کنیم بیان مطالب به این زبان را تمرین کنیم!

ضرورت آموزش زبان عربی برخاسته از نیاز فرهنگی جامعه‌ی ما است!

... فيهِ شِفاءٌ لِلنّاسِ!



اَللّهُ أنْزَلَ الْقرآنَ لِسَعادةِ الْبَشَرِ.

و فيه مايَضْمَنُ* سلامَةَ روحِه و جِسْمِه.

الأُمَّةُ الإسلاميّةُ لا تَتَقَدَّمُ* إلّا بِشَعْبٍ* سليمٍ بَعيدٍ عَن الأَمراضِ الْفكريّةِ و النَّفْسيَّةِ و الْجسميَّةِ.

والقرآنُ مِنْهاجٌ* لِسَعادةِ الإنسانِ و عقيدةٌ لِلْحياةِ.

و في بعضِ آياتِه

يُشَجِّعُ * الْقرآنُ النّاسَ عَلى الاِسْتفادةِ من الطَّيِّباتِ الَّتي تَضْمَنُ سلامةَ الأَبْدانِ و تُسَبِّبُ* نَشاطَ الأُمَّةِ و تَقَدُّمَها.

***



﴿و جَنّاتٌ مِنْ أعنابٍ ...﴾

اَلْعِنَبُ مِنْ أغْنَى* العناصِرِبالسُّكَّرِيّاتِ*.

و هي المادَّةُ الأَساسيّةُ لِإيجادِ الطّاقَةِ* في الجِسْمِ.



﴿والتِّينِ* و ...﴾

اَلْقيمةُ*الغِذائيَّةُ لِهذه الثّمرةِ

عاليةٌ جِدّاً و فيها مَوادٌّ مختلفةٌ

كالْأملاحِ* مِنَ الْفوسفورِ والْحديدِ و الْكالسيومِ.



﴿فيهما فاكِهةٌ و ... رُمّانٌ﴾

اَلرُّمّانُ غَنيٌّ بعُنْصرِالْحَديدِ. و هو

ضَروريٌّ لِتكْوينِ الْكُرَياتِ* الْحَمراءِ.



﴿... رُطَباً جَنيّاً*﴾

هو أحدُ ملوك الْفواكِه الثّلاثةِ :

اَلْعِنَبِ و التِّينِ و الرُّطَبِ.*

اَلرُّطَبُ مع قَدَحٍ* مِنَ اللَّبَنِ*

غِذاءٌ كامِلٌ.



﴿... شجَرةٍ مُبارَكةٍ زَيْتونةٍ ...﴾

كُلُّ ما في شجرةِ الزَّيْتونِ

ـ من وَرَقٍ وَ ثَمَرٍ وَ زَيْتٍ*ـ

يَنْفَعُ النّاسَ.



﴿... و بَصَلِها ...﴾

اَلأَطبّاءُ يَسْتَعْمِلونَ الْبَصَلَ * في عِلاجِ بعضِ الأَمراضِ و هو مفيدٌ لِتَطْهيرِ* الْفَمِ مِنَ الْجراثيمِ*.



﴿... لَبَناً خالِصاً ...﴾

اَللَّبَنُ*غِذاءٌ كاملٌ و علماءُ التَّغذيةِ يَعْتَبِرونَه* أفْضَلَ الْموادِّ الغِذائيّةِ.



﴿... و عَدَسِها ...﴾

هو غذاءٌ سهلُ الْهَضْمِ غنيٌّ بالبُروتينِ.



﴿... و فومِها* ...﴾

ذَكَرَ الأَطبّاءُ لِلثُّومِ* أربعينَ فائدةً طِبيَّةً.



﴿... فيه شِفاءٌ لِلنّاسِ﴾

في الْعَسَلِ سَبْعونَ مادّةً مختلفةً مفيدةً و هو مُبيدٌ* لِلْجَراثيمِ.



﴿... لَحْماً طَرِيّاً*﴾

السَّمكُ منَ الأَطْعِمَةِ الْمفيدةِ لِأَمْراضِ الْقَلْبِ.

و فيه عنصرُ الفوسفورِ و فيه منافعُ لِلنّاسِ.

منجم







پدیده‌های طبیعی هریک با آمدن خود «خبر»ی را به ارمغان می‌آورند!

باران حکایت از سرسبزی و نشاط و آبادانی است وخورشید با خود پیام حیات و کار و تلاش را دارد و سفیدشدن طبیعت، به‌خواب رفتن درختان و تجدید قوای مادر طبیعت را حکایت می‌کند!

در جهان خلقت پدیده‌ای خودنمایی نمی‌کند، جز آن که حامل «خبر»ها و حکایت‌ها است! و بدین‌گونه است که اسرار طبیعت خود را عیان می‌کند و در منظر چشم‌ها قرار می‌گیرد! آیا پدیده‌ای را سراغ دارید که با خود «خبر»ی را نداشته باشد؟!

عالم کلمات

جهان کلمات، جهانی سرشار از روح و حیات است. این‌جا نیز گویی روح و احساس و خلاقیت حکم‌فرما است! در این جا نیز کلماتی پدیدار می‌شوند و با خود «خبر»ی را حکایت می‌کنند. کلمات حاملان و دربردارندگان «اخبار»ند!

نمونه‌ها

حال در تابلوی زیر به کلمات «ابتدا»یِ عبارت‌ها و نیز کلمه‌های «خبر» رسان دقت کنیم :

﴿اَللّٰهُ الصَّمدُ﴾

﴿واللّٰهُ یَشْهَدُ﴾

﴿اَلحمدُ لِلّٰهِ﴾

﴿واللّٰهُ علی کلِّ شيءٍ شهیدٌ﴾

همه‌ی پدیده‌ها برای آدم‌ها «خبر»هایی به‌همراه دارند! گیرنده‌هایمان را تقویت کنیم!

خش‌خش برگهای پاییزی، رویش گیاهان، حرکت یک مورچه، پیرمردی کوژپشت، طفلی گریان ... همه و همه برای ما آدم‌ها «خبر» دارند!

نام‌گذاری

- ✓ جمله‌هایی که با «اسم» شروع می‌شوند، «جمله‌ی اسمیه» نامیده می‌شوند.
- ✓ به «اسمی» که در آغاز جمله‌ی اسمیه می‌آید، «مبتدأ» (مبتدا) می‌گوییم.
- ✓ به کلمه یا کلماتی که پس از مبتدا می‌آیند و معنای مبتدا را کامل می‌کنند، «خبر» می‌گوییم.

نکته دانستیم که ارتباط میان فعل و فاعل، ارتباطی ناگسستنی و جداناشدنی است. فعل بدون فاعل قابل تصور نیست!

أمّا ...

در زبان فارسی تفاوتی میان «دانش‌آموز آمد»، و «آمد دانش‌آموز» از جهت فاعل جمله وجود ندارد. در هر دو جمله «دانش‌آموز» «فاعل» است! اما در زبان عربی درصورتی که فاعل بر فعل مقدم شود، دیگر به آن فاعل گفته نمی‌شود، بلکه نام جدیدی به خود می‌گیرد : **مُبْتَدا**

جاءالطّالبُ : فعل و فاعل

اَلطّالبُ جاء : مبتدا و خبر



۱ــ جمله‌ای که با فعل شروع می‌شود، چه نام دارد؟ مثال بزنید.

۲ــ آیا «فعل» می‌تواند «مبتدا» واقع شود؟

۳ــ کلمه‌ی «مبتدا» چه نوع مشتقی است و به چه معناست؟



اعراب «مبتدا»، «رفع» است و مبتدا «مرفوع»!

«خبر» نیز همانند مبتدا، «مرفوع» است!

برای یافتن «خبر»، پی‌بردن به مفهوم عبارت راهگشاست. ترجمه و درک معنای جمله، «خبر» را مشخص می‌کند!

به نظر شما در جمله‌ی اَلإخلاصُ في الْعملِ مَحمودٌ. «خبر» کدام است؟

یک بار دیگر به تابلوی آیات نگاه کنیم :

☐ آیا در همه‌ی عبارت‌ها مبتدا را تشخیص می‌دهیم؟

☐ آیا «خبرِ» مبتدا را در همه‌ی عبارت‌ها تشخیص می‌دهیم؟

☐ آیا می‌توانید بگویید که «خبر»ها به چند صورت آمده‌اند؟

مبتدا، مانند هر نقش دیگری به دو طریق شناخته می‌شود :
۱ــ ...؟
۲ــ ...؟

مهم برای ما درک دقیق معنای عبارت است!
همه چیز در خدمت درک مفهوم عبارت!

خبر غالباً به یکی از سه صورت زیر می‌آید :

۱	**مفرد**	مانند :	اَلْمؤمنُ صبورٌ.	اَلمؤمنونَ صادقونَ .	اَلْمؤمناتُ صابراتٌ.
۲	**جمله‌ی فعلیه**	مانند :	اَلْمسلمُ یَصْدُقُ.	المؤمنةُ تَصْدُقُ.	اَلْمُجِدُّ نَجَحَ.
۳	**جار و مجرور**	مانند :	اَلنَّجاةُ في الصِّدقِ.	اَلإیمانُ بِالْعملِ .	اَلْعَفافُ مِنَ الإیمانِ.

به عبارات تابلوی روبرو توجه کنیم :

اَلإنسانُ عَبْدُ الْإحسانِ.

أنتَ مسؤولٌ عن عَمَلكَ.

اَلغریقُ یَتَشَبَّثُ* بِکُلِّ حَشیشَةٍ*.

اَلنّجاحُ في الْاِجتهادِ لا في التّکاسُلِ.

☐ کلمه‌های ابتدای جمله‌ها کدام یک از اقسام کلمه هستند؟

☐ آیا علامت رفع را در «مبتدا» و «خبر» ملاحظه می کنید؟

☐ «ضمایر» و «اسم‌های اشاره» معرب هستند یا مبنی؟

☐ «جمله» و «جار و مجرور» چطور؟

این نکته را به‌خاطر بسپاریم

✓ اعراب کلمات **مبنی** (ضمایر، اشاره، ...) «**محلی**» است.

✓ اعراب «**جمله**» و «**شبه‌جمله**» نیز «**محلی**» است.

✓ بنابراین : در **مبتدا** و **خبر**، ضمایر و اسم‌های اشاره و «جمله»ها و «شبه‌جمله»ها «**محلاً مرفوع**» می‌باشند.



اعراب در همه‌ی کلمات وجود دارد. اما علامات آن در پاره‌ای کلمات نه با چشم دیده می‌شود و نه بر زبان جاری می‌شود!

تمارين

التمرين الأول

اجعل الْجُملَ التاليةَ في مكانٍ مناسبٍ مِن الجدولِ:

١ـ ﴿اَلْحمدُ لِلّهِ ربِّ الْعالَمينَ﴾

٢ـ الرّائد* لا يَكْذِبُ أهْلَه!

٣ـ هؤلاءِ مَصابيحُ الأُمَّةِ.

٤ـ اَلصِّدقُ رَأْسُ الْفضائلِ*.

٥ـ شَرف الْمَكانِ بِالْمَكينِ*.

	الجملة الاسميّة		
	المبتدأ	الخبر	نوع الخبر
١			
٢			
٣			
٤			
٥			

التمرين الثاني

اِجْعَل الفاعلَ مُبتدأً و المبتدأَ فاعلاً و غيِّر ما يَلْزَمُ:

١ـ يأْمُرُ المؤمنونَ بِالْمعروفِ.

٢ـ يَعطِفُ* الْوالدانِ عَلَينا.

٣ـ اَلتِّلْميذتانِ ساعَدَتا أُمَّهما.

٤ـ تَجْتمِعُ الْمُسلماتُ في المسجدِ.

٥ـ اَلْمُمَرِّضاتُ* يَعطِفْنَ على الْمَرضَى.

٦ـ اَلْمسلمونَ رَفَعوا أعْلامَ الْحَضارةِ* في العالَمِ.

التمرين الثالث

مَيِّز الْخطأَ في كلِّ عبارةٍ ثم اكتُب الصَّحيحَ:

١ـ اَلْعِزّةُ لا يَحْصُل بالتَّكاسُلِ.

٢ـ اَلْمُعلِّمُ أنبياءُ الأُمَّةِ.

٣ـ حُسْنَ الخُلْقِ مِن ثَمراتِ الأَدبِ.

٤ـ اَلتّواضعُ تَرفَعُ قيمةُ الإنسانِ.

التمرين الرابع

جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید :

١ــ إِعْجابُ الْمرءِ بنفسِه*، دليلٌ على ضَعْفِ عقْلِه.

٢ــ اَلْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيطانِ والتَّأَنّي* من الرَّحمانِ.

٣ــ كمالُ الْجودِ* بَذْلُ الْمَوجودِ.

۴ــ اَلْعالِمُ بلا عَمَلٍ كالشَّجَرِ بلا ثَمَرٍ.

التمرين الخامس

إملأ الْفراغَ في كُلِّ صورةٍ:

فاعل　مفعول



إِسْتَغْفَلَتْ* قِطَّةٌ كبيرةٌ فِئْراناً*.

مبتدا　خبر



ــ ماذا نَفعلُ؟

ــ نَنْتظِرُ . سَتَذْهبُ.

ــ هي لا تذهبُ.

ــ نحنُ جَرَّبْنا* ذلك وفَشِلْنا*.

مفعول　جار و مجرور



و فَجْأَةً نَهضَتْ فأْرةٌ صغيرةٌ

مِن مكانِها و قالت :

ــ نُهاجِمُها.

فعل　فاعل



ــ وَ مَن لهُ جُرأَةٌ؟!

ــ سوف أُهاجِمُها و

اِغْتَنِموا أنتم الْفُرصةَ لِلْفِرارِ!

فعل　فاعل



فَتَقَدَّمَتْ نَحوَ الْقِطَّةِ.

شاهَدَ الْجميعُ منظراً عجيباً!

نعم عجيبٌ!

أَتَهْرُبُ الْقِطَّةُ مِن خَوفِ فأْرةٍ؟!

لازم　متعدي



ولكن ،

شاهدت الفئرانُ كلْباً.

فَفَرِحْنَ بالنَّجاةِ.

التمرين السادس

عَرِّبِ العباراتِ التاليةَ:

۱ــ میوه برای سلامتی بدن مفید است.

۲ــ فرصت را برای یادگیری غنیمت شمارید.

۳ــ مسلمانان برای کاری مهم در مسجد جمع می‌شوند.

التمرين السابع

أكمِلِ الفراغَ في الإعْرابِ و التَّحليلِ الصَّرفيِّ:

«اَلْعاقِلُ يَغْتَنِمُ* الْفرصةَ في الْحياةِ»

اَلعاقلُ : اسمٌ، ....، مذكّر، ....، ... / مبتدأ و ... والجملة ... .

يَغْتنمُ : فعلٌ ...، لِلْغائب، ... .، متعدٍّ، ... / فِعْلٌ ... و

فاعله ضمير «هو» المُستتر و الْجملةُ فعليّةٌ و ... و ... .

الفرصةَ : اسم، ....، ....، ....، ....، / مفعول و ... .

في : حرف جرّ، ... ...

الحياةِ : ....، مفرد، ....، جامد، .../ ... بحرف جرّ/ في الحياةِ : جارّ و مجرورٌ



کارگاه ترجمه

☐ در پایان جمله‌های اسمیّه‌ی فاقد فعل، از صیغه‌های مختلف فعل ربطی «است» استفاده می‌کنیم.

☐ خبر مفرد درصورتی‌که مثنی و یا جمع باشد، معمولاً به‌صورت مفرد ترجمه می‌شود.

(اَلْمؤمنونَ صادقونَ في حياتِهم : مؤمنان در زندگی خود راستگو هستند)

متن زیر را بخوانید و ترجمه کنید :

أَمَلُ* الْمُسْتَقْبَل

اَلكُفّارُ غَصَبوا بَلَداً من الْبِلادِ الإسْلاميّةِ. اَلنّاسُ خائفونَ* و الْحُكّامُ مُسَلَّطون على أَنْفُسِ* الشّعْبِ و أمْوالِهم.

كان في هذا الْبَلَدِ رجُلٌ صالِحٌ. هو رفيقُ الأَطْفال و مُصاحِبُ الصِّبْيانِ*. بَقِيَ هذا الرّجلُ على ارْتِباطِهِ بالأَطْفالِ و الصِّبْيانِ زمناً طويلاً . و بعد سَنواتٍ وقعتْ حادثةٌ عجيبةٌ. اَلنّاسُ شاهدوا ذلك الرَّجُلَ مع جَيْشٍ من أُولئكَ الصِّبْيانِ و هم يَهْجُمون على الأَعْداءِ و يَهْزِمونَهم*. اَلنّاسُ سألوه عن سِرِّ عَمِلِه. قال : فكّرتُ أوّلاً في الْكِبارِ* فوجَدْتُ الْيأْسَ مُسَيْطِراً عليهم، فبدَأْتُ بالأَطْفالِ. فهم أَمَلُ الْمُسْتقبلِ!

الأَمَل : امید، آرزو

الخائفون : ترسیدگان. جمع خائف

الصِّبْیان : کودکان. جمع صَبیّ

هَزَمَ : شکست داد

الکِبار : بزرگسالان. جمع کبیر

الأنفُس : جان‌ها. جمع نَفْس

أضواء قرآنية

الف

در آیات زیر کلماتی از ریشه (ظَلَم) بیان شده است. در کدام مربع توضیحات صحیح درباره آن‌ها داده شده است؟

۱ــ ﴿و مَا اللّهُ یریدُ ظُلْماً لِلْعبادِ﴾(غافر/ ۳۱)

☐ جامد ☐ مشتق

۲ــ ﴿و مَن قُتِلَ مظلوماً فقد جعلنا لِوَلیِّهِ سُلطاناً﴾ (إسراء / ۳۳)

☐ اسم زمان ☐ اسم مفعول

۳ــ ﴿وَ مَن أظْلَمُ مِمّن افْتَری علی اللّهِ کَذِباً﴾ (أنعام/ ۲۱)

☐ فعل ماضی ☐ اسم تفضیل

ب

مفهوم صحیح آیات زیر کدام است؟!

﴿و لا رَطْبٍ و لا یابِسٍ إلّا في کتابٍ مُبینٍ﴾

☐ خشک و تر با هم می‌سوزند.
☐ هیچ‌کس از خشم خدا در امان نیست.
☐ هیچ چیز نزد خدا پوشیده نیست.

﴿کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ رهینَةٌ﴾

☐ نکوهش شرط‌بندی
☐ مسؤولیت انسان نسبت به اعمالی که انجام می‌دهد
☐ جان انسان‌ها را نباید بازیچه قرار داد.

***

پایان سال تحصیلی زمان محاسبه‌ی آموخته‌ها وفعالیت‌ها است!

در مدرسه مراسم پایان سال تحصیلی را برگزار کنیم!

☐ نمایش‌گاهی از وسایل کمک‌آموزشی برگزار کنیم.
☐ ماه‌نامه‌های دیواری تهیه شده در طول سال را به نمایش بگذاریم.
☐ گزارش فعالیت‌های گروه‌های مختلف درسی را اعلام کنیم.
☐ متن های درسی را که می‌توان به‌صورت نمایش‌نامه برگزار کرد، در این روز اجرا کنیم.
☐ تلخی‌ها و شیرینی‌های سال تحصیلی را بازگو کنیم!
☐ گزارشی از فعالیت‌های خود را در طول سال به گروه عربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف ارسال کنیم!

اصنع و اعمل

آزمودن اطلاعات درس عربی

۱ــ تعدادی کارت مثلاً ۳۰ عدد با ابعاد ۱۰×۵ تهیه کنیم.

۲ــ کارت‌ها را مطابق شکل تقسیم‌بندی کنیم.

۳ــ روی هریک از کارت‌ها، مطالب خوانده شده مانند : باب‌های مزید، مشتقات ضمایر، اسم های موصول و ... را یادداشت کنیم.

۴ــ کارت‌ها را متناسب با مقدار اطلاعات و درجه‌ی سختی و سادگی مباحث امتیازبندی کنیم، مثلاً به کارت‌های ۳، ۵ و ۱۰ امتیازی.

طریقه‌ی بازی: کارت‌های آماده شده را با توجه به امتیازهای ثبت شده روی آن‌ها از یک‌دیگر تفکیک کنیم و نفر اوّل با انتخاب و پیشنهاد نفر دوم کارت مورد نظر او را از جهت امتیاز، برمی‌دارد و از وی شروع به سؤال می‌کند. در صورت شنیدن پاسخ صحیح کارت متعلق به فرد پاسخ‌گو است وگرنه متعلق به فرد سؤال‌کننده خواهد شد. این عمل تا پایان کارت‌ها میان آنان متناوباً تکرار می‌گردد و در پایان، امتیازها شمارش و شخص برنده تعیین می‌شود.

موضوع: باب‌های مزید	۳ امتیاز

موضوع: مشتقات	۵ امتیاز

موضوع: موصولات	۱۰ امتیاز

جمله‌سازی

۱ــ تعداد زیادی کارت با ابعاد ۵×۵ تهیه کنیم.

۲ــ روی هریک از کارت‌ها به‌طور جداگانه کلماتی از قبیل اسم، فعل و حرف بنویسیم.

سعی کنیم که در نوشتن کلمات تنوع و گوناگونی را فراموش نکنیم، برای مثال به هنگام نوشتن فعل‌ها از زمان‌ها و صیغه‌های مختلف استفاده کنیم و یا در نوشتن اسم‌ها از اقسام ضمایر و موصولات ...

طریقه‌ی بازی: پس از تهیه‌ی کارت‌ها می‌توانیم بازی را با هر تعداد شروع کنیم، ابتدا کارت‌ها را یک‌جا و یا به‌تدریج میان خود تقسیم می‌کنیم، و سپس نفر اوّل بازی را با قراردادن یک کارت روی زمین آغاز می‌کند و نفر دوم با قراردادن کارت خود در کنار آن، در صورت ساختن یک جمله‌ی مفید، کارت ها را از آنِ خود خواهد نمود. در غیر این صورت کارت‌ها باقی خواهند ماند تا این فرصت برای نفر بعدی ایجاد شود. این کار ادامه می‌یابد تا کارت‌های یک نفر تمام شود. و در پایان، به تعداد کارت‌های به‌دست‌آمده در نزد هریک از بازیکنان، امتیاز منظور خواهد شد و برنده مشخص می‌گردد.



المُعجَم

الف

آسِف: متأسف، متأسفم ٣

الآل: خاندان ٩

اِبتَعَدَ: دور شد ۴

اِبتَلَعَ: بلعید ۴

أبصَرَ: دید ٩

أتَی ــ یأتي: آمد ٩

الأجیال: ج جیل، نسل ۴

الأحَد: یکتا ٧

أخبَرَ: خبر داد، آگاه کرد ۶

الإخوان: ج أخ، برادر، دوست ٩

أذهَبَ: بُرد ٩

اِرتَعَدَ: لرزید، به لرزه افتاد ٩

اِرتَفَعَ: بالا آمد ٩

أرجَعَ: بازگرداند ٧

الأرخص: ارزان‌تر ۵

اِستَغفَلَ: منتظر غفلت بود ١٠

اِستَقبَلَ: استقبال کرد، به پیش‌باز رفت ٣

اِستَمَرَّ: ادامه پیدا کرد، ادامه داد ٨

اِستوی: مساوی شد، برابر شد ٩

اِستیقَظَ: بیدار شد، از خواب برخاست ٣

الإسقاط: ساقط کردن، انداختن ٩

أسلَمَ: اسلام آورد ٢

الأُسوة: الگو، نمونه ٣

أشارَ: اشاره کرد ١

أُشیرإلیها بخطّ: با خط به آن اشاره شده، زیر آن خط کشیده شده است

اِشتاقَ: اشتیاق پیدا کرد، مشتاق شد ١

الأشجَع: شجاع‌تر، شجاع‌ترین ٩

أصبَحَ: شُد، گردید ٣

اِعتَبَرَ: به شمار آورد ١٠

اِعتَمَدَ: اعتماد کرد ٨

الإعجابُ بالنَّفْس: خودپسندی ١٠

الإعزاز: عزت و احترام ۶

اِغتَنَمَ: غنیمت شمرد ١٠

الأغنیٰ: غنی‌تر، غنی‌ترین ١٠

أفرَغَ: فرو ریخت ٢

أفرِغْ علینا صبراً : صبری به ما عطا کُن!

أقامَ ــ یُقیم: به‌پا داشت ٧

إقامة الصّلاة : به پاداشتن نماز

أقبَلَ: روی آورد، جلو آمد ٣

اِقتَرَبَ: نزدیک شد ٩

الأقدام: جمع قَدَم، پاها، گام‌ها ٢

الألبِسَة: ج لباس، جامه ۵

ألحَقَ: ملحق کرد، رساند ١

ألحِقني بالصالحین : مرا به درستکاران ملحق کُن

ألقَی: انداخت ٩

إلَيكَ: به‌سوی تو ۱
الألیم: دردناک ۴
الأمّارة: بسیار امرکننده، فرمان‌دهنده ۵
الأملاح: مواد معدنی ۱۰
أنزَلَ: نازل کرد، فرو فرستاد ۷
اِنعَقَدَ: منعقد شد، برگزار شد ۳
أنفَقَ: انفاق کرد ۴
لایُنفِقونها : آن را انفاق نمی‌کنند
اِنقلب إلی: برگشت، رفت ۳
الأنیقَة: زیبا، شیک ۳
الأوراق: جِ ورَق، وَرَقَة، برگ ۵
الأَوْلَی: اولیٰ، سزاوارتر ۵
الأهْل: شایسته ۱
أهلاً و مَرْحَباً: خوش آمدید ۷
أهلاً و مَرحَباً بکم: شما خوش آمدید
إيْ: بلی، آری ۹

ب

البائع: فروشنده ۳
بائع الصُّحُف : روزنامه فروش
بادَرَ: مبادرت کرد، اقدام کرد ۶
الباغیة: باغي، سرکش، تجاوزکار ۹
الباهِظ: گران ۳
بایَعَ: بیعت کرد ۹
البَحْث: جست و جو ۶
بَحَثَ عن ... ـَ : جست و جو کرد، دنبالِ ... گشت!
بَدَا ـ یَبْدو: ظاهر شد، آشکار شد ۹
هذه‌الکوفة تبدو من بعید : این کوفه است که از دور نمایان است.
البدیع: عالی و زیبا، نو ۵
البِرّ: نیکی ۹
البَرْد: سردی، سرما ۶
بَرَزَ ـُ: ظاهر شد ۸
البَزّاز: بزّاز، پارچه‌فروش، لباس‌فروش ۵
البَشیر: بشارت دهنده، مژده‌دهنده ۳
البَصَل: پیاز ۱۰
البَطن: شکم ۸
بعد قلیل: اندکی بعد ۲
البُکاء: گریه ۵
بَلَّغَ: ابلاغ کرد، رساند ۸
بَلِّغ عنّي : از جانب من ابلاغ کن
البنات: جِ بِنت، دختر ۵

ت

تأمَّلَ: درنگ کرد، اندیشید ۳
التأنّي: تأمّل کردن، درنگ کردن ۱۰
تَرَبّی: تربیت شد ۱۰
تَرَوَّحَ: خود را باد زد، خود راخنک کرد ۵
تَشَبَّثَ: چنگ زد ۱۰
تَضَرَّعَ: التماس کرد، لابه کرد ۴
التطمیع: به طمع انداختن ۷
التطهیر: ضدعفونی کردن ۱۰
التعذیب: شکنجه، شکنجه کردن ۷

التَّعليق: آویختن ۶

تَفَضَّلْ: بفرما ۲

تَقَدَّمَ: پیشرفت کرد ۱۰

التّقویم: شکل، هیئت ۴

تکاسَلَ: سستی به‌خرج داد، تنبلی کرد ۳

التکریم: بزرگداشت ۳

تَمَّ ــ یَتِمُّ: کامل شد، انجام شد ۹

تَمَسَّكَ: متمسک شد، چنگ زد ۹

تَنَعَّمَ: متنعم شد، بهره‌مند شد ۱۰

تَوَضَّأَ: وضو گرفت ۳

التین: انجیر ۱۰

والتین : قسم به انجیر

ث

الثقافَة: فرهنگ ۱۰

الثَّمَن: قیمت ۳

ثَمَنُهُ باهِظ : قیمتش گران است.

الثوم: سیر ۱۰

ج

الجدود: اجداد جِ جَدّ، پدر بزرگ، نیا ۸

الجراثیم: جِ جُرثومة، میکروب ۱۰

جَرَّبَ: آزمایش کرد ۱۰

جَزَعَ ــَ: بی‌تابی کرد ۶

لا تَجْزَعي : بی‌تابی مکن

الجزیل: فراوان ۲

شکراً جزیلاً : بسیارمتشکرم

جَفَّفَ: خشک کرد ۵

الجَنيّ: تازه چیده شده ۱۰

الجوارِح: جِ جارِحَة، اعضای (بیرونی) بدن ۱

قَوِّ علی خِدمَتِكَ جوارحي : اعضای بدن

مرا برای خدمت خودت توانمند کن.

الجوانِح: جِ جانِحَة، اعضای (درونی) بدن ۱

اُشْدُد علی العزیمة جوانحي : اعضای بدن

مرا برای برخورداری از عزمی راسخ،

استوار بدار، یاری کن

الجود: بخشش ۱۰

ح

الحاذِق: ماهر، زبردست ۶

الحافِظ: نگاهدارنده ۴

حَبَّبَ: محبوب گرداند، خوشایند ساخت ۳

الحَبل: طناب، ریسمان ۵

حبیب: محبوب ۲

الحَرّ: گرما ۵

الحَشیشَة: علف خشک، یک دانه ۹

علف خشک

الحُصول: به‌دست آوردن، دست‌یافتن ۶

الحَضارة: تمدن ۱۰

الحفاوَة: به‌گرمی ۳

استقبال کردن، پذیرایی گرم و صمیمانه

الحفلَة: جشن ۳

الحُکم: حکمت، دانش ۱

خ

خالَفَ: مخالفت کرد ۸

خَذَلَ ـُـ: خوار کرد، تنها رها کرد ۹

الخَروف: گوسفند ۶

الخَضْراء: سبز ۵

خَلّصَ: نجات داد، رهایی بخشید ۴

د

دَلَّ ـُـ: راهنمایی کرد ۴

الدلیل: راهنما ۴

الدیك: خروس ۸

ذ

ذات: صاحب، دارنده

ذات لیلةٍ : شبی ۲

ذات یومٍ : روزی ۸

الذَّنَب: دُم ۶

الذَّهَب: طلا ۴

ذوي التیجان: صاحبان تاج، تاجداران (خروس‌ها) ۸

ر

الرّائد: پیش‌آهنگ، راهنما ۱۰

راجَعَ: مراجعه کرد ۶

الرؤوس: جِ رأس، سر ۹

الرخاء: آسایش، رفاه، فراخی ۹

الرخیص: ارزان ۳

الرُّطَب: خرما ۱۰

الرِّعایة: توجه، مراقبت ۲

الرَّغَبات: جِ الرَّغبَة : شور، میل ۵

رَفَضَ ـُـ: رد کرد، نپذیرفت، مخالفت کرد ۸

الرّنّان: طنین انداز ۵

رَوَّعَ: ترساند ۹

ز

زَهَقَ ـَـ: نابود شد ۴

الزَّیت: روغن ۱۰

الزینة: زیورآلات، زینت ۴

خرج في زینتِهِ : با جلال و شکوه بیرون آمد.

س

السائر: سیرکننده، حرکت کننده ۴

السابغ: فراخی دهنده ۱

یا سابغ النِّعَم : ای کسی که فراخی نعمت را به کمال داده است.

السابقون: جِ سابق، پیشتاز ۵

سَبَّ ـُـ: دشنام داد ۸

سَبَّبَ: باعث شد، موجب شد ۱۰

السِّبط: نوه‌ی دختری ۹

سَبعون: هفتاد ۱۰

السجّادة: قالی، قالیچه ۳

السکّریات: مواد قندی، گلوکوزها ۱۰

سَلَّمَ: تسلیم شد ۹

بایِعْ أنتَ أوتُسَلِّم :یابیعت کن و یا تسلیم می‌شوی.

سَمَحَ ـَـ: اجازه داد ۲

السُندُس: نوعی پارچه‌ی ابریشمی ۵

السّنینَ: جِ سَنَة، سال ۲

السوابق: جِ سابق، پیشتاز ۵

السّوء: بدی، زشتی ۵

السیّئة: بَد و ناپسند ۵

ش

الشباب: جِ شابّ، جوان، جوانی ۵

شَجَّعَ : تشویق کرد ۱۰

شَدَّ ــ یَشُدُّ: نیرومند ساخت ۱

الشّرور: جِ الشَّر، شر، بدی ۴

الشِّعار: کِسوت، لباس، جامه‌ی زیرین ۸

الشَّعْب: ملّت ۱۰

شَعَرَبـ ـُـ: احساس کرد ۵

الشّفیق: دلسوز ۵

شَهِدَ ـَـ: شهادت داد، گواهی داد ۹

رَبِّ فاشْهَد : پروردگار من، تو شاهد باش.

ص

صاحب الجلالة: باشکوه، أعْلی حضرت ۴

الصامِت: ساکت، خاموش ۷

الصانِع: سازنده ۴

الصُّحُف: جِ الصحیفة، روزنامه ۳

الصحیفةالمسائیّة : روزنامه‌ی عصر

صَدَّقَ: باور کرد، تصدیق کرد ۲

صلّی ــ یُصَلّي: نماز خواند ۹

صَوَّرَ: ترسیم کرد ۵

ض

الضفدعَة: قورباغه ۸

ضَمِنَ ـَـ: تضمین کرد، ضمانت کرد ۱۰

ط

الطاغوت: سرکش ۴

الطّاغیَة: ستمگر، بسیار سرکش ۹

الطاقَة: نیرو، انرژی ۱۰

طَرَقَ ـُـ: زد، کوبید ۲

الطَّريّ: تازه، خرّم ۱۰

الطلعَة: سیما، چهره، شکل ۵

طَیِّب: خوب، بسیار خوب ۷

ظ

ظَنَّ ـُـ: گمان کرد ۸

ع

عادَ ــ یَعودُ: بازگشت ۹

عادَ واللّه فتانا الحرُّ حرّاً : به خدا سوگند که جوان ما «حرّ» آزاده بازگشت.

العارِف: دانا ۸

عاقَبَ: مجازات کرد ۴

عاهَدَ: پیمان بست، عهد بست ۲

العَجوز: پیرزن ۲

عَذُبَ ـُـ: شیرین شد، گوارا شد ۹

العَذْب: گوارا، شیرین ۵

عَرَّبَ: ترجمه کرد (از زبانی دیگر به عربی) ۹

عَرَفَ ـِـ: شناخت، دانست ۳

العُزّىٰ: نام یکی از بت‌های کفّار قریش ۷

العزیمة: اراده قوی ۱

عَطِشَ ـَـ: تشنه شد ۹

العطشىٰ: ج عطشان، تشنه ۹

عَطَفَ ـِـ: عطوفت به خرج داد، محبت کرد ۱۰

عَلَّقَ: آویزان کرد، آویخت ۳

عَلِمَ بِـ... : پی برد، دانست ۵

علینا: علیه ما، بر ضد ما ۹

العُنُق: گردن ۳

عَنِّي: از جانب من (عن + ن + ي) ۸

العَيْن: شبیه، مانند ۹

عَيَّنَ: تعیین کرد ۱

ف

فاحَ ـ یَفوحُ: پراکنده شد، پخش شد ۲

الفَتَى: جوان، جوانمرد ۹

فَتَّشَ: جستجو کرد ۲

الفَرَج: گشایش ۹

فَشِلَ ـَـ: شکست خورد ۱۰

الفضائل: ج فضیلة، فضیلت، خوبی ۱۰

الفِضَّة: نقره ۴

الفقراء: ج فقیر، نیازمند ۷

رَبَّنا إنَّنا فُقراءُ لِما تُنزِلُ إلینا مِن خیرٍ:
پروردگارا، ما به آنچه از خیر بر ما
نازل می کنی نیازمندیم.

فِکرَة رائعة: فکر جالبی است! ۹

الفِئران: موش‌ها، جمع فَأر ۱۰

الفوم: همان ثوم است به معنی سیر ۱۰

فیمَ (= في + ما)؟: درباره‌ی چه؟ برای چه؟ ۹

ق

قِبَل: طرف، سمت، جهت ۲

القَدَح: کاسه، ظرف ۱۰

قَدِرَ ـِـ : توانست ۲

قَرَن: نام قبیله‌ای در «یمن» ۲

قَسَّمَ : تقسیم کرد، قسمت کرد ۵

القِطَع: ج قِطْعَة، قطعه، تکّه ۶

قِطَعُ اللّحم : تکه‌های گوشت

القِطَّة: گربه ۶

القَلِق: نگران، مضطرب ۲

القَلیل: کم، اندک ۲

بعدَ قلیلٍ : اندکی بعد

القَمیص: پیراهن ۵

قَوّى ـ یُقَوّي: توانمند کرد ۱

قَیْصَر : لقب پادشاه روم، سِزار ۵

القیمة الغذائیّة: ارزش غذایی ۱۰

ک

کَبَّرَ: تکبیر گفت، «الله‌اکبر» گفت ۹

الکُحول: الکُل ۶

کذلك: همچنین ۷

الكُرَيات الحمراء: گلبول های قرمز ۱۰
كسرىٰ: خسرو، لقب پادشاهان ساسانی ۵
كَلَّمَ : صحبت کرد ۲
الكُمّ : آستین ۵
كَنَزَ ـِ : انباشت، جمع کرد، ذخیره کرد ۴
يَكْنِزون الذّهبَ و الْفِضّة ... :
طلا و نقره جمع می کنند.
الكهف: غار، پناه، پناهگاه ۸

ل

لات: نیست ۴
اللّات: نام یکی از بت‌های مشرکان قریش ۷
اللّاحقون: ج لاحِق، دنباله‌رو ۵
اللَّبَن: شیر ۱۰
لِما: بر آنچه، برای آنچه ۷
لَمّا: وقتی که ۵
لَنا: با ما، برای ما ۹
أعلينا أم لنا؟ : بر ضد ما یا با ما؟،
علیه ما یا لَهِ ما؟
لَيتَ: کاش ۴

م

الماكِر: مکّار، حیله‌گر ۸
مالَكَ؟: تو را چه می‌شود؟ ۳
المؤسِفَة: تأسف بار، أسف‌انگیز ۶
المألوفة: روان، سلیس ۱
المُبيد: نابود کننده ۱۰
المبين: واضح، آشکار ۹
مُتَأَخِّراً: دیر ۶
المتفضّل: کریم، بخشنده ۴
المثاليّ: نمونه، الگو ۳
المجلس الإستشاريّ: مجلس مشاوره، ۶
شورای مشورتی
المُحرِقَة: سوزان ۳
المُخطِئ: خطاکار ۸
المُدُن: ج مدينة، شهر ۱۰
مَرْحَباً: خوش آمدید ۳
المرضَى: ج مریض ۶
المَساء: عصر ۳
المُستسلم: مطیع، فرمان بردار ۴
المستشفى: بیمارستان ۶
المَسرحيَّة: نمایش‌نامه ۳
مَشَى ـ يَمْشي: راه رفت ۸
المَشاهِد: ج مَشهَد، صحنه، منظره ۵
المصافَحة: مصافحه کردن، دست‌دادن ۳
المطر: باران ۶
المَظالِم: ج مَظلَمة، ستمگری، ظلم ۹
المِظَلَّة: چتر ۶
المعاصِي: ج مَعصِيَة، گناه ۴
معتذراً: عذرخواهانه، با عذرخواهی ۴
المغتصبة: غصب‌شده ۴
المَكين: صاحب منزلت ۱۰
شرف المكان بالمكين : ارزش محل
به صاحب محل است.

المُمرِّضات: جِ مُمرِّضَة، پرستار ۱۰
المملوءَة: پُر، سرشار ۴
مِنْ أجلِ : به‌خاطر ۷
مناص: گریزگاه، گریز ۴
المِنهاج: راه روشن ۱۰
المُوَحِّد: موحّد، یگانه‌پرست ۷
المَوکب: موکب، کاروان ۴
مَيَّزَ : تشخیص داد ۱۰

ن

الناجِح: قبول‌شده، مُوَفّق ۳
الناصِح: نصیحت‌گو، نصیحت کننده ۵
النَّجْدَة: کمک، یاری ۴
النذیر: هشداردهنده، بیم‌دهنده ۳
النَّصّ: متن ۲
نَصَبَ ـِ: قرار داد ۱
نصبتُ وجهي : چهره‌ام را قرار دادم.
النَّصیب: بهره، قسمت ۵
النعیم: بهشت، وفور نعمت ۹
نَفَخَ ـُ: دمید، باد کرد ۸
نَفِدَ ـَ : تمام شد، به پایان رسید ۲
النِّقَم : جِ نقمة، بلا، بدبختی ۱
النواحي : جِ ناحیه، محله، گوشه ۶
النَّهج : راه، روش ۹
نَهَضَ ـَ : برخاست ۲

و

واحُزناه! : چه اندوهی! ۵
وَزَّعَ: تقسیم کرد، توزیع کرد ۹
الوِسام: نشان، مدال ۳
وعَظَ ـ يَعِظُ: پند داد، نصیحت کرد ۸
وَهَبَ ـ يَهَبُ : عطا کرد، بخشید ۱
هَبْ لي : به من عطا کن

هـ

ها أنا : هان، این من هستم! ۹
هَبْ : ← وَهَبَ ۱
هُبَل : نام بتی از بت‌های مشرکان قریش ۷
هکذا: این چنین ۵
هنیئاً! : گوارا باد! ۲
هَيَّأَ: مهیّا ساخت، آماده کرد ۳

ی

یا لَلسعادة! : چه سعادتی! ۲

والْحمدُلِلّه.